

پاسخ به پرسشهای ایرانیان از
ابوالحسن بنی صدر

مرده ده آن زندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۸۳۴ ۲۱ مرداد تا ۳ شهریور ۱۳۹۲

شورا؟

نقد ناقد این بار، مربوط می شود به شورا. نقد این نقد شورا را بمثابه یک حق همگانی متعلق به اعضای یک جامعه برخوردار از حقوق شهروندی، مبرهن می کند و زبان بس بزرگی را آشکار می کند که قرنهای غفلت از این حق، گریبانگیر همه انسانها، بخصوص جامعه های مسلمان کرده است. همان زبان که اینک ایرانیان گرفتار ولایت فقیه، تحمل می کنند:

۲ - در دنباله گفتید که آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول دلالت بر اطاعت در مرحله اجرا دارد نه مرحله تصمیم گیری دلیل بر اینطور معنی کردن را آیاتی قرار دادید که می گویند امور مردم به نحو مشورتی در میان خودشان است و خودشان باید تصمیم بگیرند نه کسی دیگر برای ارزیابی سخن شما لازم است که آیات شریفه مورد نظرتان را یک بار به طور کامل بخوانیم تا سخن شما را در مورد مفاد آن مورد ارزیابی قرار دهیم.

در قرآن دو آیه در مورد مشورت وجود دارد آیه اول در سوره آل عمران است که می فرماید:

فَمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹)

ترجمه: پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان امرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد. (۱۵۹)

در این آیه خداوند به پیامبر دستور می دهد: "شاورهم فی الامر" یعنی با آنها مشورت کن اما پس از آن می گوید "فاذا عزمت فتوکل علی الله" یعنی بعد از آن وقتی تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن. بنابراین تصمیم با پیامبر است نه با آنها.

در صفحه ۲

«شاخه زیتون»؟

- ◀ روحانی و وزیرانش «شاخه زیتون» هستند که تقدیم می شوند به...؟ ص ۱
- ◀ شبکه تار عنکبوتی مهدوی کنی ها و اتصالاتش با شبکه محوری که از آن خامنه ای است: ص ۵
- ◀ بیست پنجمین سال قبول قطعنامه ۵۹۸ و سرکشیدن جام زهر شکست: ص ۶
- ◀ گفتگو؟ و مجازاتها و احتمال ممنوع کردن حکومت امریکا از گفتگو با رژیم ایران؟ - ایران بمب می خورد و یا بمب می سازد؟ ص ۹
- ◀ در این سال، ایران بمب اتمی خواهد ساخت و یا بمباران خواهد شد؟ ص ۱۰
- ◀ تا سال ۲۰۰۳، بدون اطلاع «رهبر» سپاه به تولید بمب اتمی مشغول بوده است؟! ص ۱۱
- ◀ اخطار قوه قضائیه و واواک به هرکس که گرفتار خوش باوری شده باشد: ص ۱۲

انقلاب اسلامی: هیأت وزیران قسمت دوم «مهندسی انتخابات» را تشکیل می داد، به مجلس مافیها معرفی شد. رویتر، وزارت خارجه بخشیدن را به ظریف، تقدم شاخه زیتون به امریکا دانسته است. واکنش دستگاه های تبلیغاتی انگلیس و امریکا جا برای تردید نمی گذارد که روحانی و وزیرانش، از جمله، برگ زیتونی هستند که خامنه ای تقدیم امریکا و انگلیس می کند. در همان حال، ترکیب وزیران می گوید که حکومت جدید برگ زیتونی است که تقدیم خامنه ای می شود. به مردمی که رای دادند، سخنان در صورت زیبا و در محتوا بس زشت تقدیم شد. سهم قربانیان تجاوزهای سبعانه رژیم به حقوق انسان و اعدام شدگان و ترور شدگان و قربانیان کنونی و بعدی نیز، پورمحمدی بعنوان وزیر دادگستری و یک واواکی بنام عبدالرضا رحمانی فضلی، بعنوان وزیر کشور و نماینده خامنه ای در ارتش بعنوان وزیر واواک شد. در فصل اول، بیشترین اطلاعات را در باره هیأت وزیران روحانی جمع آورده ایم.

در فصل دوم، قسمتی از مطالعه ای را می خوانید در باره شبکه تار عنکبوتی خانواده مهدوی کنی که متصل است به شبکه تار عنکبوتی خامنه ای.

در فصل سوم، بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد قبول قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ ۸ ساله و سرکشیدن جام زهر توسط خمینی، روزشمار مداخله های امریکا و انگلیس و اسرائیل را در جنگ ترتیب داده ایم و نیز پاسخ این پرسش را جسته ایم: عاملان طولانی شدن جنگ به مدت ۸ سال چه کسانی بوده اند؟

در فصل چهارم، مجازاتهای جدید مصوب کنگره امریکا و ربط آن با موضع گیری خامنه ای و «مهندسی انتخابات» ریاست جمهوری را بررسی کرده ایم.

در فصل پنجم، ترجمه نوشته بس دقیق سیاست شناس امریکا که بمدت ۱۰ سال مشاور حکومت امریکا در مورد برنامه اتمی ایران بوده است را از نظر خوانندگان گذرانده ایم.

در فصل ششم، بررسی خاطرات سفیر اسبق فرانسه در تهران را توسط یک تحلیل گر امریکا، آورده ایم. سفیر «فاش» می سازد که سپاه پاسداران، بدون اطلاع «رهبر»، مخفیانه، برنامه وسیع تولید بمب اتمی را اجرا می کرده است. در سال ۲۰۰۳، خامنه ای و خاتمی و روحانی از آن آگاه می شوند و احساس غافلگیری می کنند. روحانی مسئول می شود و او اجرای برنامه را متوقف می کند!

در فصل هفتم، موارد تجاوزها به حقوق بشر را از نظر خوانندگان می گذرانیم:

روحانی و وزیرانش «شاخه زیتون» هستند که تقدیم می شوند به امریکا و انگلیس؟

* ترکیب وزیران می باید هیچیک از سه تجربه شکست خورده را ناراضی نکند و به مذاق امریکا نیز خوش بیاید:

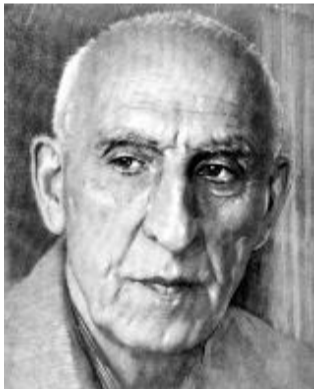
اسامی کسانی که قرار است وزیر شوند و یا بنا بر گمانه زنی ها بناست وزیر شوند، یک امر را قطعی می کند: وزیران از سه دسته ای هستند که در سه آزمون شکست خورده (سازندگی و اصلاح گری و اصول گرایی) شرکت داشته اند. جز این نیز، ممکن نبود. چراکه روحانی نه یک چهره جدید است و نه اندیشه جدیدی را ارائه می کند و نه برنامه نوی دارد. تعاملی که او از آن سخن می گفت و ترکیب وزیران معنای واقعی آن را باز می گوید، حذف «افراطی» های سه دسته مذکور است.

در صفحه ۳

«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و سی و یکمین

سالگرد تولد دکتر محمد مصدق

زندگینامه دکتر محمد مصدق (۸۳)



جمال صفری

"انتخابات" فرمایشی مجلس مؤسسان اول و "انتخاب"

رضا خان به پادشاهی

رضاخان و نظامیان به فرمان او، نمایندگان از قبل تعیین شده را از صندوق "انتخابات" مجلس مؤسسان اول درآوردند. سلیمان میرزا با مسلک «سوسیالیستی» در منزل رضاخان «پیمان نامه ای با سید محمد صادق طباطبائی، مستشارالدوله صادق، سید محمد تدین، رضا افشار، علی اکبر داور، تیمورتاش، عدل الملک دادگر و سردار سپه رضا خان و... امضاء و مبادله نمود. در یکی از مواد این پیمان به این مضمون «که والا حضرت سردار سپه به انتخاب مردم مادام العمر در مقام سلطنت انتخابی قرار گرفته و پس از آن اخذ تصمیم در مورد پادشاه و جانشین قانونی او را به رای ملت ایران واگذار می نمایند.» در جریان «انقراض قاجاریه و تفویض سلطنت به سردار سپه کوشی و فعالیت سلیمان میرزا چشمگیر بود.» و بین آنها قرار نبود که پادشاهی را موروثی کنند، در مجلس مؤسسان از رضا خان که زیر قول و قرارش زد، کلک خورد. سلیمان میرزا در همین مجلس می گوید: «در تفویض حکومت به شخص آقای پهلوی کاملاً موافقم زیرا الساعه شاید مدت ۳ سال باشد که همه وقت خواه در مجالس خصوصی مجلس شورای ملی، خواه در مجالس علنی از اولین مدافعین ایشان و اعمالی که ایشان برای خیر مملکت و صلاح مملکت کرده اند بنده بوده ام و هیچ جای تردید برای احدی نیست که در خیلی از مواقع مهمه کسی که بر خاسته است و دفاع کرده است،

در صفحه ۱۳

دوستان محترم و خوانندگان این نشریه بصورت چاپی و اینترنتی!

ما را برای ادامه انتشار نشریه، با کمک مالی خود یاری فرمائید!



شورا؟

به عمل به این حقوق می خوانند. و نیز نقض اصل است. این اصل که ایجاد کننده امر صاحب آنست و این او است که یا خود امر را اجرا می کند و یا کسی را بر می گزیند. ۵/۲. از آنجا که اختیار خود کامگی به پیامبر، اعضای شورا را از مسئولیت مبرا می کند، «ای انسان تو مسئولی» را نقض می کند. راست بخواهی نه تنها آیه هائی را نقض می کند که مسئولیت را خاطر نشان انسان می کنند، بلکه ناقض قرآن در اصول و فروع می شود.

۶/۲. وقتی بنا بر شورا است، روش بناچار تجربی می شود. یعنی در طول عمل، قابل تصحیح می گردد. چنانکه شکست احد با وجود همه عواقبی که بار آورد، چون جمهور شرکت کننده در شورا خویشتر را مسئول می دانستند، در جبران شکست نیز شرکت کردند. جبران نیز میسر شد. اما وقتی شورا کارش مشورت دادن می شود، روش «ولی امر» دستوری می گردد. این روش قابل تصحیح نیست و کار را به کشیدن جام زهر می کشاند. مقایسه شکست احد و فرجام کار آن و نیز پیامبری پیامبر با خمینی، شکست در جنگ ۸ ساله و بزرگی زبانی که به هیچ رو قابل مقایسه با زبان جنگ احد نیست و سرنوشت خمینی و رژیم او و آنچه بر سر جامعه ایران آورده است، تفاوت روش تجربی که شورا و پیامبر بکار بردند و روش دستوری که خمینی و جانشین او بکار برده اند، بسی درس آموز است و می گوید وقتی آیه شفاف ترجمه و فهمیده شود چه رهنمود گراندتری است.

۷/۲. ناقض اصل شورا موضوع آیه ۳۸ سوره شورا است. این اصل که امرشان فرآورده شورا میان آنها است، اصل راهنمای جامعه باز با نظام شورائی است. جامعه ای که چون رابطه ها رابطه های حق با حق شدند، پدید می آید. افسوس که هنوز در دموکراسی ها نیز امر را شورای جمهور مردم پدید نمی آورد. راست بخواهی آن امر که مقامهای انتخابی باشند، با رأی اکثریت و اقلیت پدید می آیند. اما از آن پس، این مقامها جانشین مردم می شوند. و صد افسوس که نظام شورائی در مدینه تجربه نیز شد اما زود تر هر اصل و فرع دیگری، از یادها رفت و جامعه ها به زیست در استبداد، ادامه دادند.

۸/۲. ناقض رویه و سنت پیامبر نیز هست. در حقیقت، رویه پیامبر اجرای امری بوده است که شورا ایجاد می کرده است. هم در ماجرای کندن خندق (در جنگ دفاعی معروف به غزوه خندق) و هم در غزوه احد و هم در موارد دیگر.

۳ - اما ترجمه ای که ناقد نقد کرده است، یکی از موارد آشکار مقلوب کردن بیان استقلال و آزادی در بیان قدرت است. ترجمه نادرست بقصد انکار حق و بر کرسی نشاندن اصل اطاعت از قدرت، امر واقع مستمر است. توضیح این که

۱/۳. آیه نمی گوید «کارهاشان بصورت مشورت میان آنها است». اما این ترجمه نیز با توضیح ناقد در تناقض است. زیرا توضیح ناقد اینست که افراد در کار خود، اهل مشورت هستند. اما تصمیم را فردی که مشورت می کند، خود می گیرد. اما «کارهاشان بصورت مشورت میان آنها است» یعنی این که کارها متعلق به جمع هستند و جمع از راه شورا درباره آنها تصمیم می گیرد. رفع تناقض به اینست که ناقد توجه کند که امر جمع به جمع مربوط می شود و در آیه، مخاطب فرد نیست، جمع است. سخن از جمع و ویژگی های آنست. از ویژگی های آنها، بمثابة جمع، یکی اینست که امر آنها فرآورده شورائی آنها است. دو دسته ترجمه ها وجود دارند: آنها که بی توجه به جامعه باز برخوردار از نظام شورائی ترجمه کرده اند و آنها که با توجه به سازمان و سازماندهی جامعه، بر اصل شورا، ترجمه کرده اند. از دسته اول، طباطبائی در المیزان آیه را چنین می فهمد:

● کلمه «شورا» به معنای آن پیشنهاد و امری است که در باره اش مشاوره شود. این کلمه نیز در قرآن آمده فرموده: «و امرهم شوری بینهم». بنابراین، معنای آیه چنین می شود: «مؤمنین آنهاست که هر کاری می خواهند بکنند، در بینشان شورائی می شود که پیرامونش مشورت می کنند».

از دسته دوم، ژاک برگ استاد کلژ دو فرانس و مترجم قرآن به زبان فرانسه، هم آیه را صحیح ترجمه کرده و هم توضیح بسیار ذبیمتی داده است:

● «امرهم شوری بینهم» یعنی این که امور خویش را برعهده شورای مشترک خویش و می گذارند.

در توضیح آیه آورده است: این آیه ناقض مجلسی است که قریش برپا می داشتند و کار مجلس تصویب امر قریش بود. بنا بر این آیه، شورا جائی نیست که امری را تصدیق کند که مستبد ایجاد می کند، بلکه جائی است که جمهور مردم در آن گرد می آیند و خود امر را پدید می آورند.

بر توضیح برگ می افزایم که هرگاه به تاریخ بمثابة امر مستمر بنگریم، از پیش از اسلام تا امروز، مجلس های شور که قدرتمدارها تشکیل می دادند و می دهند و کار این مجلس ها تصویب امر مستبد است، یک امر واقع مستمر است. هم اکنون در ایران، کار «مجلس شورای اسلامی» اطاعت از «ولی امر» و تصویب امر او و مافیاهای نظامی - مالی است. در جامعه های برخوردار از

یا ابتکاری که می تواند رشدی را سبب شود و یا... ۲/۱. تشکیل شورا و بررسی چگونگی برآوردن نیاز و یا جستن راه حل و یا پذیرفتن ابتکار (وقتی به جمع مربوط می شود): مرحله شو.

۳/۱. رسیدن شورا به نتیجه و گرفتن تصمیم: مرحله تصمیم و ایجاد امر.

در این سه مرحله، اطلاعات نه محل دارد و نه ممکن است. محل ندارد زیرا امری که باید به عمل درآید وجود ندارد و ممکن نیست زیرا در هر سه مرحله، عقلهای انسانها هستند که می اندیشند. دستور قدرتمدارانه به اندیشیدن و یا چنین چنان اندیشیدن، عقل را از اندیشیدن بازداشتن و او را مطیع زور کردن است.

۴/۱. اجرا. در این مرحله، امر بوجود آمده است و مجری معین گشته است و اجرای امر بدون اطاعت از مجری، میسر نیست.

پدین سان، خواه سه مرحله طی شده و خداوند امر را مقرر کرده باشد و چه این سه مرحله را عقل پیامبر طی کرده و امر را ایجاد کرده باشد و خواه شورا این مراحل را طی کرده و امر را پدید آورده باشد، اطاعت، تنها، در مرحله اجرای امر است که محل پیدا می کند و ممکن می شود: پیش از آن، ولایت امر، وجود پیدا نمی کند.

۲ - در آیه، «شاورهم فی الامر فأذا عزمتم فتوکل علی الله»، ترجمه ناقد با درک او از آیه متناقض بکدیگرند: اینک که دانستیم امر چنان پدید می آید، شاورهم فی الامر را شفاف می یابیم:

۱/۲. فرض اول: شور شورا بر وفق حقوق انجام گرفته است و امر حاصل از آن، حق است. حال اگر به پیامبر منتخب شورا (بنابر آیه ۱۸ سوره فتح) اجازه داده شده باشد، اگر خواست خلاف آن تصمیم بگیرد، خلاف حق، باطل می شود و خداوند به پیامبر اجازه باطل اندیشیدن و باطل را امر گرداندن و عزم به اجرای آن را نمی دهد. علاوه بر این که چنین اجازه ای سلطه قدرت (= زور) بر حق است و ناقض قول خداوند، «حق می آید و باطل می رود»، نیز هست. خداوند از کسی که به باطل تصمیم می گیرد و عمل به باطل می کند، نیز نمی خواهد به او توکل کند. چرا که بدون غفلت از خداوند و از حقوق که همه ذاتی حیات فرد و جمع هستند، کسی تصمیم باطل نمی گیرد و به اجرای آن عازم نمی شود.

۲/۲. با جمعی که پیامبر خود نیز در آن حضور دارد، امری خلاف حق پدید آورد، بنا بر این که حقوق اصول هستند و نقض آنها تصمیم امر قابل اجرا پدید نمی آورد، قابل اجرا نیست تا پیامبر بر انجام آن عازم شود و به خداوند توکل کند. پس تصمیم شوری به حقوق سنجیده می شوند و هرگاه ناقض حقوق بودند، توسط شوری نقض می شود. از غافل از خدا چگونه می توان خواست به خداوند توکل کند؟

۳/۲. از ویژگی های حق، یکی اینست که هر حقی، خود روش خویش است: برای مثال، دفاع در برابر تجاوز، حق است. روش دفاع نمی باید ناقض این حق باشد. اما چگونه باید دفاع کرد؟ در جنگ احد، شورا یک نظر داشت و پیامبر نظر دیگر. نظر شورا اجرا شد و شکست بار آورد. آیه در مورد جنگ احد است که نازل شده است. جمعی بر این نظر شدند که در مورد جنگ، می باید از رویه ای پیروی کرد که، بنا بر آن، یک امیری جبار و مطاع باید برگزید و همه باید از او اطاعت کنند. باوجود این، خداوند این نظر را که رویه ای دیرین بود الغا و اصل شورا را مقرر فرمود. از جمله به این دلیل که حق همگانی و دارندگان حق همگاند و امر را هم همگان پدید می آورند و همگان می باید عمل به حق و مسئولیت شناسی را تمرین کنند تا که جامعه باز با نظام شورائی متحقق گردد. چگونه ممکن بود جز این مقرر کند وقتی خداوند می داند از نصب یک خود گامه و باوراورندگان را به اطاعت او مجبور کردن، انسانهای حقوقمند و عضو جامعه باز و مسئولیت شناس، بنا بر این، عامل به حقوق، پدید نمی آید؟

در این باره، طالقانی در پرنوی از قرآن (جلد سوم، سوره آل عمران)، صفحه های ۲۹۵ و ۲۹۸ این سان نظر داده است: «با آن عواقب سخت و ناگواری که شورای احد پیش آورد و آن ضربه ای که بر مسلمانان وارد شد و آن بزرگانی که از دست داد و آن شکاف و تفرقه فکری و جنگی که در اجتماع آنان پدید آمد و نزدیک بود یکسره متلاشی شوند، همه از آثار آن شورا بود که مدینه را بی پناه گذارند و برخلاف نظر شخص آن حضرت، به سوی دشمن پیش راندند، با همه اینها، باز اصل شورا را تحکیم می کند. چون پایه اجتماع اسلامی است و برای همیشه، تا اندیشه ها و استعدادها بروز کنند و هر صاحب رأی خود را شریک در سرنوشت بدانند و مسلمانان برای آینده و همیشه تربیت شوند و بتوانند در هر زمان و هر جا، بعد از غروب نبوت، خود را رهبری کنند. اگر در این راه و برای تحکیم شورا هرچه زیان دهند ارزش دارد... و «ف، تفریح بر «شاورهم فی الامر» است که چون در مشاوره رأی برانجام کاری قرار گرفت، باید عزم کنی و تصمیم قاطع بگیری، دیگر تردید و شک و دودلی به خود راه ندهی و توکل به خدا کنی».

۴/۲. فرض دوم: اجازه عمل نکردن به شورا، ناقض اصل تابعیت منتخب از منتخب است. بنا بر این که خداوند خود بیعت با پیامبر را امضاء کرده است، خلاف اصل و حق است نقض امضاء و بی قدرت کردن انسانهایی که آنها را بر حقوق خویش آگاهی می دهد و

آنها صرفاً طرف مشورت هستند و نظراتشان به عنوان طرف مشورت خواسته می شود اما در نهایت هر چه پیامبر موافق مصلحت دانست تصمیم می گیرد. تصمیم پیامبر در خروج از مدینه در جنگ احد و نیز تصمیم ایشان بر حفر خندق در جنگ خندق نمونه ای از همین تصمیمهای مشورتی است.

آیه دوم هم آیه ۳۸ سوره شوری است که در بین تعدادی از آیات است و معنایش با آنها در ارتباط است لذا این آیه را با آن مجموعه ذکر می کنیم:

فَبِمَا أَوْثَقْتُم مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْعَالَمِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَلْيَقِي لِلدِّينِ ءَامِنًا وَعَلَىٰ رَأْيِهِمْ يَتُوَكَّلُونَ (۳۶) وَالَّذِينَ يَبِغُوتِبُنَّ كَيْدًا أَتَمَّ وَٱلْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (۳۷) وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸) وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (۳۹)

آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می کنند بهتر و پایدارتر است. (۳۶) همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می کنند. (۳۷) و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند، (۳۸) و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی شوند و) یاری می طلبند! (۳۹)

با توجه به این مجموعه از آیات می توان گفت:

اولاً همانطور که با نگاه به ترجمه آیات مشخص می شود این آیات به توصیف ویژگیهای رفتاری و شخصیتی کسانی می پردازد که از نعمتهای بی کران الهی در آخرت بر خوردار خواهند شد. ایمان، توکل بر خدا، اجتناب از گناهان کبیره، عفو هنگام غضب، اطاعت اوامر الهی، به پا داشتن نماز، مشورت کردن با دیگران در کارها، انفاق از روزیهای الهی و یاری طلبیدن از دیگران در قبالی ظلم وارد به ایشان (منظور اینکه تسلیم ظلم ظالم نمی شوند). ویژگیهایی است که در این آیات ذکر شده است و از جمله آنها مشورت کردن این افراد با دیگران است و این نشان می دهد ایشان افرادی خود رای نیستند و در انجام کارهایشان از نظر دیگران هم استفاده می کنند و همواره به دنبال یافتن صحیح ترین و عاقلانه ترین کارها می باشند. بنابراین همانطور که ملاحظه می کنید این آیه در مقام بیان ویژگی های شخصیتی و رفتاری ایشان در حوزه رفتارهای شخصیشان مثل اجتناب از گناهان و اقامه نماز و ... است و از جمله آنها اهل مشورت بودن این افراد را ذکر می کند اما در مورد اینکه آیا پیامبر می تواند در مواقع خاص بر خلاف میلشان در موردشان تصمیم گیری کند یا خیر هیچ پاسخی نمی دهد. به اصطلاح اهل فن، آیه در مقام بیان این جهت نیست و لذا پاسخی را بیان نمی کند.

خلاصه: چکیده حرف ما در این پاسخ این بود که مدعای شما در مورد عدم تصمیم گیری در مورد مؤمنین و سپس اختصاص آیات اطاعت، به اطاعت در مقام اجرا فاقد دلیل و مدرک است. زیرا آیات مورد نظر شما چنین دلالتی نداشتند.

ثانیاً ادعای شما جدای از اینکه از آیات فوق قابل استنباط نبود، توسط آیات دیگر قرآن نقض میشود زیرا طبق ادعای شما اگر اکثریت مردم تصمیمی گرفتند که کاری انجام شود می بایست رهبر حتی مثل پیامبر به عنوان یک مأمور اجرایی به حرف آنها عمل کند؟ حال اینکه خداوند در قرآن کریم در آیه ۱۱۶ سوره انعام دستوری بر خلاف گفته شما را به پیامبر می دهد میفرماید:

وَإِن تَطَعْتَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۱۶)

ترجمه: و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین می باشند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند. آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی کنند و جز به حدس و تخمین نمی پردازند. (۱۱۶)

این دستور خداوند اختصاص به مردم سرزمین خاص هم ندارد زیرا دلیلی که در انتهای آیه شریفه آمده است برای همه زمانها و جوامع ثابت است چرا که در همه زمانها همینطور است که عموم مردم بر اساس نظریات و پندارها و حساب و کتابهای خویش تصمیم گیری و اعمال نظر می کنند که می تواند با واقعیت تطابق نداشته باشد لذا با گذر زمان هم بسیاری از نظرات و دیدگاههایشان عوض می شود.

پس این آیه نقض گفتار شما در تبعیت تصمیمات پیامبر از مردم خواهد بود. این آیه را چه می کنید؟

* پاسخ اشکال وارده به شورا و عزم:

۱ - این قول که گویا دلیل اطاعت فرع بر وجود امر است را آیه های دیگر قرآن فرار داده ام، نادرست است. بنا بر این که دلیل حق در خود حق است، امر، بنفسه دلیل است بر این که اطاعت فرع بر وجود امر و نگاه اجرا است. چرا که بدون وجود امر، اطاعت موضوع پیدا نمی کند. اما امر چگونه بوجود می آید؟ اینگونه:

۱/۱. وجود نیازی که باید برآورد و یا مشکلی که راه حل می طلبد و



«شاخه زیتون»؟

* گزارش رویتر در باره مقام وزارت خارجه یافتن جواد ظریف (اهدای شاخه زیتون به آمریکا):

نامزد تصدی وزارت امور خارجه شدن جواد ظریف که بمدت ۵ سال نماینده رژیم در سازمان ملل بود، رویتر (۳۰ ژوئیه ۲۰۱۳) را بر آن داشته است که گزارش مفصلي با عنوان «شاخه زیتونی که ایران به آمریکا اهدا می کند»، انتشار دهد. نکات عمده این گزارش عبارتند از:

● اگر روحانی خواسته است علامتی از عزم خود به بازسازی روابط با آمریکا و بگوید که می خواهد کار بزرگ را از عهده بر آید، مشکل می توانست انتخابی بهتر از انتخاب جواد ظریف را برای تصدی وزارت خارجه انجام دهد. خبرگزاری ایران می گوید او وزیر امور خارجه می شود و یک منبع نزدیک به روحانی نیز تأیید کرد که ظریف به این مقام منصوب می شود.

● جواد ظریف که انگلیسی را روان صحبت می کند، از دانشگاه دنور دکترای گرفته است. دیپلماتها می گویند: در طول ۳۵ سال اخیر قطع رابطه میان واشنگتن با تهران، او در گفتگوهای محرمانه چندی شرکت داشته است. این گفتگوهای محرمانه با آمریکا شکست خوردند زیرا عدم اعتماد عمیق و کشمکش ها بر سر برنامه اتمی ایران و حمایت از ضد اسرائیلی ها و امید به «مهندسی تغییر رژیم» و وضع مجازاتها، مانع از موفقیتشان شدند.

● روی کار آمدن ظریف بعنوان وزیر امور خارجه گویای آنست که رئیس جمهوری میانه رو جدید، می خواهد سعی دیگری برای شکستن سد و برداشتن مانع از سر راه عادی کردن رابطه با آمریکا بکند. یک دیپلمات ارشد غربی که گفتگوهای مکرر با ظریف داشته است، می گوید: او همواره هر کار توانسته است برای بهبود روابط، با بکار بردن هوشمندانه ترین و روشن ترین روشها، کرده است. ظریف کسی است که آمریکا را خوب می شناسد و برغم حرمانهای گذشته، هنوز او کسی است که در واشنگتن می شناسندش.

● در جمهوری اسلامی، سیاست خارجی را رهبر آن، آیه الله علی خامنه ای تعیین می کند. برنامه اتمی کشور نیز تحت مهار او است. قدرتهای غربی می گویند هدف از اجرای برنامه، تولید بمب اتمی است. در آنچه به سیاست خارجی مربوط می شود، وزیر خارجه مقام ردیف چهارم است: بعد از خامنه ای، رئیس جمهوری است که رئیس شورای امنیت ملی نیز هست و آنگاه دبیر شورای امنیت ملی است که گفتگوها پیرامون برنامه اتمی را با کشورهای ۱+۵ تصدی می کند. و سرانجام وزیر خارجه است.

با وجود این، رای اعتماد به جواد ظریف توسط مجلسی که محافظه کاران بر آن مسلط هستند، گویای وجود نیت خوب نسبت به آمریکا است. این دو کشور از به گروگان گرفتن ۵۲ عضو سفارت آمریکا در تهران در ۱۹۸۰، با یکدیگر رابطه ندارند.

● از مقامهای آمریکائی که ظریف با آنها در ارتباط است، می توان از جو بایدن،

افراطی ها آنها هستند که رژیم را در بن بست دیده اند و راهی برای بیرون رفتن از آن پیشنهاد کرده اند. حمله شدید خامنه ای به «فتنه گران» و نیز حمله ها که به منحرفین می شوند، خط قرمزی را مشخص می کنند که روحانی نمی باید از آن عبور کند:

● میر حسین موسوی گرچه سخن از بازگشت به «دوران طلایی امام خمینی» می زد و آدم جدیدی نبود و متصدی تجربه شکست خورده حکومت در ولایت مطلقه خمینی بود، اما می توانست راه و روشی باشد غیر از سه تجربه شکست خورده دوران ولایت مطلقه خامنه ای و کسی باشد که نقش تدارکناچی را برای خامنه ای بازی نکند. خامنه ای با دست زدن به تقلب بزرگ، مانع شد. هرچند اگر هم مانع نمی شد، در محدوده ولایت مطلقه قمی راه و روش ناسازگار با آن، در پیش گرفتاری نبود. طرفه این که با وجود این که انتخابات مهندسی شده ۲۴ خرداد ۹۲، تردید باقی نگذاشت که در انتخابات، تقلب بزرگ انجام گرفته است، او پرسید: چرا سران فتنه معذرت نمی خواهند!

● رحیم مشائی نیز گرچه آدم تازه ای نبود و فکر روشنی نیز ارائه نمی کرد، با وجود این، صرف اظهار این واقعیت که رژیم در بن بست است و راه به جانی نمی برد، به او این ویژگی را می داد که کسی غیر از متصدیان شکست سه تجربه در دولت ولایت فقیه است.

● اما وزیران تنها از سه دسته هاشمی رفسنجانی و خاتمی و اصول گرا، نیستند. وزیران «کلیدی» که خامنه ای نسبت به آنها نظر دارد، باید مورد موافقت او نیز باشند. چنانکه کسانی که بعنوان وزیران خارجه و دفاع و اوآک و ارشاد و کشور و نفت و وزیر علوم و فن آوری، نامبرده می شوند، یادر «بیت» خامنه ای خدمت کرده اند و یا در حکومتهای پیشین عضویت داشته و از نزدیکان به خامنه ای شمرده می شوند.

● در تهران، ورد زبانها است که روحانی می باید ترکیبی از وزیران ترتیب دهد که خامنه ای را خوش بیاید و هاشمی رفسنجانی و خاتمی و گرایشهای غیر افراطی اصول گرایان را ناخوش نیاید. اسامی که نام برده می شوند، این ویژگی ها را دارند. با وجود این، کیهان که شریعتمداری سرپرست آنست از مجلس می خواهد بار د برخی از وزیران پیشنهادی که به زعم او از نزدیکان فتنه گران هستند، به روحانی کمک کنند. چرا که روحانی زیر فشار اینان آنها را به وزارت برگزیده است.

پرسش اساسی اینست: اگر هیأت وزیران در مدار بسته ای باید کار کنند که سه دسته بعلاوه خامنه ای و بیت او بر گرد روحانی ایجاد کرده اند، به چه کاری توانا می شوند؟ وقتی تضاد بدین شدت است که روحانی را ناگزیر می کند بعد از گذراندن وزیران از صافی خامنه ای و بیت او و این سه دسته، هنوز می باید از صافی مجلس بگذراند، یعنی تقابل ها در رژیم که سبب فلج شدن حکومت احمدی نژاد و پایان گرفتن آن در تحریمهای شدید و فاجعه اقتصادی شد، با همان شدت ادامه دارند. تازه، در درون، ارباب دیگری نیز وجود دارد که مافیاهای نظامی - مالی و سپاه است و در بیرون از مرزها، قدرتی نیز هست که ترکیب وزیران را می باید «شاخه زیتونی» تلقی کند که خامنه ای و روحانی به او می دهند:

معاون رئیس جمهوری و چاک هیگل، وزیر دفاع آمریکا و یکجند از مقامهای شورای امنیت ملی آمریکا، نام برد. تا پیش از روی کار آمدن احمدی نژاد او در گفتگوها بر سر پرونده اتمی ایران شرکت داشت.

● در سال ۲۰۰۷، بعد از ۵ سال کار در نیویورک، بعنوان نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد، به ایران بازگشت و از نظر افتاد. زیرا دولت رویه برقرار کردن بهترین رابطه با غرب را رها کرده بود. احمدی نژاد دیپلماتهایی را که انگلیسی صحبت می کردند، کنار می گذاشت. از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰، مشاور ارشد وزیر خارجه بود و از ۲۰۱۱ بدین سو، مدیر بین المللی دانشگاه آزاد شد که هاشمی رفسنجانی، ارباب سیاسی او، ایجاد کرده است. هاشمی رفسنجانی که روحانی را نیز بار آورده است، از دیرگاه خواستار نزدیک شدن عمل گرایانه با آمریکا است. اما خامنه ای که از ۱۹۸۹ بدین سو، جانشین خمینی در رهبری نظام گشته است، مانع از به نتیجه رسیدن همه اینگونه کوششها شده است.

● دنیس روس، دیپلمات ارشد آمریکائی که از ۲۰۱۱، مشاور ارشد اوپاما در مورد خاورمیانه است، می گوید: ظریف مصمم بودن خویش را به گفتگو، با حسن نیت، نشان می داد که و برگزیدن او به وزارت خارجه، حاکی از اینست که روحانی می خواهد با غرب مصالحه کند.

با وجود این، هنوز نه معلوم که وزیر شدن ظریف سبب می شود که تهران دست از سرسختی در خود داری از ابراز نرمش در آنچه به گفتگوهای اتمی مربوط می شود، بر می دارد یا خیر. روس می افزاید: ظریف کسی نیست که به آمریکا امتیاز بدهد. او کسی است که علامت می دهد تا زمانی که شما ببینید ایران واقعا می خواهد کاری بکند.

● برنت اسکوکرافت که مشاور امنیتی پرزیدنت ژرژ بوش بود، ظریف را مردی «معقول» توصیف می کند. اما این که او چه می تواند بکند، بستگی دارد به میدان عملی که به او داده می شود.

● دیپلماتهای غرب می گویند: بعد از ترورهای ۲۰۰۱، ظریف در گفتگوهای میان تهران و واشنگتن برای حل و فصل مسائل فی مابین، ظریف نقش اول را داشت. این گفتگوها تا اواسط ۲۰۰۳ ادامه داشتند.

● مطبوعات غرب، در ۲۰۰۷، متن سندی را انتشار دادند که مبنای گفتگو در پاریس و ژنو و نیویورک بود و پیشنهاد می کرد که تمامی مسائل فی مابین مورد حل و فصل قرار گیرند. در آن سند، نه تنها مسئله اتمی ایران می باید با دادن اطمینان ها که جنبه نظامی نداشته باشد بلکه مسائل دیگری چون اطمینان دادن آمریکا که از مجاهدین خلق حمایت نمی کند، گنجانده شده بود.

دیپلماتهای غرب می گویند سند اصالت داشت و حاصل گفتگوهای پشت پرده بود. خامنه ای با آن موافقت و چراغ سبز برای گفتگو را داده بود. انقلاب اسلامی: این نشریه ان سند را در زمان خود انتشار داده است. سند را صادق خرازی به اتفاق سفیر سوئیس در تهران تهیه کرده بودند. در آن، تمامی مسائل فی مابین گنجانده شده بودند. خاتمی و خامنه ای با آن موافقت کرده بودند. سند

توسط وزارت خارجه سوئیس به وزارت خارجه آمریکا ارسال شده بود. اما بوش مگرور از پیروزی بر ارتش صدام، به آن پیشنهاد گفتگو پاسخ منفی داد.

● بنا بر قول فرستاده پیشین سازمان ملل، ژاندمانیکو پیکو، سالها پیش از آن، ظریف در مقام یک دیپلمات جوان، در گفتگوها بر سر آزاد کردن امریکائیان که حزب الله لبنان به گروگان گرفته بود، شرکت داشت. با آنکه آمریکا متقابلا حسن نیتی ابراز نکرد، ظریف همچنان در بهبود روابط ایران و آمریکا کوشید.

● دوپینس که اینک فرستاده ویژه آمریکا به افغانستان و پاکستان است، بیاد می آورد که در ۲۰۰۷، در گنجره شهادت داده است که ظریف که در آن هنگام معاون وزارت خارجه بود، جبهه ضد طالبان را متقاعد کرد از تقاضای خود بر تصدی بخش مهمی از وزارت خانه های کشور صرف نظر کند. ظریف رئیس هیأت جبهه شمال را به کناری برد و چند دقیقه ای با او گفتگو کرد و در پی آن، هیأت بر سر میز مذاکره بازگشت و گفت: بسیار خوب، موافقم. گروه های دیگر می توانند دو وزارت خانه دیگر را نیز داشته باشند. اگر کار ظریف نبود، حکومت حامد کرزی هرگز تشکیل نمی شد.

● در ۱۰ مرداد ۹۲، کیهان، در ستون اخبار ویژه خود، پس از ذکر قسمتهائی از گزارش رویتر، قول رجاء نیوز را این سان نقل کرده است:

«بایگه اینترنتی رجانبوز نوشت: در حالی که روسای فراکسیونهای اصولگرایان و رهروان مجلس توافق کردند اعضای این فراکسیونها به وزرای حامی فتنه و حاشیه دار رای ندهند، با این حال زمرههایی مبنی بر حضور برخی افراد مسئله دار شنیده می شود.

بر اساس این گزارش، محمدجواد ظریف در دولت سازندگی به مدت ۱۰ سال معاون وزیر خارجه بود و سپس مجدداً به نیویورک برگشت و سفیر ایران در سازمان ملل شد و از همان زمان حلقه نیویورکیها مصطلح شد.

در این گزارش آمده است، برنامهریزی سفر خاتمی به آمریکا یک سال پس از پایان ریاست جمهوری وی و همچنین حضور رئیس جمهور اسبق ایران در مهمانی جورج سوروس در جریان این سفر از دیگر اقداماتی بود که ظریف و دوستانش انجام داده اند. جنجالی ترین اتفاق در سفر خاتمی به نیویورک دیدار او با جرج سوروس بود. کیهان تاجبخش از جمله افرادی است که در این دیدار حضور داشته است.

این گزارش می افزاید: برخی مقامات درباره آن دیدار گفته بودند که سوروس در همین هفته و در یک مراسم خصوصی صرف شام در بوستون، درباره معامله بزرگ (هسته ای) با محمد خاتمی رئیس جمهوری سابق ایران گفت و گو کرد. یک ایرانی که در آن مراسم شام حضور داشت، گفت: خاتمی به ما گفت که آمریکا باید مذاکره با ایران را آغاز کند. او افزود که ایران مسلماً خواهان تعلیق غنی سازی اورانیوم، اما نه به عنوان یک پیش شرط برای مذاکرات است.

انقلاب اسلامی: ترکیب وزیران را پیش از معرفی رسمی می اوریم. این

ترکیب را وسائل ارتباط جمعی رژیم در روزهای پیش از مراسم «تفئذ» انتشار داده اند. مقایسه این وزیران با وزیرانی که به مجلس معرفی می شوند، تناسب قوا و رویارویی ها در رژیم را به وضوح معلوم می کنند:

* کسانی که، پیش از مراحل تفئذ، از آنها، بعنوان وزیر در حکومت روحانی، نام برده شده است:

● اسامی اکبر ترکان، نعمت زاده، نوبخت، نهاوندیان، ربیعی، واعظی، نجفی، ظریف، فروزنده و جنتی در بیشتر فهرست ها برده شده اند. محمدعلی نجفی و علی جنتی نیز عضویت خود را در هیأت وزیران روحانی، اولی بعنوان وزیر آموزش و پرورش و دومی بعنوان وزیر فرهنگ و ارشاد، قطعی دانسته اند. از محمود علوی بعنوان وزیر واواک و نعمت زاده بعنوان وزیر صنعت و تجارت و سلطانی فر بعنوان وزیر ورزش و جوانان، نام برده می شود. نزدیکان به روحانی می گویند بیژن نامدار زنگنه که در حکومتهای هاشمی رفسنجانی و خاتمی وزیر نفت بود، وزیر نفت می شود. هرگاه او وزیر این وزارت خانه شود، از این نظر که اینک در اختیار سپاه است، وزارت او گویائی خواهد داشت.

● محمد شریعتمداری و عبدالرضا رحمانی فضلای (رئیس فعلی دیوان محاسبات مجلس) دو کسی هستند که از آنها برای تصدی مقام وزارت کشور نام برده می شود. شریعتمداری به تسنیم گفته است عضویتش در حکومت قطعی است و به احتمال زیاد وزیر کشور خواهد شد. اما خبرگزاری مهر احتمال می دهد که رحمانی فضلای وزیر کشور شود. شریعتمداری وزیر بازرگانی در حکومت خاتمی بود. پیش از آن، از نزدیکان ریشهری بهنگام تأسیس واواک و از کارکنان «بیت خامنه ای» بود. عبدالرضا رحمانی فضلای اینک رئیس دیوان محاسبات است. پیش از آن، معاون لاریجانی در صدا و سیما بوده و در شورای امنیت ملی نیز کار می کرده است.

● برای تصدی مقام وزیر واواک، از «حجت الاسلام» محسن قمی و محمود علوی، نام برده می شود. اولی هم اکنون در بیت خامنه ای، متصدی مقام «معاونت امور بین المللی» است. در حکومت خاتمی، او عضو ستاد «ایکس» بوده است. همان ستادی که در دوران اصلاحات برنامه ریزی بحران های مختلف را با دیگر اعضا از جمله حسین شریعتمداری و علی لاریجانی و مصطفی پور محمدی و حسین محمدی و... را بر عهده داشته اند. و دومی نماینده خامنه ای در ارتش بوده است. او رئیس جبهه ایستادگی (گروه نزدیک به محسن رضائی) نیز هست.

● علی طیب نیا و محمد طیبیان و محمدباقر نوبخت نامزدهای وزارت اقتصاد و دارایی هستند. احتمال می رود نوبخت رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی بگردد. محمدرضا نعمت زاده نامزد وزارت صنعت، معدن و تجارت است. محمود نامزد مقام وزارت جهاد کشاورزی است.



رضا مکنون قرار است وزیر علوم و تحقیقات و فن آوری شود. غیر از او از رضا اردکانیان و رضا فرجی دانا نیز برای تصدی همین مقام نام برده می‌شود.

● نام محمد جواد ظریف بعنوان وزیر امور خارجه برده می‌شود. در حکومت خانگی، او مدت ۵ سال نماینده دائم ایران در سازمان ملل بود.

● از عباس آخوندی که در حکومت دوم هاشمی رفسنجانی وزیر مسکن و شهرسازی بود، نامزد تصدی وزارت راه، مسکن و شهرسازی است.

● سید حسن قاضی‌زاده هاشمی، چشم‌پزشک، نامزد تصدی وزارت بهداشت است. و سیدابوالحسن فیروزآبادی نامزد تصدی وزارت ارتباطات و اطلاعات و علی ربیعی نامزد تصدی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است.

● سردار احمد وحیدی که اینک وزیر دفاع است، در این مقام می‌ماند.

● حمید چیت‌چیان هم نامزد تصدی وزارت نیرو است. حسین فریدون، برادر حسن روحانی هم رئیس دفتر رئیس‌جمهور و رئیس بازرسی نهاد ریاست جمهوری خواهد شد.

● اسحاق جهانگیری نامزد مقام معاون اولی، در حکومت روحانی است.

● علی جنتی، فرزند بد سابقه جنتی مقام وزارت فرهنگ و ارشاد را تصدی می‌کند. حجت‌الاسلام امیری وزیر دادگستری می‌شود.

● مجید قاسمی رئیس کل بانک مرکزی و محمد رضا صادق سرپرست نهاد ریاست جمهوری و محمد نهاوندیان دستیار ویژه رئیس‌جمهوری و حسین دهقان معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان بنیاد شهید و حجت‌الاسلام شهیدی مشاور رئیس‌جمهوری در امور روحانیت و رضا صالحی امیری معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و خانم داد اندیش رئیس مرکز امور زنان ریاست‌جمهوری و محمود واعظی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی و احتمالاً رئیس دبیرخانه جنبش عدم‌تعهد و تیمور علی‌عسگری معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری و محمد فروزنده دبیر شورای عالی امنیت ملی (هم اکنون رئیس بنیاد مستضعفان و از نزدیکان خامنه‌ای است) و اکبر ترکمان مشاور ارشد و رئیس گروه مشاورین رئیس‌جمهوری می‌شوند.

● در ۹ مرداد ۹۲، از دکتر جعفر میلی منفرد برای تصدی وزارت علوم و سردار حسین دهقان برای تصدی وزارت دفاع و مرتضی بانک به عنوان وزیر پیشنهادی رفاه و تعاون، بعنوان آخرین انتخاب روحانی، سخن بمیان آمده است.

● در ۹ مرداد ۹۲، تابناک این وزیران را قطعی دانسته است:

گزینش اسحاق جهانگیری به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور، محمد جواد ظریف به عنوان وزیر امور خارجه، بیژن نامدار زنگنه به عنوان وزیر نفت، حمید چیت‌چیان به عنوان وزیر نیرو، محمد علی نجفی به عنوان وزیر آموزش و پرورش، محمود جنتی به عنوان وزیر جهاد کشاورزی، عباس احمد آخوندی به عنوان وزیر راه و شهرسازی، سید حسن قاضی‌زاده هاشمی به عنوان وزارت بهداشت و علی ربیعی برای وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی قطعی شده است. اسامی جدید و گمانه‌زنی‌های مطرح شده، این احتمالات را دچار خدشه نکرده است.

● در ۱۰/۰۵/۱۳۹۲، خبرگزاری تسنیم، «بر اساس آخرین اطلاعات کسب شده»، فهرست «وزیران» را انتشار داده است. مقایسه این فهرست با فهرست‌های پیشین گویای تغییرهای روز به روز در «وزیران» است. مقایسه این فهرست با فهرستی که بطور رسمی انتشار خواهد یافت، باز

«شاخه زیتون»؟

۱۰ - عباس آخوندی برای تصدی وزارت راه و شهرسازی

۱۱ - محمدعلی نجفی برای تصدی وزارت آموزش و پرورش

۱۲ - سید حسن قاضی‌زاده هاشمی برای تصدی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۱۳ - مسعود سلطانی‌فر برای تصدی وزارت ورزش و جوانان

۱۴ - محمد جواد ظریف برای تصدی وزارت امور خارجه

۱۵ - حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی برای تصدی وزارت دادگستری*

۱۶ - علی جنتی برای تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۷ - محمود واعظی برای تصدی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

۱۸ - جعفر میلی منفرد برای تصدی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

غیر از وزیران که به مجلس معرفی شدند، انتصاب‌های دیگر روحانی که یکی از آنها (نهاوندیان) اعلام شده است، بدین قرار هستند:

۱ - اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری

۲ - محمد فروزنده دبیر شورای امنیت ملی

۳ - نهاوندیان رئیس دفتر رئیس‌جمهوری

بدین قرار، حتی در مقایسه با واپسین فهرست که روز ۱۰ مرداد، یک روز پیش از تنفیذ و دو روز پیش از تحلیف، دو وزیر تغییر کرده‌اند. که یکی از آنها، دادگستری، مصطفی پورمحمدی سازماندهنده ترورهای بسیار و یکی از سه «قاضی» متصدی کشتار زندانیان در ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۶۷ است.

از قرار، تصدی رعایت حقوق شهروندی ایرانیان با او است!

غیر از این، مشخصه بارز «وزیران» اینست که وزارت خانه‌های کلیدی در اختیار «اصول‌گرایان» و نزدیکان به خامنه‌ای است. حتی ظریف که معرفی او بعنوان وزیر خارجه، دادن «شاخه زیتون» به آمریکا تلقی شده است، به شخص خامنه‌ای بسیار نزدیک است.

وزیر و اوواک و وزیر کشور و وزیر دفاع و وزیر ارشاد و وزیر نفت نیز با تصویب او معین شده‌اند. سهم اصلاح‌طلبان، از همه ناچیز تر است. حتی از آنهم که قبلاً گفته شده بود (۲۸ درصد از لحاظ کمی کمتر و از لحاظ کیفی، نه تصدی یک وزارت خانه مهم به آنها سپرده شده است و نه صاحب نامان نزدیک به خاتمی (میر حسین موسوی و کروبی به جای خود) کسی وزارت یافته است. هیأت وزیران ترکیبی از سه تجربه شکست خورده (دوره سازندگی و دوره اصلاحات و دوره اصول‌گرایی) است.

● سایت نامه نیوز وابسته به مصطفی پورمحمدی بر اساس لیست‌های منتشر شده در تحلیلی از آرایش سیاسی نیروهای حاضر در کابینه نوشته است: ۲۴ درصد کابینه احتمالی حسن روحانی متعلق به محافظه‌کاران و ۳۱ درصد متعلق به حزب «اعتدال و توسعه» (حزبی که حسن روحانی خود ایجاد کرده است) و ۲۸ درصد آن را متعلق به اصلاح‌طلبان است.

به این ترتیب، غیر از وزیرانی که با صوابدید خامنه‌ای باید تعیین می‌شده‌اند، بقیه از سه دسته ورشکسته‌ای هستند که به ترتیب در حکومت‌های هاشمی رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد، گاره‌ای بوده‌اند.

● اما تاج زاده از خامنه‌ای خواسته است: «به ویژه رهبری نیز فراجناحی عمل کنند. به گونه‌ای که بعد از این دیگر ۹۰ درصد منسوبان ایشان از اصولگرایان نباشند و تنها ۱۰ درصد آنان اصلاح طلب یا مستقل به شمار روند». اما ترکیب حکومت چگونه می‌شود؟ وزارت خانه‌های اصلی متعلق به خامنه‌ای می‌شوند و یا نمی‌شوند؟ اگر می‌شوند، بیشتر از ۹۰ درصد واقعی حکومت از او نمی‌شود؟

● شناسنامه مقام‌های اول حکومت روحانی که پیش از این معرفی نشده‌اند:

۱ - اسحاق جهانگیری از حزب کارگزاران سازندگی و عضو شورای

علی یونسی نیز در دولت اصلاحات مسئولیت وزارت اطلاعات را بر عهده داشته است. اکنون مشخص نیست دلیل مخالفت آقای خامنه‌ای با وزارت یونسی از چه روی است. محمود احمدی نژاد نیز در دوره ریاست جمهوری اش بر سر مدیریت این وزارتخانه، تقابل جدی با رهبر جمهوری اسلامی پیدا نمود.

به این ترتیب ۳ وزارتخانه کلیدی حکومت با نظر رهبری دچار تغییر و تحولات اساسی شدند.

بدین ترتیب وزیران ۴ وزارت خانه کسانی هستند که مورد تصویب خامنه‌ای هستند. بر آنها باید افزود، وزیران کشور و امور خارجه و نفت را، سه وزارت خانه دیگر نیز از دید خامنه‌ای مهم هستند و باید وزیرانش مورد تأیید او باشند.

● ترکیب وزیران از سه دسته و وزیرانی که خامنه‌ای تعیین کرده است و سوابق وزیران:

● در ۷ مرداد ۹۲، سهام نیوز اطلاع داده است که روحانی، دو نوبت، فهرست وزیران را به خامنه‌ای داده است و هر بار، با دو وزیر مخالفت کرده و در نتیجه، او چهار وزیر را تغییر داده است:

«ابتدای هفته گذشته و پس از هفته‌ها رایزنی و گفتگو، حسن روحانی لیست نهایی وزرای دولت یازدهم را به

می‌تواند گویا باشد: تسنیم از قول منبع آگاه خبر می‌دهد که در روزهای اخیر و تا لحظه ارسال این خبر اسامی دیگری نیز جهت حضور در کابینه مطرح بودند که به احتمال بسیار زیاد اسامی ذیل جهت اخذ رای اعتماد به مجلس معرفی خواهند شد. لیست کابینه به شرح ذیل است:

معاون اول ریاست جمهوری: اسحاق جهانگیری

معاون اجرایی رئیس‌جمهور: محمد شریعتمداری یا مرتضی بانک

وزارت کشور: عبدالرضا رحمانی فضلی

وزارت و اوواک: سید محمود علوی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

دبیر شورای عالی امنیت ملی: محمد فروزنده

رئیس دفتر و مشاور ویژه اقتصادی: محمد نهاوندیان

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: جعفر میلی منفرد

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: جعفر میلی منفرد

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی

وزارت نیرو: حمید چیت‌چیان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی جنتی

وزارت امور خارجه: محمد جواد ظریف

وزارت راه مسکن و شهرسازی: عباس آخوندی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: محمود واعظی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: تیمور علی‌عسگری

وزارت انرژی، صناعت و معدن و تجارت: محمد فروزنده

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: علی ربیعی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: سید حسن قاضی‌زاده هاشمی

وزارت دادگستری: مجید قاسمی



به عنوان وزیر نفت به مجلس افزایش یافته و این در حالی است که زنگنه دارای سوابق تحلیفات بزرگ اقتصادی و سیاسی است. وی ضمن اینکه یکی از نقش آفرینان فتنه و آشوب سال ۸۸ در مرکزیت ستاد موسوی بود، یکی از عوامل و متهمان اصلی امضای قرارداد خانقانه فروش گاز به امارات (شرکت کرست) است. این قرارداد ۲۵ ساله به واسطه دلالتی و رشوه‌های کلان برخی دلالان، ۱۲ برابر زیر قیمت امضا شد و موجب اعتراض گسترده کارشناسان اقتصادی و نفتی شد.»

۱۴ - عبدالرضا رحمانی فضلی از واوایی و از نزدیکان به علی لاریجانی است.

۱۵ - در مراسم «تفقد» و نیز «تحلیف»، ۷ درصدی که با جلیلی، بنابر این، به ولایت فقیه و خامنه ای «رای دادند»، بیشتر از ۹۳ درصد بود. و حکومتی که روحانی تشکیل داده است، ترکیبی از سه دسته اما اعضای اصلی آن، معرف شرکت سهامی است هستند که در آن، خامنه ای سهم شیر را دارند. شرکای دیگر، هاشمی رفسنجانی و لاریجانی و ناطق نوری هستند. با وجود این باید توجه داشت که خامنه ای بازگشت هاشمی رفسنجانی را به صحنه سیاسی تحمل نمی کند.

*** بنا نیست هاشمی رفسنجانی و خاتمی و میر حسین موسوی و کروبی و... از نو، دولت مدار شوند:**

کیهان نیز با اشاره به سخنان هاشمی رفسنجانی در دیدار با جمعی از نمایندگان مجلس نوشته است: «آقای هاشمی در این دیدار توضیح نداده که اولاً اینکه رای مردم حق الناس است، فقط مربوط به امسال است یا مثلاً آن ۲۵ میلیون رای هم که در سال ۸۸ به رئیس جمهور منتخب آن روز داده شد و از سوی آقای هاشمی مورد دهن کجی و اجحاف و کارشکنی و آشوب‌فکنی قرار گرفت نیز مشمول حق الناس می‌شود؟! آیا نقش آفرینی توأم با هیجان ایشان در پروژه آشوب طراحی شده از سوی بیگانگان، توجه به رای و خواست مردم مانند سیره حضرت امیر (ع) بود یا در تعارض با آن سیره قرار داشت.» این تنها حمله به هاشمی رفسنجانی نیست. به او و خاتمی حمله‌ها مکرر شده اند:

۸ در مرداد ۹۲، سحام نیوز نوشته است: خاتمی بخاطر این که کمترین تشییع پیش نیاید، در مراسم تنفیذ و تحلیف شرکت نمی کند. توجیه نویس ناخود آگاه واقعی را باز می گوید: وقتی حضور خاتمی در مراسم تشریفاتی می تواند تنش پدید آورد و او برای اجتناب از آن، در مراسم شرکت نمی کند، کجا او می توان دبه خود اجازه حضور فعال در عرصه سیاسی را بدهد؟

۹ طرفه این که در همان تاریخ (۸ مرداد) خامنه ای با دانشجویان دیدار داشت و، در آن، از معترضان به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، پرسید: چرا معذرت نمی خواهند؟ در کشوری که متقلب حاکم است و اعتراض کننده به تقلب زندانی، صد بخواهد که معذرت بخواهد، معنای سخن خامنه ای روشن تر از روشن است: او رژیم دو سر را تحمل نمی کند و نمی گذارد که سر «فتنه گران» یعنی هاشمی رفسنجانی و ردیف دوم آنها یعنی خاتمی و میر حسین موسوی و مهدی کروبی به صحنه سیاسی بازگردد.

۱۰ در ۱۰ مرداد ۹۲، کیهان قول علی

«شاخه زیتون»؟

کاری سخت و طاقت فرسا و طولانی است.

می گویشیم بخش هایی از این کتاب را قبل از چاپ در اختیار خوانندگان قرار دهیم. بدان امید که مطلعان ما را از اطلاعات خود آگاه کنند و تحقیق کمال جوید. یادآور می شود که شبکه تار عنکبوتی خامنه ای و مافیای او را، پیش از این، انقلاب اسلامی، به اختصار انتشار داده است. اینک بخشی از کتاب که ارتباط شبکه مهدوی کنی را با شبکه خامنه ای، معلوم می کند را از نظر خوانندگان می گذرانیم:

*** معرفی کوتاهی از شبکه روابط شخصی خامنه ایها:**

سید علی حسینی خامنه ای شش فرزند ۴ پسر و دو دختر دارد که همگی با ازدواج‌های سیاسی خود موجب گسترش تار عنکبوت روابط شخصی قدرت شده اند. «بیت رهبری» نقش محل استقرار عنکبوت را بازی می کند. اکثر افراد مستقر در بخش های مختلف یا مشاوران و معاونان بیت از وابستگان نسبی و سببی با شخص سید علی خامنه ای و فرزندان او یا درون خود می باشند:

● لایه اول این تار عنکبوت را ازدواج های فرزندان سید علی خامنه ای با برخی روحانیان و سیاسیونی تشکیل می دهند که عموماً با شخص خامنه ای مرتبط بوده و در امور مختلف حامی سیاست های او می باشند مانند:

- آیه الله عزیز الله خوشوقت از مفتیان معروف قتل‌های سیاسی که دختر خود را به سید مصطفی حسینی خامنه داده است.

- آیه الله محسن خرازی که دختر خود را به عقد و ازدواج سید مسعود حسینی خامنه ای در آورده است.

- آیه الله محمد باقر باقری کنی برادر مهدوی کنی دختر خامنه ای را به ازدواج پسر خود در آورده است.

- حجت الاسلام غلامحسین محمدی گلبانگانی معاون بیت رهبری که پسرش محمد جواد همسر دختر سید علی خامنه ای می باشد.

- غلامعلی حداد عادل دختر خود را به سید مجتبی حسینی خامنه ای داده است و

- حاج محمود لولاجیان از چهره های بازاری - سیاسی نیز دختر خود را به همسری سید میثم حسینی خامنه ای در آورده است.

● در لایه دوم تار عنکبوت روابط شخصی بر محور خامنه ای، دیگر فرزندان و وابستگان به افراد فوق الذکر هستند که با انجام ازدواج هایی موجب گسترش بیشتر شبکه شده و ازدواج های درون بیته را انجام داده اند. به عنوان مثال:

- حجت الاسلام محمدی گلبانگانی خانم سمیه دختر محمد جواد ابروانی معاون حسابرسی و نظارت دفتر رهبری را برای محمد فرزند خود و همچنین منسوره دختر علی شاهچراغی از نمایندگان سید علی خامنه ای را برای حسین فرزند دیگر خود که در بیت مشغول به کار می باشند گرفته است.

- غلامعلی حداد عادل پدر همسر سید مجتبی حسینی خامنه ای گسترده ترین روابط سببی و نسبی درون بیت و بیرون بیته را ایجاد کرده است. او علاوه بر وصل شدن به بیت خامنه ای از طریق ازدواج دخترش با پسر سید علی خامنه ای دختران خود را به عقد افراد سیاسی - روحانی در آورده و با ازدواج دختران خواهر خود با دیگر سیاسیون و روحانیون، شبکه تار عنکبوتی گسترده ای را میان خانواده

های نجابت و حائری شیرازی و توکلی و مظه‌ری و لاریجانی و معین و خزعلی و رضا زاده و روح الامینی و دستغیب و سبحانی نیا و خرسندیان و عباسپور تهرانی و عبدالله جاسبی و اردبیلی و... به وجود آورده است و از قبل همین تار عنکبوت، امکانات فراوانی را در اختیار خود و وابستگان در اکثر نقاط کشور گرفته است.

گسترده‌گی تارهای گوناگون لایه دوم در سطوح مختلف موجب اتصال افرادی شده که در اکثر مواقع به همبوشانی خیانت ها و جنایت های حاکمیت مشغول و پاسدار موقعیتهای یکدیگر هستند.

- آیه الله محسن خرازی همچون حداد عادل و محمد گلبانگانی با ازدواج های پسران و نوه های خود موجب گسترش بیشتر تار عنکبوت را فراهم آورده است. دو فرزند سید محسن خرازی خود هر کدام امکانات بزرگی را در اختیار دارند.

- خاندان باقری کنی که از ازدواج مصباح الهدی با دختر سید علی خامنه ای یعنی خانم هدی السادات از نزدیکی به بیت رهبری و تار عنکبوت آن بهره مند شده اند. امکانات فراوانی را به جنگ آورده و وجود همین امکانات و ارتباطات با بیت منجر به ازدواج های دیگر شده اند مانند:

- ازدواج دختر مهدوی کنی با حجت الاسلام مصطفی میرکوحی که از قبل همین ازدواج و ثمرات آن، پسر حجت الاسلام میرکوحی در لایه سوم دختر حجت الاسلام علیرضا پناهیان را به عقد ازدواج خود در آورده است.

● بنابر این در لایه سوم این ازدواج ها مشاهده می شود که دایره تار عنکبوت بر سراسر ایران گسترش می یابد:

- علیرضا پناهیان که خود مداح و سخنران مراسم مرتبط با سید علی خامنه ای است با به عقد ازدواج در آوردن دختر خود برای فرزند حجت الاسلام مصطفی میرکوحی حلقه وصل دیگری را با بخشی دیگر از بیت ایجاد می نماید و...

- صادق خرازی نرگس خاتمی دختر محمد رضا خاتمی را به عقد ازدواج پسر خود در می آورد تا تارهای تار عنکبوت سید علی خامنه ای را به درون بیت خمینی که خاتمی تارهای آن است وارد سازد.

از نکات جالب این تحقیق و بررسی، آشکار شدن نقش حلقه های دوم و سوم است. این حلقه ها، کارشان از جمله جلوگیری از آشکار شدن دارایی های لایه اول است. برای ایفای این نقش، امکانات بسیاری را در اختیار دارند و دستیار آنان در مخفی کردن فسادها و خیانت ها هستند تا که مردم از جگونگی سوء استفاده وابستگان به بیت رهبری آگاه نشوند.

برای مثال، حاج آقا محمود لولاجیان هر چه در اختیار دارد و در هر موسسه یا شرکتی که حضور دارد در واقع آن حضور به ثبات از شخص سید علی خامنه ای است همانگونه که هر جا که نامی از فرید الدین حداد عادل یا علیرضا لولاجیان به میان می آید، در واقع از سید مجتبی خامنه ای و سید میثم خامنه ای است که سخن بمیان می آید و او نقش پوشش را بازی می کند. به همین دلیل دیده می شود که برخی از افراد سرمایه های کلانی در اختیار دارند و به شتابان و نهمین وار، بر آن می افزایند اما هیچ کس توان بررسی و تحقیق در باره ثروت آنها را ندارد. زیرا این اموال در دست آنها به نیابت از افراد بیت رهبری قرار گرفته است و بهره آن را همگی با هم می برند و می خورند.

از نکات مهم دیگر این بررسی معلوم کردن مناصبی است که افراد شبکه ها در اختیار دارند. این مناصب هیچ ارتباطی با تخصص و تحصیلات آنها

ندارد. به عنوان مثال، فردی دارای دکترای فیزیک هسته ای از دانشگاه دورهام انگلیس است اما بنا بر ضرورت، متصدی مبادین تره بار است. مانند شخص زیر:

- حسین نجابت، برادر احمد نجابت، نماینده مجلس در دوره های هفتم و هشتم و نهم دارای دکترای هسته ای از دورهام انگلیس، داماد آیه الله نورالدین حسینی الهاشمی و باجناب آیه الله صادق حائری شیرازی و... است. او رییس سازمان تعاون روستایی کل کشور و مشاور وزیر کشاورزی و رئیس سازمان مبادین میوه تره بار استان تهران و عضو هیئت امضاء فرهنگستان علوم اسلامی قم و عضو هیئت موسس مؤسسه مفید قم و مشاور سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و قائم مقام مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی دور هشتم و نماینده دوره های هفتم و هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی است.

- محمد جواد ابروانی فرد دیگری است که در مشاغل خود از حضور در باشگاه فوتبال استقلال تا حمایت از فلسطین و لبنیات و کاغذ دیده می شود در حالی که سابقه وزارت اقتصاد را نیز داشته است. ابروانی در حال حاضر

معاون بیت رهبری و پدر عروس محمدی گلبانگانی می باشد به مشاغل وی توجه کنیم: تسنیه ابروانی دختر ابروانی و همسر محمد محمدی گلبانگانی است. محمد جواد معاونت حسابرسی و نظارت دفتر رهبری، وزیر سابق اقتصاد و امور دارایی ایران و پدر عروس محمدی گلبانگانی با مشاغل فراوان زیر که یا داشته است و یا دارد:

۱ - معاون رئیس شعبه ارزی ممتاز بانک ملت ۱۳۵۸

۲ - رییس اداره امور ارزی شعب بانک ملت و مسئولیت در ادغام

امور بین الملل ده بانک ۱۳۵۸ - ۵۹

۳ - معاون اداره کل امور بین الملل بانک ملت ۱۳۵۹ - ۶۰

۴ - عضو هیئت مدیره بانک ملت ۱۳۶۰ - ۶۳

۵ - عضو هیئت مدیره مرکز تهیه و توزیع مواد شیمیایی (وزارت بازرگانی) ۱۳۶۳

۶ - رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل مرکز تهیه و توزیع کاغذ و چوب (وزارت بازرگانی) ۱۳۶۳ - ۶۴

۷ - وزیر امور اقتصادی و دارایی: ۶۸ - ۱۳۶۴

۸ - رئیس کمیسیون اقتصادی

۹ - رئیس کمیته تخصیص ارز

۱۰ - عضو شورای اقتصاد

۱۱ - عضو منصوب از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی در هیئت

تطبیق آیین نامه های هیئت وزیران با مقررات و قوانین کشور ۱۳۶۸ - ۷۱

۱۲ - قائم مقام وزیر جهاد سازندگی ۱۳۶۸ - ۷۶

۱۳ - مسئولیت پروژه ادغام و تفکیک وظایف بین وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی

۱۴ - شرکت در کمیته تنظیم بازار کالا

۱۵ - عضو و نایب رئیس کمیسیون اعطاء نشانهای دولتی کار و خدمت ۱۳۷۰ - ۷۶

۱۶ - مشاور وزیر بازرگانی و نماینده وزیر در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

۱۷ - عضو کمیته اقتصادی شورای امنیت ملی ۱۳۸۰ - ۸۳

۱۸ - رئیس ستاد اجرای فرمان امام ۱۳۷۶ - ۸۶

۱۹ - عضو کمیسیون تلفیق دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکنون

۲۰ - عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکنون

۲۱ - عضو کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکنون

۲۲ - نقش محوری در ادغام امور بین الملل ده بانک ادغام شده در بانک ملت

۲۳ - نقش محوری در ادغام امور بین الملل ده بانک ادغام شده در بانک ملت



۲۴- ایجاد محورهای نهادی در فعالیت‌های دوران وزارت بازرگانی (مرکز تهیه و توزیع کاغذ و چوب)

۲۵- سازماندهی و هدایت تخصیص بهینه ارز در شرایط آفت شدید درآمدهای ارزی دوران جنگ -۱۳۶۸

۱۳۶۴ در زمان تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی

۲۶- تجدیدساختار و نظم‌دهی به مؤسسات بیمه و مصوب نمودن قانون اداره بیمه‌های کشور در زمان تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی

۲۷- تأسیس دانشکده وزارت امور اقتصادی و دارایی، شرکت سرمایه‌گذاری خارجی ایران و تشکیل سازمان حسابرسی در زمان تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی

۲۸- ساماندهی مطالعات مالیات بر ارزش افزوده VAT و تهیه لایحه VAT، با تأسیس دفتر مطالعات مالیاتی

۲۹- بازرگری و مصوب نمودن قانون محاسبات عمومی

۳۰- مسئولیت برنامه تفکیک بودجه جاری از عمرانی، استانی نمودن اعتبارات و سازمان‌دهی نظام غیر متمرکز در جهاد سازندگی از طریق تأسیس سازمانهای جهاد سازندگی (ساختار پیشنهادی در دستاوردهای اجرایی کشور تکثیر شده است).

۳۱- طراح و مجری طرح خودکفائی لاینات کشور (از طریق مدل نهادسازی با تجربه موفق)

۳۲- مسئول پروژه تفکیک و ادغام وظایف جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی و طراحی مدل و تجربه موفق در اجرا

۳۳- مطالعه گسترده و فراگیر (پنج مطالعه موردی، یک مطالعه میدانی) ظرف چهار سال در رابطه با ویژگی و کارکرد نهادی فعالیت‌های جهاد سازندگی (در کتاب نهادگرایی و جهاد سازندگی مستند گردیده)

۳۳- تحول ساختاری، کارکردی و مدرن سازی مجموعه ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) و کاهش تصدی‌گری‌های اقتصادی در چهارچوبی نوین با مدیریت پیشرفته، کارآمد و ساختارهای مجازی و نخبه‌گرا

۳۴- عضو مؤسس و عضو هیئت مدیره مؤسسه فرهنگی-ورزشی استقلال ایران

۳۵- عضو هیئت مؤسس و رئیس هیئت مدیره کانون جهادگران جهاد سازندگی

۳۶- عضو هیئت امناء و رئیس کمیسیون اقتصادی جمعیت دفاع از ملت فلسطین

* شبکه روابط شخصی قدرت متعلق به مهدوی کنی ها:

اینک به معرفی هدی السادات حسینی خامنه‌ای که همسر مصباح الهدی باقری کنی است و شبکه تار عنکبوتی که از طریق او به شبکه خامنه‌ای متصل می‌شود، می‌پردازیم:

-هدی السادات حسینی خامنه‌ای متولد سال ۱۳۶۰ و همسر مصباح الهدی باقری کنی برادر زاده مهدوی کنی می‌باشد.

-باقری کنی - مصباح الهدی - داماد علی خامنه‌ای و همسر هدی السادات، فرزند محمد باقر باقری کنی و برادر زاده مهدوی کنی است. وی معاون طرح و برنامه دانشگاه امام صادق و مدرس آن دانشگاه است

-باقری کنی - محمد باقر - مهدی - در سال ۱۳۰۵ در روستای کن به دنیا آمده است. وی برادر محمد رضا

«شاخه زیتون»؟

مهدوی کنی است و مناصب زیر را بعد از انقلاب در اختیار داشته است:

۱- قائم مقامی سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی - وی به همراه ماشاءالله قصاب در کمیته سفارت آمریکا مستقر بود.

معاونت وزیر کشور در زمان وزارت برادرش آیت الله مهدوی کنی

۲- عضو مجلس خبرگان رهبری

۳- قائم مقام و مدرس دانشگاه امام صادق دانشگاهی که در رأس آن بسیاری از مهدوی کنی ها و باقری کنی ها قرار دارند.

محمد باقر - پدر مصباح الهدی و علی باقری کنی می‌باشد

-باقری کنی - علی - فرزند محمد باقر باقری کنی و برادر مصباح الهدی باقری کنی که خود دانش آموخته دانشگاه امام صادق می‌باشد. او

۱- مدرس دانشگاه امام صادق و

۲- معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی سعید جلیلی

۳- مسئول ستاد انتخاباتی سعید جلیلی در انتخابات سال ۱۳۹۲ است.

-مهدوی کنی - محمد رضا - برادر محمد باقر باقری کنی از روحانیون پر قدرت بعد از انقلاب که زمانی مدعی بود او محمد رضامهدوی کنی است نه محمد رضا پهلوی. وی از ابتدای انقلاب در بسیاری از مناصب در تثبیت حاکمیت ولایت فقیه مشغول به کار بوده است و این اواخر در حالی که باید دست به دعا برای سفر آخرت می‌بود، جهت از میدان ریاست مجلس خبرگان بدر بردن هاشمی رفسنجانی، با ویلچر به مجلس آورده می‌شود تا که ریاست مجلس خبرگان رهبری را به وی که یاری وفادار برای رهبری می‌باشد تحویل دهند.

مهدوی کنی ها از قبل سوء استفاده از اموال ملت و اموال اوقافی آنچنان امپراطوری ای به هم زده اند که برای حفظ آن، دست به هر کاری می‌زنند. بیهوده نیست که طراح اصلی بسیج دانشگاه و اساتید و دانشگاههای تک جنسیتی و آماده سازی مقامات حکومتی مهدوی کنی است. در زیر برخی از مناصب و مقامات محمد رضا مهدوی کنی را فهرست می‌کنیم:

۱- عضویت در حلقه اولیه شورای انقلاب از طرف خمینی

۲- عضویت در کمیته استقبال از خمینی

۳- سرپرستی کمیته انقلاب اسلامی (به عنوان اولین نهاد انقلابی مسلح برای حفظ انقلاب به پیشنهاد مطهری و دستور خمینی)

۴- از حکام شرع دادگاههای انقلاب

۵- عضویت به عنوان فقیه در شورای نگهبان قانون اساسی (دو مرتبه)

۶- نمایندگی خمینی در هیات حل اختلاف مسؤولان نظام و چندین ماموریت مشابه در حوادث مهم دوران انقلاب از مجریان طرح کودتای خرداد ۱۳۶۰

۷- وزارت کشور در کابینه‌های رجایی و باهنر

۸- نخست وزیر پس از ترور محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر

۹- عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی به حکم خمینی

۱۰- عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی به حکم خمینی و سپس خامنه‌ای

۱۱- مسؤولیت ستاد کمک‌رسانی به مردم مناطق بمباران شده

۱۲- عضویت در شورای بازرگری قانون اساسی

۱۳- ریاست مرکز رسیدگی به امور

مساجد

۱۴- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

۱۵- عضو مجلس خبرگان رهبری مسؤولیت‌های فعلی:

۱۶- مؤسس و دبیر کل جامعه روحانیت مبارز

۱۷- رئیس دانشگاه امام صادق

۱۸- رئیس جامعه الصادق (مالک پوشاک جامعه، برج نور تهران و ...)

۱۹- تولیت حوزه علمیه مروی به همراه موقوفات وابسته، به حکم خمینی

۲۰- رئیس مجلس خبرگان رهبری - سرخه ای، قدسی، رئیس دانشگاه خواهران امام صادق همسر مهدوی کنی

-مهدوی کنی، صدیقه، دختر مهدوی کنی، دکتر و استاد دانشگاه امام صادق - مهدوی کنی، محمد سعید، حجت الاسلام - فرزند مهدوی کنی و مدیرکل حوزه ریاست دانشگاه امام صادق و

۲- عضو هیات امنای دانشگاه صدا و سیما

۳- عضو هیات امنای پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری

۴- عضو شورای سیاستگذاری شبکه دو صدا و سیما

۵- مدیر مسئول فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق

۶- عضو هیات تحریریه فصلنامه صادق

۷- عضو هیات تحریریه فصلنامه دین و رسانه

۸- مدیر مسئول فصلنامه دین و ارتباطات

-مهدوی کنی، مریم، دختر آیه الله مهدوی کنی، مدرس دانشگاه امام صادق

-مهدوی کنی، مهدیه، دختر آیه الله مهدوی کنی، مسئول واحد گزینش خواهران - استاد دانشگاه امام صادق

میرلوحی، مصطفی، - حجت الاسلام داماد آیت الله مهدوی کنی، مدیر واحد روابط بین الملل دانشگاه امام صادق - وی در دوران اصلاحات همواره از شاکیان نشریات مختلف بود و به نظر می‌رسد از مشاغل بحران سازی او بوده است.

-میرلوحی فرزند مصطفی میرلوحی داماد حجت الاسلام علیرضا پناهیان - پناهیان دختر حجت الاسلام پناهیان عروس حجت الاسلام مصطفی میرلوحی

-پناهیان - علیرضا معروف به علیرضا مارمولک از شاگردان مصباح یزدی و سید علی حسینی خامنه و مداح و سخنران مجالس بیت رهبری و پدر عروس مصطفی میرلوحی داماد آیه الله مهدوی کنی. پناهیان از سخنرانان ثابت صدا و سیما و مراکز بسیج و انصار حزب الله می‌باشد. و

۲- معاونت فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاهها

۳- مسوول نهاد رهبری دانشگاه هنر

۴- عضو هیات امنای دانشکده هنر دانشگاه تهران به همراه مسعود ده نمکی و عزت الله ضرغامی

۵- عضو هیئت علمی مرکز تخصصی تبلیغ

۶- معاونت فرهنگی لشکر ۲۷ محمد رسول الله

۷- معاونت مرکز جهانی علوم اسلامی

۸- نایب رئیس شورای مرکزی قرارگاه عمار

-انصاریان - ابراهیم - داماد آیت الله

مهدوی کنی و برادر حسین انصاریان. وی نیز از مسؤولان دانشگاه امام صادق و سخنرانان مراسم مختلف می‌باشد گفته می‌شود در بیت نیز حضور دارد.

-انصاریان - شیخ حسین - حجت الاسلام فرزند محمد باقر - شاعر - روحانی - سخنران و مداح و استاد حوزه علمیه قم و برادر داماد آیت الله مهدوی کنی وی نیز از سخنرانان ثابت صدا و سیما در مراسم مختلف می‌باشد.

ابراهیم انصاریان

انقلاب اسلامی: مراسم «تفلیذ» و «تحلیف» روحانی درست در روزهای انجام گرفتند که روزهای سرکشیدن جامه زهر در ۲۵ سال پیش از این بودند. این فصل را به روز شمار نقش آمریکا و انگلستان در جنگ ۸ ساله و نیز عوامل طولانی کردن جنگ به مدت ۸ سال اختصاص می‌دهیم:

بیست پنجمین سال قبول قطعنامه ۵۹۸ و سرکشیدن جام زهر شکست:

روز شمار مداخله آمریکا و انگلیس در جنگ صدام با ایران:

۱- در ۸ آوریل ۱۹۸۱، آکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا، از سفر به مصر و عربستان و اردن باز می‌گردد و گزارش محرمانه‌ای به ریگان رژیم جمهوری وقت آمریکا می‌دهد: سران این سه کشور می‌گویند عراق با چراغ سبز آمریکا به ایران حمله کرده است، آیا حکومت ریگان همان سیاست را ادامه می‌دهد و یا سیاستی دیگر در پیش می‌گیرد؟ و ریگان همان سیاست را در پیش می‌گیرد (این نامه محرمانه را رپرت پاری انتشار داده است).

از آن پس، بنا بر اسنادی که از قید «سری است» آزاد شده اند، حکومت ریگان و حکومت‌های اروپایی، بخصوص انگلستان، به عراق و ایران اسلحه داده است که دو افتضاح ایران گیت و اکتبر سورپرایز را بار آورد:

۲- در تاسمان ۱۹۸۱، روسیه هوایمانی را که از اسرائیل به ایران اسلحه حمل کرده بود را، در مراجعت از ایران، سرنگون کرد.

۳- در ۲ فوریه ۱۹۸۲، برغم مخالفت کنگره، پرزیدنت ریگان عراق را از فهرست کشورهای تروریست خارج کرد.

۴- در مارس ۱۹۸۲ (روزهای آخر اسفند ۱۳۶۰) هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با «الموقف العربي» گفته است: «نمی‌خواهیم در سابه رژیم فعلی عراق، به هیچ توافقی با بغداد برسیم. این سری نیست که آن را فاش کنیم. صدام حسین توسط میانجیها موافقت کرد طبق مواد و شرایط قرارداد الجزایر و بدون قید و شرط، عقب نشینی کند. ولی ما این پیشنهاد را رد کردیم و با هرگونه توافقی مخالفت خواهیم کرد. مادامیکه رژیم فعلی عراق، طرف دوم توافق باشد. این

توافق باید با ملت عراق و پس از پیروزی امضا گردد. ما حاضر نیستیم دست از حمایت از سازمان‌های مخالف رژیم عراق برداریم.» این همان طرح کشورهای عضو کنفرانس عدم تعهد است که ایران و عراق با آن موافقت کرده بودند و قرار بود هبات پاسخ موافق صدام را در ۲۴ خرداد ۶۰ به تهران بیاورد و جنگ پایان پذیرد. آن پیروزی با کمترین تلفات و زیان را، با کودتای خرداد ۶۰، از مردم ایران دریغ کردند و جنگ را از جمله برای استقرار استبداد ملاتاریا ادامه دادند.

۵- در دسامبر ۱۹۸۲، آمریکا ۶۰ فروند هلی کوپتر جنگی به عراق تحویل داد.

۶- از ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸، آمریکا به عراق اطلاعات در باره چگونگی آرایش جنگی قوای ایران و محل استقرار این قوا و تحرکاتش را داده است. در همین دوره، از طریق اسرائیل، به ایران اسلحه می‌داد. اسرائیل واسطه خرید اسلحه برای ایران از کشورهای دیگر نیز بود. رژیم ایران در لندن دفتر خرید تسلیحات داشت.

۷- در نوامبر ۱۹۸۳، شورای امنیت ملی فراری را ابلاغ کرد که بنا بر آن، هم قانونی و هم لازم است که آمریکا مانع از شکست عراق در جنگ با ایران بگردد.

۸- در نوامبر ۱۹۸۳، بانک ایتالیایی Banca Nazionale del Lavoro و شعبه اش در آتلانتا، با تصویب حکومت آمریکا، به عراق ۵ میلیارد دلار وام داد. باز با تصویب حکومت، عراق با این پول، تجهیزات و مواد لازم برای موشکها و صنعت تولید اسلحه شیمیائی و بیولوژیک خرید.

۹- در اکتبر ۱۹۸۳، بر خلاف قانون صدور اسلحه آمریکا، حکومت ریگان به اردن و عربستان و کویت و مصر اجازه داد اسلحه ساخت آمریکا از جمله راکتها که هلی کوپترهای جنگی بکار می‌برند و نیز بمب‌ها، را، به عراق بدهند. می‌دانیم که بنا بر توافق محرمانه‌ای که افتتاح اکتبر سورپرایز را ببار آورد، همین اجازه را به اسرائیل برای فروش اسلحه به ایران داده بود

۱۰- در نوامبر ۱۹۸۳، ژرژ شولتز، وزیر خارجه آمریکا (بعد از استعفای آکساندر هیگ) گزارشهای سری را دریافت کرد حاکی از این که قوای عراق روزمره از اسلحه شیمیائی برضد ایران استفاده می‌کند.

۱۱- در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳، دونالد رامسفلد (همان کسی که وزیر دفاع در حکومت بوش پدر شد و حمله آمریکا به عراق را سازمان داد)، بعنوان فرستاده ریگان، در بغداد با صدام ملاقات کرد. او حامل پیام دوستی و آمادگی برای کمک بیشتر آمریکا به عراق بود.

۱۲- در ژوئیه ۱۹۸۴، سیا شروع کرد به دادن اطلاعات به عراق برای اینکه هدفهای اطلاعاتی ها را اسلحه شیمیائی به قوای ایران، دقیق بگردند.

۱۳- در ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۴، گزارش وزارت خارجه آمریکا حاکی است که آمریکا فرآورده‌های دو منظوره و سخت افزار و تکنولوژی به عراق صادر می‌کند. این تجهیزات و فرآورده‌ها کاربردهای نظامی نیز می‌داشتند.

۱۴- در مارس ۱۹۸۶، آمریکا و انگلستان مانع از آن شدند که شورای امنیت قطعنامه‌ای در محکوم کردن عراق بخاطر بکار بردن اسلحه شیمیائی را تصویب کند. در ۲۱ مارس، آمریکا تنها کشوری شد که از امضای بیانیه شورای امنیت در محکوم کردن استعمال اسلحه شیمیائی از سوی عراق، خودداری کرد.

۱۵- فرانسوا میتران، نایب رئیس شورای امنیت، در ۱۹۸۶ هات مک فارلین به ایران رفت. این سفر توسط دوستان منتظری

در صفحه ۷



و بنی صدر افشا شد و افتتاح ایران گیت را بار آورده. ایران گیت های کشورهای اروپایی نیز افشا شدند. دو افتتاح ایران گیت و اکتبر سورپرایز از عوامل مهم پایان دهنده به جنگ بودند.

۱۶- در ماه مه ۱۹۸۶، همزمان با سفر هیأت مک فارلین به ایران، وزارت بازرگانی آمریکا اجازه صدور مواد بیولوژیک را به عراق داد. در فاصله ماه مه ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹، دست کم ۲۱ سری گاز کشنده آنتراکس به عراق صادر شد.

۱۷- در ماه مه ۱۹۸۶، وزارت بازرگانی آمریکا اجازه صدور مواد سمی که در ساختن اسلحه شیمیایی کاربرد دارند را به عراق داد.

۱۸- در مارس ۱۹۸۷، گزارش تاور (نخستین گزارش از گزارشها در باره ایران گیت) معلوم کرد که رنگان اجازه فروش اسلحه به ایران را در ازای آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان، داده است. سرهنگ نورث، با بخشی از بهای اسلحه (به ایران به سه برابر قیمت فروخته می شد. یک سوم بهای اسلحه بود. یک سوم صرف خرید اسلحه برای کنتراها می شد و یک سوم بقیه خرج ایجاد سازمان سیا اما خصوصی می شد).

۱۹- در اواخر ۱۹۸۷، رژیم صدام از همین اسلحه شیمیایی برضد کردها استفاده کرد و فاجعه حلبچه را بار آورد. در همان حال که مقامات غرب انجام چنین جاعه ای را انکار می کردند، بنی صدر آن را فاش ساخت.

۲۰- در فوریه ۱۹۸۸، رژیم صدام به حمله های مرمکبار به کردستان عراق دست زد. ۱۲۰۰ روستا را از میان برد و حدود ۱۰۰ هزار تن را کشت.

۲۱- در آوریل ۱۹۸۸، وزارت بازرگانی آمریکا اجازه صدور مواد شیمیایی را به عراق داد که در تولید گاز خردل بکار می رود.

۲۲- از آوریل تا اوت ۱۹۸۸، عراق، در چهار جنگ بزرگ با قوای ایران، اسلحه شیمیایی بکار برد تا مگر قوای ایران به زانو در آیند. اطلاعات ارتش آمریکا با قوای عراق در این جنگ همکاری می کرد. در واپسین جنگ، ۶۵۰۰ تن از قوای ایران با گاز خفه کننده، کشته شدند.

۲۳- در ماه اوت ۱۹۸۸، ایران و عراق قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتند و با برقراری آتش بس موافقت کردند. حقیقت اینست که در ماه مارس ۱۹۸۸، علی اکبر ولایتی، «وزیر» خارجه رژیم خمینی، از طریق کنسول، وزیر خارجه آمریکا اطلاع داده بود که ایران آماده پایان دادن به جنگ است.

۲۴- در ماه اوت ۱۹۸۸، ۵ روز بعد از آتش بس، هواپیماها و هلی کوپترهای خود را مأمور جنگ شیمیایی با مردم کردستان عراق کرد.

۲۵- در سپتامبر ۱۹۸۸، وزارت بازرگانی آمریکا با فروش آنتراکس و بوتولینوم به عراق موافقت کرد.

۲۶- در سپتامبر ۱۹۸۸، ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه آمریکا گفت: روابط آمریکا با عراق برای هدفهای سیاسی و اقتصادی دراز مدت ماه مهم هستند.

۲۷- در دسامبر ۱۹۸۸، برغم اطلاع از بکار برده شدن اسلحه شیمیایی توسط رژیم صدام، آمریکا معادل ۱/۵ میلیارد دلار مواد شیمیایی به عراق فروخت به این عنوان که بکار تولید کود شیمیایی می آید.

۲۸- در ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۰، خانم آپریل گلاسی، سفیر آمریکا در عراق، با صدام دیدار کرد. در این دیدار بود که صدام شرح مفصلي در باره جنگ با ایران گفت و گفت: ما طوفان انقلاب ایران را که بسوی کشورهای منطقه روان بود، برگردانیم. ما نا چراغ سبز آمریکا و قول کمک کشورهای عرب به ایران حمله کردیم و کجاست پاداش ما؟ کاسی از بوی بوش، او را معلمین کرد که آمریکا خواهان بهترین و عمیق ترین رابطه با رژیم او است. سخنان

«شاخه زیتون»؟

یکدیگر را متهم می کنند که عامل ادامه یافتن جنگ بوده اند:

عامل ادامه یافتن جنگ، خمینی بود؟ هاشمی رفسنجانی و گروه او بودند؟ محسن رضائی و همکاران او در سپاه بودند؟ انگلستان چگونه از طریق رژیم خمینی اسباب ادامه جنگ را فراهم آورد؟

انقلاب اسلامی: هنوز که هنوز است دست اندرکاران جنگ، بعد از کودتای خرداد ۶۰، پاسخ روشنی به پرسشها که در عنوان گزارشی قید شده اند که می خوانید، نداده اند. باوجود این، در خور یادآوری است که

● در هشدار نامه ۲۲ خرداد ۱۳۶۰، خطاب به مردم ایران (کتاب نامه ها

صفحه های ۴۵۸ تا ۴۶۳) گفته است که یکی از هدفهای کودتا، ادامه دادن به جنگ و طولانی کردن آن بوده است. بنا بر اطلاعاتی که بر اساس او این هشدار را به مردم ایران داد، عوامل ادامه جنگ در دستگاه خمینی و

رهبری حزب جمهوری اسلامی بوده اند. ادامه جنگ هم دلیل صحت اطلاع و هم بجا و بموقع بودن اعلان خطر به مردم ایران شد. برخی از آنها که کشته شدند، در شمار این عوامل بودند. بعدها، اکتبر سورپرایز و ایران گیت بر ملاء شدند و ایران گیتی ها شناسایی شدند. با وجود این، در حال حاضر، یکدیگر را به عامل ادامه جنگ بودن، متهم می کنند:

* عامل یا عاملان ادامه جنگ:

● مصاحبه با «سردار» کریمی به نقل از سایت دبیرخانه قطعنامه ۵۹۸: پرسشگر: به نظر شما چرا قطعنامه ۵۹۸ پس از عملیات کربلای ۵ صادر شد؟

* کریمی: سلسله عملیات های موفق جمهوری اسلامی باعث شده بود که آن اعتبار لازم و کافی صدام و حزب بعث در مجامع منطقه ای و بین المللی وجهه خود را از دست بدهد و هر روز که عملیات عمده جمهوری اسلامی اتفاق می افتاد جنگ به سمتی حرکت می کرد به نفع عراق نبود بخصوص در بحث عملیات کربلای ۵، مهمترین ویژگی این عملیات این بود که در یک منطقه مشخصی ماشین جنگی ارتش عراق منهدم شد به نحوی که حتی برخی از دوستان ما از کشورهای مختلف مانند مرحوم حافظ اسد و قذافی پیغام دادند که خط قرمز ما بصره است. همه فکر می کردند ما رفتیم و بصره را هم گرفتیم و شائبه آن هم در همین حد مطرح بود و چون ضربه سنگین و مهلکی به آنها وارد شد، می توان گفت که کربلای ۵ اثر گذار بود و توانسته بود آن چهار خواسته حضرت امام (ره) که در گذشته در مذاکرات هیئت های مختلف و سازمان ملل تمکین نمی شد، این عوامل کمک بنماید که خواسته های

ما تامین گردد و قطعنامه به نفع ما صادر شود.

من اعتقاد دارم میانجگری و مذاکره ها توسط کشور های مختلف و بعد از آن شورای امنیت از این جا آغاز شد که ارتش بعث عراق نتوانست اهداف اعلامی اولیه اش، که قرار بود ظرف چهار پنج روز تهران را اشغال کند را کسب نماید. در پی این ناکامی ها بحث میانجگری ها شروع شد، این شروع مذاکرات رفته رفته به شکل قطعنامه های سازمان ملل در این فرآیند قرار گرفت و در آن قطعنامه ها معمولاً به خواسته های جمهوری اسلامی تمکین نمی شد. بیشتر خواسته ها مربوط به خود آنها بود. رژیم بعث در درجه اول یک آتش بس می خواست که این آتش بس به تنهایی برای ما کفایت نمی کرد. سرزمین های بسیاری را در اشغال رژیم بعث عراق داشتیم و حضرت امام (ره) از همان ابتدا چهار شرط تعیین متجاوز، تنبیه متجاوز، بازگشت به مرزهای بین المللی و تبادل اسرا را گذاشتند.

● پرسشگر: قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام (ره) یا توجه به موضع گیری های ایشان (جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم) را چگونه ارزیابی می کنید؟

* کریمی: شعار رزمندگان اسلام در آن مقطع، جنگ جنگ تا پیروزی بود.

حضرت امام (ره) شعار فراتر از این را سر دادند و «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» را مطرح کردند. یعنی «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة». بنابراین آرمانها و باورهای حضرت امام واری همه این مسائل بود. امام (ره) رهبری بود که اعلام کرد تا آخرین نفس و تا آخرین نفر و تا آخرین منزل در مقابل زورگویان استادگی خواهیم کرد و ذره ای هم کوتاه نیامدند.

ولی این که سؤال کردید که چه عوامل و عناصری باعث شد طبیعتاً مدیریت کلان جنگ، یعنی راهبرد اصلی آن بر اساس استراتژی نظامی نبود و بیشتر جنبه راهبرد سیاسی داشت و آقای هاشمی رفسنجانی بارها در جلسات فرماندهان لشکر ها و قرارگاه ها اعلام می کردند که شما یک عملیات انجام بدهید تا ما جنگ را به لحاظ سیاسی تمام کنیم. این عملیات ها ادامه پیدا می کرد عملیات های فو، والفجر ۸، شلمچه، حلبچه و کلدرشت، که عملیات کلدرش را خود آقای رفسنجانی از فو مهم تر جلوه دادند در صورتی که یک تپه سوق الجبسی بیشتر نبود و بیشتر جنبه سیاسی مسئله مطرح بود و باید قبول کنیم که عوامل و عناصری که نقش داشتند در بحث سیاسی کردن جنگ تا حدی بیش رفت که در درون دولت وزرای ما باورشان به جایی رسیده بود که می خواستند شعار جنگ تا پیروزی را هم محو کنند.

نمونه بارز آن بهزاد نبوی یکی از سران فتنه در حال حاضر است که زمان جنگ با وجود اینکه وزیر صنایع وقت بود اعلام کرده بود که ما باید این شعار جنگ جنگ تا پیروزی را محو کنیم. بنده مصداق این جمله را از زبان معاون ایشان که به جبهه آمده بود شنیدم. بنابراین اراده ای که بخواهد در دولت وقت برای آمادگی ادامه جنگ باشد وجود نداشت در حالی که در مقابل صدام و حزب بعث عراق توانست تمام وزارت خانه هایشان را در عرصه جنگ بسیج بکنند ولی ما متأسفانه نتوانستیم همه امکانات را وارد کنیم و همچنین روحیه افرادی که در بحث دخالت هایشان در امور مربوط به جنگ، تجربه جنگی نداشتند و بیشتر سیاسی کاری می کردند و در آنها آمدند بر آوردی را تهیه کردند و از آقای محسن رضایی بر آوردی را برای عملیات های آبی خواستند و همان را به حضرت

امام (ره) ارائه کردند و بر آورد دیگری هم از آقای روحنی گرفتند در بحث خزانه مرکزی کشور و مسائل وزارت اقتصاد و دیگر وزارت خانه ها که تمام این گزارش ها جمع شد و به خدمت حضرت امام (ره) ارائه شد و نهایتاً منجر به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و همان سخن حضرت امام (ره) بهتر است که فرمودند: مجبور شدم که جام زهر را بنوشم و این برای رزمندگان اسلام و فرماندهان جنگ بسیار ناگوار بود.

◀ نقش آقای موسوی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را چگونه ارزیابی می کنید؟

* کریمی: سران فتنه ای که الان هم هستند و رأس آن هم آقای موسوی که نخست وزیر آن زمان بودند و وزرا زیر نظر ایشان کار می کردند اراده لازم وجود نداشت و خیلی کند در مقابل جنگ حرکت می کردند و این سخنان را هم از زبان آقای محسن رضایی در زمان انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم شنیدیم که ایشان افشا نمودند و قرار شد که بیشتر افشا کنند و موسوی و امثال بهزاد نبوی ها و خود آقای هاشمی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تأثیر بسزایی داشتند.

● پرسشگر: بازتاب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را در ابعاد گوناگون تبیین بفرمایید؟

* کریمی: بعد بین المللی، خوشبختانه در جنگ کوچکترین امتیازی را به دشمن ندادیم علی رغم اینکه بیشترین سرزمین های ما در دست دشمن بود و از مباحث دیگری که مطرح بود که ۸ سال جنگ به صورت فرسایشی تبدیل شده بود و جنگ تبدیل به یک واقعه ای شده بود که عملاً قدرت های استخباراتی مانند آمریکا که در فضای حمله به هواپیماهای مسافری ما و

شهادت ۲۹۲ سرنشین آن، به صورت علنی آمریکا و شوروی سابق از صدام دفاع می کردند دخالت آشکار دیگر قدرت ها ارسال بمب های شیمیایی به عراق و آن را در بسیاری از زمینه ها توانمند ساختند و نهایتاً این باعث شده بود که برخی از دولت مردان ما آن حالت رعب و وحشت را داشته باشند. در مسئله هسته ای هم نزدیک بود که همین آدم های بزدل و ترسو فاقله را بیازند و جام زهر دیگری را به به مقام معظم رهبری بخوراند که الحمد الله کور خواندند.

در بعد داخلی بازتاب قطعنامه ۵۹۸ ما شاهد بودیم که رزمنده ها بسیار ناراحت شده بودند و به جای اشک خون گریه می کردند و یک بعد از مردم که خسته شده بودند از جنگ خوشحال بودند و در مجموع ما چه در بعد خارجی و چه داخلی چیزی را از دست ندادیم جزء آن تلخی پذیرش قطعنامه با توجه سخنان امام (ره)، ما شاهد بودیم که چه اوضاعی در بین رزمندگان اسلام حاکم شده بود و تکلیف نهایی را امام مشخص کردند و امام (ره) همه مسئولیت ها را شخصاً به جان و دل خریدند و آن عبارت ناگوار و سخت نوشیدن جام زهر را به کار بردند و هضم آن برای ما رزمنده ها بسیار سخت بود و رزمندگان اعتقاد داشتند که با همین دست خالی هم می شود ادامه داد و در عملیات کربلای یک دشمن ۷۰ هزار نیرو داشت و ما ۳۰ هزار نیرو، در حالی که برای یگان هایی که بخواهند آفند بکنند توان باید سه برابر بیشتر باشد ولی به لطف خداوند و عنایات حق تعالی و نفس گرم خود حضرت امام (ره) که ایشان دوبار فرموده بودند که مهرا ن چه شد و با همین سؤال ایشان بالاخره فرمانده ها آمدند و عملیات بسیار غرور آفرینی را انجام دادند عملیات ها با پیروزی همراه بود و می دانستیم که اگر به روبرو جلو حرکت کنیم



«شاخه زیتون»؟

وقوع فتنه میان ایران و عراق در گذشته، ممکن است از نو، آتش جنگ را برافروزند».

* چه کسانی خواهان ادامه جنگ بودند و چرا؟ استقرار استبداد و ادامه جنگ هدف مشترک خمینی و دستیاران او و آمریکا و انگلیس و اسرائیل:

محسن رضائی گفته است: «اگر جنگ را ادامه نمی دادیم، حکومت و انقلاب تثبیت نمی شد. آن‌هایی که می گویند شش سال از ۸ سال جنگ پیروده بود و سال‌های جنگ را ۶ و ۲ توصیف می کنند، باید بدانند که اگر به جنگ پایان می دادیم حکومت اسلامی و انقلاب از بین رفته بود».

رجایی، خمینی و خامنه‌ای نیز همین سخن را باز گفته اند:

● رجایی: «جنگ نعمت است. در سایه آن مسائل حل می شوند».

● خمینی: «جنگ برای ما نعمت است».

● خامنه‌ای: «جنگ نعمتی الهی بود».

انقلاب اسلامی: بدین سان، تا کنیده شدن کار جنگ به شکست، خمینی و دستیاران «روحانی» و سیاسی و سپاهی با جنگ موفق بودند. در اوائل خرداد ۶۰، سه تن، بهشتی و خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی نزد خمینی رفتند و او را ترساندند که اگر بنی صدر جنگ را تمام کند سوار تانک‌هایش می شود و به تهران می آید. آن وقت شما نیز حریف او نمی شوید. او را متقاعد کردید که برضد بنی صدر کودتا کند و جنگ را ادامه دهد. بنا براین، عامل اول ادامه جنگ سران حزب جمهوری اسلامی و کسانی چون محسن رضائی بودند. ایشان نیز از این نظر که سپاه جانشین ارتش نبود، به ادامه جنگ نیاز داشتند. و می دانیم همین‌ها به مک فارلین، مشاور امنیتی ریگان، پیغام داده بودند که در صورت حمایت آمریکا از دولت آنها حاضرند خمینی را نیز بکشند. به احتمال زیاد، بهنگام فتح خرمشهر، باز خمینی جانبدار لحظه جنگ بوده است:

سید احمد خمینی در آخرین روزهای عمرش به نکته‌ای اشاره کرد که تا به آن وقت بازگو نکرده بود. او از دخالت هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای و رضایی، نزدیکترین افراد به خمینی در دهه ۶۰، برای آنکه جنگ ادامه پیدا کند، پرده برداشت:

«در مقابل مسائل خرمشهر امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود، اما مسئولان جنگ گفتند ما باید تاکنار اروندرود برویم تا بتوانیم غرامت خودمان را از عراق بگیریم. امام اصلاً با این کار موافق نبودند و می گفتند اگر بناست شما جنگ را ادامه دهید، بدانید اگر این جنگ با این وضعی که شما دارید ادامه یابد و شما موفق نشوید، دیگر این جنگ تمام شدنی نیست و باید این جنگ را تا نقطه خاصی ادامه دهیم. الان که قضیه فتح خرمشهر پیش آمده، بهترین موقع برای پایان جنگ است».

امام در آن جلسه فرمودند: ما دوراه در پیش داریم. یا باید همین جا صلح کنیم و از راه‌های سیاسی خسارات خود را از رژیم صدام بگیریم و یا باید جنگ را ادامه دهیم تا رژیم صدام را ساقط کنیم. نظر خود من صلح است. اکثر حاضران نیز نظر امام را تأیید کردند. اما یک نفر گفت ما الان در بهترین شرایط هستیم تا رژیم آمریکایی صدام را ساقط کنیم و عراق را آزاد

پیروزی‌های بسیاری را بدست خواهیم آورد که متأسفانه سرنوشت جنگ با قطعنامه ۵۹۸ رخم خورد. انقلاب اسلامی: تا این جا، از زبان کریمی، وقتی جنگ می باید پایان می یافت، هاشمی رفسنجانی و میر حسین موسوی و بهزاد نبوی موافق پایان جنگ بوده اند. درخور یادآوری است که در ۱۹۸۸، بوش پدر نامزد ریاست جمهوری بود. نیاز به «تابستان صلح» داشت. جنگ همچون گروگانها «بنجل» شد. هاشمی رفسنجانی که کارگردان کودتای خرداد ۶۰ بود تا که جنگ ادامه پیدا کند، اینک سخت طرفدار صلح شده بود. خمینی مسئولیت را خود برعهده نگرفت. در واقع، آن را بر دوش هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای و سپاه و حکومت موسوی نهاد. زیرا آنها را ناگزیر کرد گزارشهایی را تهیه و تسلیم او کنند که بنابر آنها، ادامه جنگ غیر ممکن بود و ایران را با شکست سخت و فحطی روبرو می کرد. چنانکه کریمی نیز، به این گزارشها استناد می کند. طرفه این که صدام کسی شد که می شد با او آشتی کرد. هم خمینی گفت: اگر با صدام آشتی کنیم با آل سعود نمی کنیم و هم هاشمی با او وارد نامه نگاری شد. در عمل، هم با رژیم صدام و هم با آل سعود آشتی شد:

* نامه نگاریهای هاشمی رفسنجانی با صدام حسینی که او گفته بود ایران به کمتر از سقوط او رضایت نمی دهد:

پرسشگر: آیا پس از گذشت ۲۲ سال از قبول قطعنامه ۵۹۸، معتقدید قبول قطعنامه کار صحیحی بوده است؟

* کریمی: زمانی که امام (ره) قطعنامه را پذیرفت همه اطاعت کردند اما اگر حضرت امام (ره) نمی پذیرفتند طبیعی بود که مسئله فرقی می کرد و رزمندگان گوش به فرمان رهبری بودند.

مکانیاتی را صدام با آقای هاشمی رفسنجانی داشتند که جوابش را هم ایشان دادند که برخی از این نامه‌ها افشا شد و این اسناد در مرکز مطالعات جنگ وجود دارد و در اختیار خود آقای هاشمی رفسنجانی هم هست و بالاخره کار رسید به نقطه‌ای که به عقیده آن آقایان کار را باید تمام کرد.

انقلاب اسلامی: وقتی جنگ متارکه شد، هنوز بخشی از زمینهای ایران در تصرف عراق بود. با آنکه، برابر پیشنهاد غیر متعهدانه که رژیم صدام پذیرفته بود، ارتش عراق، در خاک عراق، به اندازه توپ رس، از مرز ایران و عراق، باید عقب می نشست. صدام از سوی آمریکا و متحدانش تحت تهدید قرار گرفت. این شد در پی مصالحه با رژیم خامنه‌ای - هاشمی رفسنجانی شد و مجموعاً ۱۲ نامه از ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ لغایت ۲۳ مرداد همان سال میان صدام و هاشمی رفسنجانی مبادله شدند و به قبول قرارداد ۱۹۷۵ و پایان جنگ و تبادل اسرای دو کشور انجامیدند. این صدام بود که به ایران خبر می داد قرارداد ۱۹۷۵ را به رسمیت می شناسد. دانستی است که او در ۲۰ خرداد ۶۱ نیز بیانیه‌ای صادر کرده و در آن تصریح کرده بود آماده است قوای خود را به پشت مرزهای مقرر در قرارداد ۱۹۷۵ عقب بکشد. همان قراردادی را که بهنگام حمله به ایران پاره کرد و گفت ورق پاره آرزو ندارد.

طرفه این که در یکی از نامه‌ها، صدام به هاشمی رفسنجانی هشدار می دهد: «عوامل دست اندر کار

قطعنامه را مدتی پیش از اینکه بپذیریم شورای امنیت صادر کرده و عراق هم پذیرفته بود، ولی ما آن را قبول نداشتیم. ایران می گفت در این قطعنامه باید تنبیه متجاوز گنجانده شود و تکلیف خسارات وارد شده به ما مشخص شود و این چیزی بود که عراقی‌ها نمی پذیرفتند.

جنگ طولانی و فرسایشی شده بود و این فرسایش به ما آسیب فراوان می رساند و عراقی‌ها غیر نظامی‌ها را مورد هدف و آسیب قرار می دادند، همچنین تلفات غیر نظامی‌ها نیز زیاد شده بود به خصوص این که عراقی‌ها از سلاح شیمیایی استفاده می کردند که نمونه آن را در حلیچه مشاهده کردیم و مردم مثل برگ خزان به زمین می ریختند.

ما در مقابل این شرارت محدود بودیم، چون سلاح شیمیایی بکار نمی بردیم و نمی خواستیم مردم آسیب ببینند. آمریکایی‌ها علناً به نفع عراق وارد میدان شده بودند و کشتی، هواپیما و سکوها نفتی ما را مورد حمله قرار می دادند. همسایه‌های ما دیگر به مزاحمت افتاده بودند و دانما ایجاد محدودیت می کردند.

بودجه دولت نیز واقعاً کسش این جنگ را نداشت و دولت رسماً به امام (ره) نامه نوشت که نمی توانیم، همچنین در همین موضوع درخواست بودجه از طرف نیروهای رزمنده زیاد شد و البته حق آنها نیز بود و فرمانده سپاه نامه‌ای به امام نوشت و لیست بزرگی از لوازم مورد احتیاج داد که لیست آنچنان بزرگ بود که امام (ره) فرمودند که یک ابرقدرت هم نمی تواند آن را تهیه کند. حتی در جلسه امام (ره) با مسئولان، حضرت امام (ره) به این نامه استناد کردند.

مهمترین عامل در این بین، عوامل انسانی بود، جنگ به حدی بود که تلفات انسانی زیاد شده بود و قابل تحمل نبود و در این موقع خوشبختانه شورای امنیت تا حدودی خواسته‌های ما را پذیرفت و این مجموعه عوامل باعث شد که امام (ره) قطعنامه را بپذیرفتند.

انقلاب اسلامی: ۱ - این امر که میر حسین موسوی و وزیران او تا چه زمان موافق ادامه جنگ بوده اند و از چه زمان مخالف آن شده اند؟ پرسشی است که موقعیت حکومت می تواند پاسخ آن را بدهد: تا زمانی که قوای ایران متفق بوده اند. زیرا در پیروزی سهیم می شده اند. از آن پس مخالف بوده اند زیرا بیهای سنگین شکست به پای آنها نوشته می شد همانطور که امروز کریمی راد می نویسد. حمید نقاشان که از کسانی است که در معامله پنهانی اکبر سورپرایز نقش داشته است، می گوید میر حسین موسوی مخالف ادامه جنگ بوده است. اما در دور دوم ریاست جمهوری خامنه‌ای، خمینی او را به خامنه‌ای و مجلس تحمیل کرد. رضائی، در مقام فرمانده سپاه به خمینی گفت برکناری موسوی در سپاه اثر سوء دارد. در جلسه‌ای که احمد خمینی از آن سخن می گوید، کسی که می توانسته است با حرارت از ادامه جنگ سخن گفته باشد، ناگزیر سپاهی بوده است. چرا که ارتش مخالف ادامه جنگ بوده است و اطمینان دادن به خمینی که پیروزی میسر است، کار فرماندهی سپاه می توانسته باشد. هرگاه استدلال کننده بر لزوم ادامه جنگ، رضائی بوده باشد، کسانی چون هاشمی رفسنجانی و میر حسین موسوی

هاشمی رفسنجانی گفته است: در ایران آن موقع هیچ کس آمادگی پذیرش آتش بس را نداشت و در همان موقع، جلسه شورای عالی دفاع، برای تعیین تکلیف ادامه جنگ تشکیل شد که امام فرمودند که هیچ کس از آتش بس صحبت نکند و این جنگ باید تا اهدافی که داریم ادامه یابد.

امام (ره) در دوران جنگ مخالف وارد شدن به خاک عراق بودند ادله‌های ایشان نیز قابل توجه بود و بیشتر فکر می کردند که در صورت وارد شدن به خاک عراق مردم عراق آسیب خواهند دید، ولی نظامی‌های ما گفتند که نمی شود وارد نشویم چرا که در این صورت عراقی‌ها خود را تجهیز می کنند و ما ناچار هستیم یا به جنگ ادامه ندهیم و یا وارد خاک عراق شویم.

امام (ره) نیز به شرط این که جایی وارد خاک عراق شوند که مردم آسیب نبینند موافقت کردند به همین دلیل در عملیات صورت گرفته جایی انتخاب می شد که مردم نبودند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سؤال دیگری درباره این که چه شد که بعد از ۸ سال ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، گفت:

* روایت هاشمی رفسنجانی از موافقان پایان جنگ و علل موافقت با پایان می گوید:

هاشمی رفسنجانی گفته است: در ایران آن موقع هیچ کس آمادگی پذیرش آتش بس را نداشت و در همان موقع، جلسه شورای عالی دفاع، برای تعیین تکلیف ادامه جنگ تشکیل شد که امام فرمودند که هیچ کس از آتش بس صحبت نکند و این جنگ باید تا اهدافی که داریم ادامه یابد.

امام (ره) در دوران جنگ مخالف وارد شدن به خاک عراق بودند ادله‌های ایشان نیز قابل توجه بود و بیشتر فکر می کردند که در صورت وارد شدن به خاک عراق مردم عراق آسیب خواهند دید، ولی نظامی‌های ما گفتند که نمی شود وارد نشویم چرا که در این صورت عراقی‌ها خود را تجهیز می کنند و ما ناچار هستیم یا به جنگ ادامه ندهیم و یا وارد خاک عراق شویم.

امام (ره) نیز به شرط این که جایی وارد خاک عراق شوند که مردم آسیب نبینند موافقت کردند به همین دلیل در عملیات صورت گرفته جایی انتخاب می شد که مردم نبودند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سؤال دیگری درباره این که چه شد که بعد از ۸ سال ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، گفت:

می باید با او موافقت کرده باشند.

۲ - در موافقت با پایان در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) نیز می باید کار مشترک رضائی و هاشمی رفسنجانی و میر حسین موسوی و خامنه‌ای بوده باشد. اما آیا موسوی پیش از آن زمان نیز مخالف ادامه جنگ شده بود؟ بنا بر نامه میر حسین موسوی به خمینی، بعد از افشا شدن سفر هیأت آمریکائی - اسرائیلی به ریاست مک فارلین به ایران، از آن زمان، احتمال می رود او موافق ادامه دادن به جنگ نبوده است.

۳ - بنا بر گزارشهای رسمی در باره ایران گیت، در لندن، در دیدار فرستاده‌های رژیم با سرهنگ نورت، فهرستی شامل ۱۰۰۰ میانه رو به او داده می شود. به او گفته می شود باید کاری کرد که ایران در جنگ شکست بخورد تا که «میانه روها» بتوانند افراتی‌ها را برانند و دولت را از آن خود کنند.

۴ - نتیجه این که ایران گیتی‌ها، یعنی کسانی با ادامه جنگ موافق بوده اند که هدفشان تصرف دولت بر اثر شکست در جنگ بوده است. ازدید آنها، الف - شکست در جنگ و نوساندن زهر به خمینی، او را به مرد سیاسی بدل می کرد که کرد. ب - چون جنگ در شکست انجام می گرفت، ایران گیتی‌ها می توانست موانع تصرف دولت را از سر راه بردارند که با عزل منتظری و تصفیه طرفداران او، به این کار موفق شدند. و ج - بهنگام مرگ خمینی، در صحنه سیاسی کسی جز ایران گیتی‌ها نماند و چنین شد. د - به دست خمینی، اسباب تغییر قانون اساسی را فراهم کنند و کردند و ه - «رهبری» از خود را جانشین خمینی کنند که کردند.

مآخذ:

۱ - خاطرات سرتیپ دوم اسکندر بیروند فرمانده سابق تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد، به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس، روزنامه اطلاعات، ۵ مهر ۱۳۷۶، ص ۵. همچنین هاشمی رفسنجانی در خاطراتش از بازدید منطقه‌ای می گوید که در آن ۷۰ پاسدار بر اثر انفجار مین شهید شده بودند) عبور از بحران، ص ۴۷۹)

۲ - گفتگوی هادی قلم‌نویس، مدیر کل آمار و اطلاعات بنیاد شهید انقلاب اسلامی با خبرگزاری مهر، ۱۳۸۲/۰۶/۲۹

۳ - سخنرانی در کنگره بزرگداشت سرداران و ۱۶ هزار شهید خوزستان، ۱۰ اسفند ۱۳۷۹

۴ - سیر تحول سیاست آمریکا در ایران، کتاب دوم، گروگانگیری، فصل ۵، ص ۱۰

۵ - نقل از عبور از بحران، هاشمی رفسنجانی، خاطرات ۳ دی ۶۰، ص ۴۲۰

۶ - حدیث ولایت، ج ۳، ص ۲۸

۷ - جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۱/۱۴، ص ۱۴. حال آنکه هاشمی رفسنجانی روایتی متفاوت از آن جلسه نقل می کند: "چند روز پس از فتح خرمشهر، که تب و تاب عملیات تمام شده بود، جمعی از فرماندهان نظامی برای تعیین تکلیف بعدی خدمت امام (ره) رفتند. من و آیت الله خامنه‌ای هم بودیم. آن جلسه برای من یکی از مهم ترین جلسات شورای عالی دفاع بود... در آن جلسه، بحث عمده بین نظامیان و امام (ره) بود. من و آیت الله خامنه‌ای زیاد حرف نمی زدیم و بیشتر به حرفهای آنها گوش می دادیم. پایه حرف این بود که امام (ره) گفتند:"

در صفحه ۹



تفکر پایان جنگ در این مقطع غلط است. باید جنگ را ادامه دهیم. یعنی اصلاً اجازه ندادند که بحث پایان جنگ را در آن جلسه مطرح کنیم. آن قدر روشن بود که روی آن زیاد بحث نکردیم. بحث بیشتر بر سر چگونه ادامه دادن بود... در واقع، امام (ره) مایل نبودند که اصلاً، بحث آتش بس، صلح و پایان جنگ مطرح شود و این را باعث دلسردی نیروها در جبهه می دیدند." (مصاحبه هاشمی رفسنجانی با روزنامه کیهان، ۱۳/۱/۸۲)

گویی آقای رفسنجانی فراموش کرده است که در خاطرات ۶ فروردین ۱۳۶۱ نوشته است:
"احمد آقا آمد و گفت امام با ورود ما به خاک عراق موافق نیستند." (پس از بحران، خاطرات ۶ فروردین ۱۳۶۱، ص ۴۰)

۸- آخرین سخنرانی سید احمد خمینی در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا، بهمن ۷۳. همچنین به نقش "دور و بری‌ها" در تصمیمات آقای خمینی در کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری بارها اشاره شده است. برای مثال منتظری می‌گوید: «مرحوم امام به اطرافیان خود و به مسئولین بالای نظام اعتماد داشتند و برخی از این اعتماد سوء استفاده می‌کردند، افرادی از روی اغراض سیاسی یا خطی و جناحی چیزهایی به ایشان می‌گفتند و برای ایشان ذهنیت درست می‌کردند.» (خاطرات آیت‌الله منتظری، ج ۱، ص ۶۶۹)

طرحه این که متن سانسور شده این سخنرانی در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۷۴/۱/۱۳ آمد، اما این سخنرانی در مجموعه آثار یادگار امام، ناشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، بهار ۷۵ نیامده است.

انقلاب اسلامی: همانطور که در شماره پیش اطلاع داده شد، یک روز بعد از سخنرانی خامنه‌ای و تعریف او از اعتدال و تأکید او بر این که سیاست ایران خوب است و نیاز به تغییر ندارد، مجلس نمایندگان مشغول تصویب طرح مجازات‌های جدید شد و این مجازات‌ها با ۴۰۰ رأی موافق و تنها ۲۰ رأی مخالف به تصویب رسید. اینک بار دیگر سخن از تشدید تحریم‌ها و اجرای طرح تجزیه کشورهای منطقه، سخن روز شده است:

گفتگو؟ و مجازات‌ها و احتمال ممنوع کردن حکومت امریکا از گفتگو با رژیم ایران؟ - ایران بمب می‌خورد و یا بمب می‌سازد؟

انقلاب اسلامی: در همان حال که استراتفور بر اینست که ایران آماده گفتگوی مستقیم با امریکا است، مجلس نمایندگان امریکا تحریم‌های بازهم سخت‌تر، بر ضد ایران، تصویب کرد و سنا از اوپاما می‌خواهد ایران را بطور جدی‌تر به حمله نظامی تهدید کند:

چرا حالا احتمالاً امریکا و ایران می‌خواهند با یکدیگر گفتگو کنند؟

در ۲ اوت ۲۰۱۳، استراتفور این گزارش - تحلیل را در باره تمایل حکومت اوپاما و رژیم مایاها نظامی - مایا به گفتگو با یکدیگر، انتشار داده است:

● با شروع بکار روحانی در ۴ اوت، روابط دیپلماتیک ایران و امریکا بسا خوب می‌شوند. ماهها حدس و پیش‌بینی در این باره که آیا واشنگتن و تهران بر سر پرونده اتمی به گفتگو می‌نشینند و توافق می‌کنند یا نه، پایان می‌پذیرد. در واقع، در هفته‌های اخیر، دو طرف، خواهان گفتگوی دو جانبه بر سر پرونده اتمی ایران شده‌اند. این گفتگوها هیچگاه انجام نشده‌اند زیرا ایران در آن شرکت نکرده است. بر اثر مجازات‌ها، اقتصاد ایران در سراسر خرابی است. موقعیت منطقه‌ایش نامین اما اوضاع و احوال سیاسی داخلش در منتهای آشفتگی است.

اما حالا وضعیت دیگر است. تهران منابع عظیمی در اختیار پرزیدنت بشار اسد برای جنگ با شورشیان قرار داده است. هرچند مجازات‌های اقتصادی بر آتش نداشته‌اند که برای گفتگو با هدف رسیدن به مصالحه، بر سر میز مذاکره بنشینند، رهبران ایران احتمالاً گفتگوی مستقیم با امریکا را برگزیده‌اند تا مگر از انحطاط بازهم بیشتر اقتصاد خود جلوگیری کنند. شروع بکار روحانی در مقام ریاست جمهوری، فرصت آرمانی برای انجام این گفتگوها است:

● امریکا چندین نوبت خواستار عادی کردن روابط خود با ایران شده است. اما ایران به این خواسته‌ها همواره پاسخ نه داده است. تهران می‌گوید واشنگتن نخست رفتار خود را باید تغییر دهد. نوعی بیان دیپلماتیک که می‌خواهد بگوید امریکا می‌باید رژیم ایران را همین که هست، بیدرد، اما چند عوامل دیگر نیز هستند که سبب می‌شوند ایران تا این اندازه سماجت کند:

۱- از اواسط دهه ۱۹۹۰، رژیم ایران هماهنگی درونی خود را از دست داده است. در طول ۱۶ سال اخیر، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیه‌الله علی خامنه‌ای، با دو رئیس جمهوری پیشین در کشماکش بوده است. او نسبت به اصلاح طلبی خاتمی بی‌اعتماد و با محمود احمدی‌نژاد در نزاع بر سر قدرت بوده است. در طول این ۱۶ سال، ایران با ناتوان بوده است و با نمی‌خواسته است وارد گفتگوهای جدی با غرب بگردد. حیاتی‌مندی نسبی اقتصادش سبب می‌شد که هیچگاه نخواهد وارد گفتگوی مستقیم با امریکا شود. گفتگوها همواره محرمانه و پشت پرده انجام شده‌اند.

با وجود این، بعد از ترورهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، امریکا بیش از پیش، در خاورمیانه فعال شد. ایران این حضور را هم فرصت و هم تهدید می‌دید. با وجود این که دو طرف با یکدیگر بنا بر همکاری نداشتند، تهران به در جنگ با طالبان، به حکومت نوح کمک رساند. دو طرف وارد گفتگوی جدی‌تر شدند و وقتی امریکا تصمیم گرفت رژیم صدام را براندازد، واشنگتن برای سرنگون کردن رژیم سنیان یعنی، با شبعه‌ها و کردهای عراق همداستان شد. واشنگتن با گروه‌های شیعه‌ای همکاری کرد که با رژیم ایران بسیار نزدیک بودند. و این آغاز رابطه سنتیز و سازشی میان ایران و امریکا شد. هر دو

«شاخه زیتون»؟

باید دیگر همکاری می‌کردند و در همان حال، بر سر نفوذ در عراق، در برابر یکدیگر قرار می‌گرفتند.

سنتیزشان بر سر عراق همزمان شد با آشکار شدن برنامه اتمی ایران. در همان حال که دو طرف بر سر آینده عراق در کشماکش بودند، افزون بر گفتگوی سه جانبه (امریکا و ایران و عراق)، بطور غیر مستقیم و علنی، بر سر برنامه اتمی ایران نیز گفتگو می‌کردند: ۲- برای نخستین بار، سه وزیر خارجه اروپائی (وزیران خارجه آلمان و انگلستان و فرانسه)، با ایران، در باره برنامه اتمی ایران وارد گفتگو شدند. از سال ۲۰۰۶، امریکا نیز در جمع کشورهای ۱+۵ طرف گفتگو با ایران شده است. در دوره ریاست جمهوری اوپاما، امریکا پذیرفته است ایران در جمع کشورهای باشد که برای پایان دادن به جنگ در افغانستان می‌کوشند.

در همان حال، حکومت اوپاما به ایران پیشنهاد کرده است روابط دو کشور عادی گردند. اما ایران به دو دلیل این پیشنهاد را رد کرده است: رهبران ایران بر این باورند که عادی کردن رابطه با امریکا کار سرنگون کردن رژیم را بر امریکا آسان می‌کند. دلیل دوم اینست که در تهران، بر سر چگونه به سامان آوردن رابطه با امریکا، توافق حاصل نمی‌شود.

۳- بهای سنگین: رهبران رژیم می‌گویند نباید روابط خود را با امریکا، همانطور عادی کنند که لبیبی در سال ۲۰۰۳ کرد و حاضر شد تجهیزات اتمی خود را از بین ببرد و سلاح هسته‌ای تولید نکند. از رهگذر این عادی کردن هم رژیم سرنگون شد و هم قضایی کشته شد. رهبران رژیم گرچه بلحاظ ایدئولوژیک با یکدیگر متفاوت هستند اما همه ایران را کشوری صاحب نقش در منطقه و جامعه جهانی می‌دانند. مهمتر این که صاحب بمب اتمی شدن را تضمینی می‌دانند برای بقای رژیم چرا که هم سلاح منصرف کننده است که قدرتهای خارجی را از فکر سرنگون کردن رژیم منصرف می‌کند و هم موقعیت برتر ایران در منطقه را سبب می‌گردد.

انقلاب اسلامی: اگر استراتفور نمی‌خواهد بر گردن رژیم بگذارد که در کار تولید بمب اتمی است، آنچه در باره «رهبران ایران» می‌نویسد، جز در باره نادان ترین‌ها، صادق نیست. چرا که از انقلاب ایران بدین سو، رژیم روسیه صاحب اسلحه اتمی و یک ابر قدرت بود و ساقط شد. در شرق ایران، پاکستان صاحب بمب اتمی اما فاقد موقعیت است و رژیم نظامیش نیز تغییر کرده است. هنوز که هنوز است، موفق نشده است امریکا را متقاعد کند هوپاماهای بدون خلبان خود را مأمور شکار انسانها در خاک پاکستان نکند. در آتش جنگ با طالبان پاکستانی نیز می‌سوزد. افزون بر این، می‌داند کشورهای دیگر منطقه نیز در پی تولید بمب اتمی می‌شوند و ایران موقعیت از دست می‌دهد.

با وجود این، در تهران، میان گرایشهای موجود در رژیم، اختلاف پدید آمده است. میان آنها که خود را محافظه کار می‌دانند و آنها که خود را اصلاح طلب می‌خوانند، بر سر این که مسائل کشور را چگونه باید حل کرد و چسان باید از انحطاط بازهم بیشتر اقتصاد جلوگیری کرد، اختلاف پدید آمده است. اختلاف سیاسی را ساخت رژیم و خاتم بار کرده است. توضیح این که قدرت میان روحانیان و قشر سیاسی منخب و دستگاه‌های نظامی و امنیتی، بخش شده است.

بدین قرار، سپاه پاسداران، در طول چند دهه، نفوذی بدست آورده و نقشی

سیاسی و اقتصادی بدست آورده است. سپاه نقش خود را از طریق روحانیانی بازی می‌کند که وارد در سیاست شده‌اند. بدین سان، نزاع میان رهبری است که بر شبکه وسیعی از روحانیان و بر سپاه و دستگاه‌های امنیتی فرمانروا است با رئیس جمهوری که انتخاب می‌شود و رئیس قوه مجریه است.

در حقیقت، از سال ۱۹۸۹ که آیه‌الله روح‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران درگذشته است، نزاع میان رهبر با رئیس جمهوری استمرار دارد. نخست با رئیس جمهوری اسبق، آیه‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی و سپس با رئیس جمهوری سابق، محمد خاتمی و اینک با احمدی‌نژاد. در این جا، استراتفور به اختلاف دیدگاه خاتمی با محافظه کاران می‌پردازد و خاطر نشان می‌کند که احمدی‌نژاد از محاطه کاران است با وجود این، میان او و رهبر اختلاف شد. اختلاف او با رهبر شدیدتر هم شد. ریاست جمهوری احمدی‌نژاد سبب آشفاق محافظه کاران نیز شد. او رئیس جمهوری شد که بیش از تمام دیگر رؤسای جمهوری، با روحانیت حاکم در افتاد. او عامل تضعیف قدرت روحانیان گشت.

او سیاست خارجی در پیش گرفت مبتنی بر سر شاخ شدن با امریکا بر سر پرونده اتمی ایران و حمله به اسرائیل بنابر فرصت. بدیهی است که اقدامات او تنشها میان ایران با امریکا را بیشتر کرد و این امر، وضع مجازات‌ها را به دنبال آورد. بهائی که خامنه‌ای از نه ریاست جمهوری رساندن محافظه کاری پرداخت که می‌توانست با توده‌ها ارتباط برقرار کند، سنگین شد: انحطاط اقتصاد ایران و نزاع میان محافظه کاران.

در آغاز، احمدی‌نژاد از رویارویی با رهبر خودداری می‌کرد. اما در دور دوم ریاست جمهوری خود، تغییر رویه داد. او حتی در مورد سیاست خارجی نیز با خامنه‌ای کلادویز شد. او که میان دو سنگ آسیاب، یکی روحانیانی که مخالف او شده بودند و دیگری و خاتم بارتر شدن روز افزون وضعیت اقتصادی، قرار گرفته بود، خواهان گفتگو با امریکا بقصد کاستن از تحریم‌ها شد. در اواخر ۲۰۰۹، او حتی موافق معاوضه اورانیوم ۴ درجه با اورانیوم ۲۰ درجه شد. خامنه‌ای مانع انجام توافقی شد که او انجام داده بود. بدین سان، این دو مقابل یکدیگر قرار گرفتند.

در دو سال آخر دوره دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، رژیم ایران با واقعه ناخوشایند روبرو شد: بهار عربی و مجازات‌های اقتصادی که این بار شامل تحریم خرید نفت می‌شد. بهار عربی، بخصوص بروز جنگ داخلی در سوریه، نفوذ ایران را در منطقه سد کرد. و مجازات‌ها دست ایران را از پول بمقیاس زیاد کوتاه کرد.

در سال ۲۰۱۲، درآمدهای دولت ایران بمیزان ۴۰ درصد کاهش یافت و این امر سبب شد ارزش پول ایران ۷۰ درصد کاهش یافت. در ماه ژوئیه، امریکا مجازات‌های جدیدی را به اجرا گذاشت که بنا بر آن، معامله با پول ایران تحریم شد. در فاصله دسامبر ۲۰۱۱ تا دسامبر ۲۰۱۲، ذخایر ارزی ایران از ۱۱۰ میلیارد دلار به ۷۰ میلیارد دلار کاهش یافت. در این شرایط، تهران نمی‌تواند امیدوار باشد برای مدت درازی ثبات سیاسی را مدتی دراز حفظ کند چه رسد به متحقق کردن بلند پروازیهایش در سیاست خارجی. اینست که ایران نیاز دارد با دنیا مصالحه‌ای را به انجام رساند و بدان از شدت تحریمها بکاهد بدون این که برنامه اتمی خود را بطور کامل کنار بگذارد. نزاع خامنه‌ای با احمدی‌نژاد مانع از آن شد که به این مصالحه

دست یابد. ● از اقبال مخالفان خامنه‌ای و احمدی‌نژاد، ریاست جمهوری او زمانی به پایان می‌رسد که وضعیت دنیا خراب‌تر شده است. خامنه‌ای شروع کرد به آماده کردن انتخابات ریاست جمهوری. او میانه روی را ترجیح داد که در دیپلماسی و به سامان آوردن اقتصاد، تجربه دارد و در همان حال، امریت او را تهدید نمی‌کند. انتخاب اول او علی‌اکبر ولایتی بود. او مشاور ارشد رهبر رژیم در سیاست خارجی است.

ولایتی همه صفات دلخواه رهبر را داشت اما چون او تکنوکراتی است که هیچگاه در این زمینه عمل نکرده بود، نمی‌توانست انتخاب شود. روحانی لیدری تشخیص داده شد که می‌تواند بسیاری از مسائل کشور را حل و فصل کند که به ضرورت مذاکره با امریکا را ایجاب می‌کند. او یک محافظه کار عمل‌گرا است که از رهگذر تصدی مقامهای کلیدی، تجربه بدست آورده است. مهمترین مقامی که او تصدی کرده است، دبیر کلی شورای امنیت ملی بمدت ۱۶ سال است. قدرتهای مختلف خارجی بر این نظر هستند که او می‌خواهد دیپلماسی را مسئولانه تصدی کند. و خامنه‌ای مطمئن است که برنامه اصلاح داخلی روحانی، به نظام ولایت فقیه، آسیبی نمی‌رساند. با توجه به وضعیت اقتصادی کشور، همسازی سیاسی ایران را بسوی گفتگوهای واقعی با امریکا می‌راند. با وجود این، تصمیم ایران به گفتگو بدان معنی نیست که بلافاصله دو طرف به مصالحه دست می‌یابند. با وجود این، تحول عمده‌ای است.

انقلاب اسلامی: رویارویی رئیس جمهوری یا «رهبر»، با رهبر شدن خامنه‌ای آغاز نشده است. از روز نخست، این رویارویی بوجود آمد. هر چند استراتفور، بنابر این، مقامهای اول حکومت اوپاما اولاً می‌دانند که آنها در ترجیح روحانی بر ولایتی، نقش داشته‌اند و خامنه‌ای از زبان روحانی به آنها، پیام تعامل را داده است و ثانیا می‌دانند که «انتخابات» ایران مهندسی شده بوده است، با وجود این، مجلس نمایندگان امریکا با اکثریت ۴۰۰ رأی، تحریم‌های بسیار شدید را وضع می‌کند و مجلس سنا به اوپاما پیام می‌دهد هم تحریمها را سخت‌تر کند و هم تهدید ایران را به جنگ جدید تر کند تا که ایران برنامه اتمی خویش را رها کند:

تشدید تحریمها می‌تواند شامل ممنوعیت گفتگو با ایران نیز بشود. حکومت اوپاما باید ایران را بطور جدی به جنگ تهدید کند:

* طرح مجازات‌ها که مجلس نمایندگان آماده کرده است می‌تواند تا با ممنوع کردن گفتگو با ایران را نیز در بر بگیرد:

● طرحی که مجلس آماده کرده است، در بر می‌گیرد مخالفت کنتره را به هرگونه گفتگوئی با دولت ایران. و تصویب این طرح همزمان می‌شود با شروع بکار حسن روحانی، بعنوان



رئیس جمهوری ایران. او در مبارزات انتخاباتی خود از گفتگوهای دوجانبه با آمریکا سخن گفته بود.

● مجازاتهای جدید را جعند به تحریم کامل خرید نفت از ایران. بنا بر این تحریمها، خرید نفت از ایران می باید به حداقل برسد. در حال حاضر، یکچند از کشورها در صورت خرید محدود نفت از ایران، از مجازات معاف هستند. از آن جمله اند چین و هند و ژاپن و کره جنوبی. بنا بر این طرح، دیگر هیچ کشوری، در صورت خرید نفت از ایران، از مجازات معاف نخواهد شد.

● کشورهای دیگری هم که بخواهند از ایران نفت بخرند، مجازات خواهد شد.

● علاوه بر این، سپاه پاسداران و مقامهای رژیم که در سرکوب مردم شرکت داشته اند، مجازات می شوند.

* در ۳۱ ژوئیه، مجلس

نمایندگان آمریکا با ۴۰۰ رأی موافق و ۲۰ رأی مخالف،

مجازاتها بر ضد ایران را تصویب

کرد و سنا از او با ما می خواهد

تهدید نظامی ایران را جدی

کند:

● در ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۳، مجلس نمایندگان آمریکا، با ۴۰۰ رأی موافق و ۲۰ رأی مخالف، مجازاتهای جدیدی را علیه ایران وضع کرد. طرح پس از تصویب، به مجلس سنا فرستاده شد. انتظار می رود در این مجلس، بدون رأی مخالف و یا رأی مخالف انگشت شماری از سناتورها تصویب شود.

● این طرح در روزهای پیش از شروع ریاست جمهوری روحانی و روزی پیش از شروع تعطیلات مجلس تصویب شد. تحلیل گران برآنند که هدف از تصویب این طرح، خرابکاری در گفتگوهای احتمالی حکومت او با ما با حکومت روحانی است.

● نتان یاهو، نخست وزیر اسرائیل، روشن گفت: گفتگوهای مستقیم میان آمریکا و ایران غیر قابل قبول است. رهبران مجلس نمایندگان آمریکا در همین راستا، مجازاتهای جدید را تصویب کرده اند.

● در ۱ اوت ۲۰۱۳، نماینده مجلس نمایندگان آمریکا در برنامه افق صدای آمریکا شرکت کرد. او در توجیه تصویب این مجازاتها، در امر مهم و گویا را باز گفت:

۱- مجازاتهایی که وضع و اجرا شده اند، به اقتصاد ایران صدمه رسانده اند اما مانع از آن نشده اند که رژیم ایران برنامه اتمی خود را با هدف تولید اسلحه اتمی، همچنان اجرا کند. زمان تنگ است و مقامات ایران دروغگو هستند و به دروغ می گویند قصدشان تولید بمب اتمی نیست. چون مجازاتهای کنونی اثر دلخواه را بیار نیآورده اند، ما این مجازاتهای سخت را وضع کرده ایم.

۲- انتخابات ایران آزاد نبود و مردم ایران نتوانسته اند آزادانه میان نامزدها یکی را انتخاب کنند. آقای روحانی ممکن است میانه رو باشد اما میان افراطی ها، میانه رو است.

از دید او، ایران می باید غنی سازی اورانیوم را به حال تعلیق درآورد. معنای این سخنان اینست که چند ماه بعد، کنگره می تواند بگوید چون مجازاتهای جدید نیز اثر نکرد، چاره جز اعلان جنگ ندارد و به ایران

«شاخه زیتون»؟

مارک جانسون از فدراسیون دانشمندان آمریکائی و مرکز کتر تسلیحات و عدم انتشار اسلحه اتمی، خاطر نشان شده اند. ● ممکن است اندک شماری از اعضای کنگره بپندارند برای جلوگیری از مجوز شدن ایران به سلاح اتمی به این طرح رأی داده اند و سا برخی فکر می کنند تشدید فشار به موفقیت امیز شدن گفتگوهای غرب با ایران، کمک می کند. اما اگر چنین بود، این قوه مجریه بود که می باید کنگره را به وضع اینگونه مجازاتها تشویق می کرد اما چنین تشویقی مشاهده نمی شود. سا برخی دیگر از نمایندگان می پندارند این تحریم ها بدیل جنگ هستند.

اما فرق است میان مجازاتهایی که می توانند کمک کنند به گفتگوها با مجازاتهایی که هدف از وضع آنها اینست که مانع از به نتیجه رسیدن گفتگوها و کشیدن کار به جنگ است. بیشتر اعضا افراد باهوشی هستند و در گفتگوهای خصوصی، وقتی بلندگو و دوربین فیلم برداری خاموش هستند، بسیار آسان واقعیت را می پذیرند. من تردید دارم که بسیاری از آنها صادقانه بر این باور باشند که طرحی که تصویب کرده اند خطر مجوز شدن ایران به سلاح هسته ای را کاهش می دهد. برخی هم می پندارند اثر تصویب این طرح بر گفتگوها چندان نیست و رأی دادن به آن اشکالی ندارد.

اما طرح مصوب «H.R. 850» گویای آنست که طراحان آن هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی هدفهایی را دنبال می کنند. بدست نیامدن توافقی با ایران از راه گفتگو و استفاده از تصویب چنین طرحی برای از میان بردن اقبال رسیدن به چنین توافقی، یک هدف است. اینان چنین توافقی را نمی خواهند زیرا خواهان آنند که نومه های جلب برنامه اتمی ایران بمانند تا هم توجه ها به مسائل دیگر جلب شوند و هم زمینه جنگ با ایران آماده شود.

بسیاری از اعضای کنگره به رأی دادن به طرح تن می دهند تا که از مراحم اینان برخوردار شوند و نیز به این خاطر که ابراز دشمنی با ایران سبب می شود که رأی بدست بیاورند. حال آنکه هر قول و فعلی که دلالت کند از ابراز تمس نسبت به ایران، سبب از دست دادن آراء می شود. این امر که یک روز پیش از تعطیلات تابستانی کنگره و چند روز پیش از برعهده گرفتن ریاست جمهوری توسط روحانی، طرح تصویب می شود، برداشت مرا از رأی دادن نمایندگان به این طرح را تأیید می کند.

بروز علائم حسن نیت در تهران و واشنگتن، نیروهای ضد مصالحه را برآن داشت که وقت را از دست ندهند و بیشترین خرابکاری بکنند تا که حسن نیت دو طرف راه به عمل نبرد. بدیهی است که از هدفهای تصویب این طرح، تضعیف موقعیت کسانی در تهران است که خواستار تعامل به قصد رسیدن به توافق هستند.

کوتاه سخن این که بسیاری از اعضای کنگره، بنا بر اینگونه دلائل، با تصویب این طرح، کاری خلاف پیشنهادی کردند که بر زبان می آورند. اینان خلاف منافع ملی آمریکا نیز عمل کرده اند. می باید بخاطر آنچه کرده اند، شرمند باشند.

انقلاب اسلامی: به دنبال یک وقفه کوتاه، از نو، تشدید مجازاتها و تهدید ایران به جنگ، موضوع روز شده است. گراهام الیزون، استاد علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد آمریکا، مقاله ای زیر این عنوان، انتشار داده است: در این سال، ایران بمب اتمی خواهد ساخت و یا بمب

در این سال، ایران بمب اتمی خواهد ساخت و یا بمباران خواهد شد؟

مقاله در ۱ اوت ۲۰۱۳، به قلم گراهام الیزون Graham Allison انتشار یافته و نکات عمده آن عبارتند از ● کشاکش بر سر اتم ایران قوری ترین تهدید برای صلح و امنیت است و در جامعه آنها که در قلمرو امنیت ملی کار می کنند، بخش بزرگی بر این باورند که سال ۲۰۱۳، سالی تعیین کننده است. همانطور که افریم هلوی، رئیس پیشین موساد می گوید اسرائیل بر این باور است که اواسط سال ۲۰۱۳، از زمان تصمیم در باره ایران است. بنا بر این، هانزی کیسینجر هشدار داده است که «ما در آخرین سالی هستیم که، در آن، گفتگوها نتیجه بخش می شوند و یا نمی شوند. اگر نشود، رئیس جمهوری ناگزیر می شود تصمیم های سختی را اتخاذ کند».

بسیاری می گویند بدون تردید ایران در سال ۲۰۱۳ بمب اتمی خود را می سازد و باز بسیاری می گویند تردید نباید داشت که در این سال ایران بمباران می شود. اما ارزیابی من اینست که در سال ۲۰۱۳، ایران بمب اتمی نمی سازد و بمباران نمی شود. برای این که دقیق باشیم، حاضرم ۵۱ دلار خود را یا ۴۹ دلار کسانی معاوضه کنم که می گویند در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۳، ایران یا بمب اتمی خود را ساخته است و یا پیش از آن بمباران شده و نتوانسته است بمب اتمی خود را بسازد.

اما این بدان معنی نیست که موضوع اهمیت و فوریت ندارد. هرکسی بر این باور باشد که ۲۰ درصد احتمالی وجود دارد که ایران یا بمباران می شود و یا بمب اتمی خود را ظرف سال خواهد ساخت، ناگزیر از تصدیق است که این امر و پی امدهایش موضوع اول سیاست خارجی، نه تنها اسرائیل که آمریکا نیز هست.

● دیدگاه فنی و امکان تولید بمب توسط ایران یک سخن است و مباحث سیاسی در این باره امری دیگر است. در زیر، برای ۱۲ پرسش کلیدی پاسخ می جوینم:

۱- زمان لازم برای این که ایران یک بمب اتمی بسازد؟

پاسخ خالی از ابهام من به این پرسش اینست: بستگی دارد به الف - تصمیم ایران به ساختن بمب اتمی و ب - راه و روشی که ایران باید برای ساختن آن اتخاذ کند و ج - موافقی که ایران، برای ساختن بمب، با آنها روبرو است و د - هزینه ها و سودها که تحصیل بمب در بر دارد.

در مقام دادن پاسخ به پرسش اول، من با نظر جامعه اطلاعاتی آمریکا موافقم که در مارس ۲۰۱۳، از زبان کلایپر، مدیر امنیت ملی، اظهار شد: «ایران دارد قابلیت و توانائی های خود را برای ساختن بمب اتمی تحصیل می کند به ترتیبی که هر زمان خواست بتواند این بمب را تولید کند. بر اینست که چنین قابلیتی باعث امنیت و اعتبار و نفوذ منطقه آیش می شود. اما در حال حاضر، ما نمی دانیم چه زمانی ایران احتمالاً تصمیم به تولید این بمب خواهد گرفت».

چه زمان ایران بمب اتمی خواهد ساخت؟ پاسخ من به این پرسش اینست که در سال ۲۰۱۳ نخواهد ساخت.

۲- ایران در کدام مرحله از مراحل تولید بمب اتمی است؟

پاسخ کارشناسان به این پرسش اینست که ایران موانع مهم را از سر راه تولید بمب اتمی برداشته است: تکنولوژی غنی سازی اورانیوم و دانش آن را تحصیل کرده است. تاسیسات لازم را ایجاد کرده و اورانیوم کم غنی شده را تولید و ذخیره می کند. از سال ۲۰۱۰، اورانیوم ۲۰ درجه نیز تولید می کند. این بدان معنی است که ۹۰ درصد کار لازم را برای اینکه اورانیوم را تا ۹۰ درجه غنی کنند و آن را در ساختن بمب بکار برد، انجام داده است. به زبان فونبالیستها، ایران از خط قرمز ما عبور کرده و اینک در ۵ متری دروازه گل ما است.

در حال حاضر، ایران به اندازه ساختن ۷ بمب اتمی، ذخیره اورانیوم کم و متوسط غنی شده دارد. ایران بیشتر از ۱۰ هزار سانتریفیوز دارد. در ماه ۲۲۰ کیلو اورانیوم ۴ تا ۵ درجه و ۱۵ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درجه تولید می کنند. زمانی که همه سانتریفیوزهای نصب شده را فعال کند، میزان تولید ۳ برابر می شود. ایران همچنین اعلام کرده است که چند هزار سانتریفیوزهای نسل جدید را نصب می کند که سه بار کارا تر از سانتریفیوزهای کنونی هستند.

۳- با توجه به تأسیساتی که ایران اینک دارد، کوتاه ترین زمان برای این که بمب اتمی بسازد کدام است؟

با توجه به توان غنی سازی اورانیوم که دارد، ایران به چند ماه وقت نیاز دارد برای ساختن یک بمب اتمی. ارزیابی من اینست که ایران به یک تا دو ماه وقت نیاز دارد برای اینکه مواد لازم برای ساختن نخستین بمب خود را تولید کند. یک ماه نیز لازم دارد برای ساختن بمب اتمی.

سؤال مهم اینست: آیا ایران می توان اورانیوم ۹۰ درجه را تولید کند برای ساختن بمب اتمی، پیش از آنکه آمریکا از آن آگاه شود؟ پاسخ مقامات اطلاعاتی آمریکا صریح و روشن است: نه. مفتشان از آنس بین المللی انرژی اتمی مرتب تأسیسات اتمی ایران را تقش می کنند و غیر از دولت ایران، منابع دیگر برای مطلع شدن از چند و چون فعالیتهای اتمی ایران وجود دارند و آمریکا وسایل فنی دارد که به او امکان می دهد در جریان غنی سازی، از آن آگاه شود. همانطور که در مارس ۲۰۱۳، مدیر امنیت ملی آمریکا گفته است ایرانی ها می دانند که آمریکا از تولید اورانیوم ۹۰ درجه آگاه می شود. بنا بر این، خطر غافلگیر شدن وجود ندارد.

۴- چه وسیله دیگری ایران می تواند صاحب بمب اتمی بگردد؟

با توجه به این که ایران می داند آمریکا و اسرائیل از تولید اورانیوم ۹۰ درجه آگاه می شوند، وسیله دیگری که برایش می ماند ایجاد تاسیسات پنهانی و اظهار نشده است. می دانیم که ایران در خفا تاسیسات اتمی خود را ساخته است و این تاسیسات لو رفته اند. اگر لو نمی رفتند ای سا ایران بمب اتمی خود را ساخته بود. بسیاری می گویند ایران اگر هم چنین تاسیساتی را ایجاد کند، باز غرب از آن آگاه می شود. اما این احتمال وجود دارد که پنهانی این تاسیسات را ایجاد کند و غرب از آن آگاه نشود. در این جا، نویسنده به روشهایی که ایران می تواند بکار برد تا آنچه را می کند از دید غرب پنهان بماند و به این نتیجه می رسد که این روشها کارساز نیستند.

غیر از این راه، راه دیگری هم هست و آن این که ایران یک بمب اتمی



«شاخه زیتون»؟

بخرد. همانطور که وزیر دفاع سابق، روبرت گیت، گفته است، کره شمالی آماده است بمب اتمی بفروشد. کره شمالی سابقه دار نیز هست. چرا که به سوریه را کتور تولید پلوتونیوم فروخت که می توانست پلوتونیوم لازم برای تولید بمب اتمی اول سوریه را تولید کند اگر اسرائیل آن را در سال ۲۰۰۷ بمباران نسلی کرد. هرگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه برسد که داشتن بمب اتمی تنها وسیله حفظ رژیم است، خریدن بمب در ازای چند میلیارد دلار، معامله حاذبی خواهد شد. آیا در سال ۲۰۱۳، ایران چنین بمبی را خواهد خرید؟ پاسخ منفی است. دلایل فنی نیز می گویند این کار در این سال انجام ناشدنی است.

۵- آمریکا جسان کوشیده است ایران را از دست یابی به بمب اتمی بازدارد؟ در دهه گذشته، استراتژی عمده ای که حکومت امریکا، هم در دوره جمهوری یخسواه ها و هم در دوره دموکراتها، در پیش گرفته است، این بوده است: الف- ایران نباید بمب اتمی بسازد و ب- امریکا نمی گذارد ایران بمب اتمی بسازد.

افزون بر این، امریکا از راه وضع و اجرای مجازاتها کوشیده است اقتصاد ایران را دچار زحمت کند. در آغاز، مجازاتها نمادی بودند. اما در دو سال گذشته امریکا و متحدانش مجازاتهای سخت بر ضد ایران وضع و اجرا کرده اند. بنا بر آنچه وسایل ارتباط جمعی انتشار داده اند، این مجازاتها با جنگهای پنهان، همچون حمله با ویروس استاکس نت و دوکو و شعله و کشتن دانشمندان اتمی ایران و ایجاد انفجار در کارخانه ای تولید موشک و پولاد، همراه بوده اند.

۶- آیا مصالحه ای وجود دارد و می توان انجام داد؟ آیا مصالحه ای وجود دارد که برای امریکا و ایران هر دو خوب باشد و نیازی به بمباران ایران نباشد؟

پاسخ خالی از ابهام من به این پرسش آری است. از آنجا که در دهه اخیر، طرف شور سیاست گذاران حکومت امریکا در این باره بوده ام، می توان از دو فرصت یاد کنم که مصالحه ای با رعایت منافع ملی هر یک از دو طرف میسر بود: یکی در ۲۰۰۴-۲۰۰۳، بعد از آنکه امریکا ظرف سه هفته رژیم صدام را سرنگون کرد، رژیم ایران از این بیم شد که بعد از عراق نوبت به او می رسد. ایران آماده بود توافق در باره غنی سازی اورانیوم و شفاف و نحت مهار بودن فعالیت اتمی خود را بپذیرد. در سال ۲۰۰۹ نیز، امریکا و ایران بر سر محدود کردن غنی سازی اورانیوم به ۵ درصد، و متوقف کردن غنی سازی ۲۰ درصد با حداکثر شفافیت، به توافق نزدیک شدند. ایران حاضر بود تنبیهات شدید را در صورت تخلف، بپذیرد. اما هر بار که مصالحه در حال انجام شد، از یک طرف و یا از دو طرف، مشکل بروز کرد و مصالحه انجام نگرفت.

۷- چرا رسیدن به مصالحه سخت است؟

شکست بیشتر حاصل ابهام و انشقاق در دهن هریک از دو طرف بود تا میان دو طرف. در تدریج در هاروارد، سعی می کنم دانشجویان دریابند که انجام مصالحه ای در روابط بین المللی، نیازمند، سه فکتو به قصد رسیدن به مصالحه است: اول گفتگو در درون طرف الف و دوم، گفتگو در طرف ب و پس از آن که هر یک از دو طرف، در درون خود هماهنگ شدند، نوبت به گفتگو دو طرف الف و ب با یکدیگر می شود. در ۲۰۰۴-۲۰۰۳ طرف ایران هماهنگ شده بود اما طرف امریکائی نمی خواست تن به مصالحه بدهد. در سال ۲۰۰۹، طرف امریکائی هماهنگ شده بود و این بار، طرف ایران هماهنگ نشد و مصالحه انجام نگرفت.

اینک انتخاب رئیس جمهوری

جدید ایران فرصت جدیدی برای مصالحه ایجاد کرده است. در طرف امریکا نیز، تجدید اوپاما فرصتی در اختیار او می گذارد برای مصالحه. در دور اول ریاست جمهوری او این فرصت را نداشت.

۸- چه وقت رئیس جمهوری امریکا در موقعیتی قرار می گیرد که مجبور است میان حمله به ایران و ادامه دادن به مجازاتها و عملیات پنهان، یا یکی را برگزیند؟

نتان یاهو، نخست وزیر اسرائیل، همچنان فشار می آورد که امریکا هرچه زودتر تصمیم بگیرد. استدلالش اینست که مجازاتها اثر ندارند و فرصت بیشتری در اختیار ایران می گذارد برای ساختن بمب اتمی. اما اوپاما و مقامهای کلیدی امنیت ملی اسرائیل برای نظر هستند که مجازاتها علاوه عملیات پنهان، اثر بخش هستند و امریکا را به هدف خود می رسانند. در این جا، نویسنده خط قرمزهایی را که بنا بر تاریخهای تولید بمب اتمی توسط ایران، اسرائیل رسم می کرده است، می پردازد و به این جا می رسد که ایران از این خط قرمزها عبور کرده و... با غنی کردن اورانیوم ۲۰ درجه در تأسیسات فرود به نقطه برگشت ناپذیر رسیده است.

این امر بدان معنی نیست که هشدارهای اسرائیل بی مبنی است. گرچه کارش به کار چوپان دروغگو می ماند اما اینک گرگ به سرفقت چوپان آمده است و او قریاد می زند و هرگاه به دادش نرسیم، چوپان را می درد. راکتور آراک ممکن است در اواخر ۲۰۱۴ عملیاتی شود و پلوتونیوم لازم برای ساختن بمب اتمی را تولید کند. از طرف دیگر، ایران همچنان اورانیوم کم غنی شده تولید و ذخیره می کند. با وجود این، ایران در سال ۲۰۱۳ بمب اتمی نمی سازد.

هرگاه گفتگوها به نتیجه نرسند و نتان یاهو امکان آن را بیابد که استدلال اوپاما و مقامات امنیت ملی اسرائیل را نیز نشود، مسئله حمله به ایران بقصد به تأخیر انداختن ساختن بمب اتمی جدی می شود. من سه گزینه را تشخیص داده ام و جز این سه، گزینه دیگری وجود ندارد.

۹- چه رویدادی سبب می شود که اسرائیل به تأسیسات اتمی ایران حمله کند و هدفهای اصلی آن کدامها خواهند بود؟

بیشتر تحلیل گران بر عوامل خارجی است که تأکید می کنند. بخصوص اندازه پیشرفت ایران در زمینه اتمی. تازه ترین خط قرمز «منطقه مصونیت» است که وزیر پیشین دفاع اسرائیل، اهود باراک تعیین کرده است. نتان یاهو، نخست وزیر اسرائیل، در سخنرانی معروف خود در سازمان ملل متحد، خط قرمز روشن دیگری ترسیم کرد: داشتن اورانیوم ۲۰ درجه به اندازه لازم برای رساندن میزان غنای آن به ۹۰ درصد و ساختن بمب اتمی. مسئولان اسرائیلی میزان اورانیوم ۲۰ درجه لازم را ۲۵۰ کیلو گفته اند.

ایران تصمیمی استراتژیک گرفته و آن اینست که فعلاً ذخیره خود را از این اندازه بیشتر نکند. بیشتر اورانیوم ۲۰ درجه خود را هم به سوخت نیروگاه اتمی تهران تبدیل کرده است.

با وجود این، عوامل درونی نیز مهم هستند. در کوتاه مدت، اگر ایران با احتیاط برنامه اتمی خود را به پیش برد، ولو به خط قرمز نزدیک شود، خطر جدی تهدیدش نمی کند. بر فرض که از حالا تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۳، اسرائیل تأسیسات اتمی ایران را بمباران کند، اثر مهمی بیار نخواهد آورد.

نتان یاهو، بعنوان سابقه، از بمباران تأسیسات اتمی عراق در ۱۹۸۱ سخن می گوید. اما آن زمان، علت حمله به تأسیسات اتمی، این نبود که عراق در

شرف تولید بمب اتمی بود. بلکه این بود که بگین بیم آن داشت که در انتخابات شکست بخورد و شیمون پرز نخست وزیر شود. او بر این نظر بود که پرز کاری را که باید کرد، یعنی بمباران تأسیسات اتمی عراق را نخواهد کرد. اینک نیز، ارزیابی اثر حمله نظامی به ایران بر تغییر حکومت اسرائیل و حتی در ترکیب حکومت کنونی اسرائیل، بیشتر از گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی در عبور ایران از خط قرمز اثر دارد.

۱۰- چه امری می تواند سبب حمله امریکا به تأسیسات اتمی ایران شود؟ هرگاه امریکا بر دلایل و مدارکی دست یابد که در شفافیت کامل حاکی از این باشند که ایران مشغول تولید بمب اتمی است و حمله به تأسیسات اتمی ایران، سبب به تأخیر افتادن تولید بمب می شود، چنین حمله ای محتمل خواهد بود. ایران که از این امر آگاه است، سخت غیر محتمل است که تصمیم به ساختن بمب اتمی بگیرد.

رویداد دیگری که می تواند سبب حمله امریکا به ایران شود، حمله اسرائیل به ایران و حمله متقابل ایران به تریبی است که منافع امریکا را تهدید کند. از جمله بستن تنگه هرمز و یا حمله به عربستان سعودی. امریکا بطور واضح حالی رهبر جمهوری اسلامی ایران کرده است که بستن تنگه هرمز «خط قرمز» امریکا و سبب حمله نظامی امریکا به ایران می شود.

۱۱- محتمل ترین آینده برای سال ۲۰۱۳ کدام است؟ ایران بمب اتمی می سازد و یا بمباران می شود؟ شرط می بندم که ایران همچنان احتیاط را رویه می کند. در حقیقت، من به این ارزیابی که ایران مرحله به مرحله بطرف برخورد شدن از قابلیت تولید بمب اتمی پیش می رود. اما هنوز تصمیم نگرفته است بمب اتمی را بسازد. بنظر من، حکومت اوپاما، با محاسبه هزینه ها و خطر کردنها، به جای حمله به ایران، تمامی بدیل های ممکن را بکار خواهد گرفت.

بنا بر این، بمب اتمی ساختن و یا بمباران شدن؟ هر دو امکانهای واقعی هستند: ایران می تواند به تریبی که شرح شد، بمب اتمی خود را بسازد. بنا بر این، حمله به ایران نیز ممکن است. اما ارزیابی من اینست که محتمل نیست که ایران بمب اتمی بسازد و به ایران حمله نظامی شود.

۱۲- چرا من نمی توانم بر خطا باشم؟

رژر مارشال، بزرگ ترین وزیر خارجه امریکا، بعد از مشاهده یک امر و یا شنیدن یک اسللال قانع کننده، نتیجه گیری می کرد و آنگاه از خود می پرسید: یک پرسش می ماند و آن اینست که چرا من نمی توانم بر خطا باشم؟

با وجود این، عوامل درونی نیز مهم هستند. در کوتاه مدت، اگر ایران با احتیاط برنامه اتمی خود را به پیش برد، ولو به خط قرمز نزدیک شود، خطر جدی تهدیدش نمی کند. بر فرض که از حالا تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۳، اسرائیل تأسیسات اتمی ایران را بمباران کند، اثر مهمی بیار نخواهد آورد.

بدین قرار، شرط بندی بر سر روی ندادن امری، بر مبنای محاسبه ای غیر قطعی که وقوعش بستگی دارد به تصمیم یک شخص و یا یک گروه کوچک، ذاتاً خطا پذیر است. با وجود این، من شرط می بندم.

انقلاب اسلامی: نویسنده عامل «غیر عقلانی» را هم می باید در محاسبه خود لحاظ می کرد. این عامل است با عوامل دیگری جمع شده و بحران اتمی را به این مرحله از شدت رسانده است. اگر به جای عامل غیر عقلانی و محاسبه های غیر علمی و عوامل درونی و بیرونی هر یک از دولتهای در رابطه، عامل عقلانی با محاسبه های علمی و حقوق ملی کشورها، از جمله حق ریاست و رشد در صلح، جمع می شد، بحران اتمی نبود و ایران تحت تحریمهای اقتصادی نبود و مسئله ای هم چون «یا بمب اتمی می سازد و یا بمب می خورد» نیز در میان نبود. و حالا، سفیر سابق فرانسه در ایران می گوید: پنهان از چشم و گوش سران رژیم، برنامه بدست آوردن قابلیت تولید بمب اتمی، پیش از ۲۰۰۳، وجود داشته است و وقتی خامنه ای از وسعت آن آگاه شده، بهتش برده و روحانی مامور شده است اینگونه فعالیتها را متوقف کند:

تا سال ۲۰۰۳، بدون اطلاع «رهبر» سپاه به تولید بمب اتمی مشغول بوده است!!

در ۲ اوت ۲۰۱۳، گارت پوتر، بر مبنای خاطرات سفیر اسبق فرانسه در ایران، مقاله ای انتشار داده است دارای این نکات:

● در همین زمان که رهبران اسرائیل و محافظه کاران جدید امریکائی همچنان بر طبل جنگ با ایران می کوبند، بینه های جدیدی آراکه می شوند حاکی از این که رهبران ایران نبوده اند که دستور اجرای برنامه اتمی به قصد تولید بمب اتمی را داده اند.

بلکه این دانشمندان ایران بوده اند که بدون اطلاع این رهبران و در مقام ایستادگی در برابر اراده آنها، در کار اجرای برنامه تولید بمب اتمی بوده اند.

انقلاب اسلامی: هرگاه چنین باشد، واقعیت بس مهمی، یگبار دیگر، خود را هر مقام ولایت مطلقه دارد و این مقامها مخالفت می کند، هنوز می توان در برابر مخالفت او ایستادگی کرد. بسیار پیش می آید که «رهبر» ناگزیر می شود مخالفت خود را پس بگیرد، تا وقتی «رهبر» از عمل آنها آگاه نشود. مجاز هستند هرکار بکنند و زمانی هم که او از کارشان آگاه می شود.

● خاطرات فرانسوا نیکولو، Francois Nicoulaud سفیر اسبق فرانسه در ایران، بتازگی، خاطرات خود را انتشار داده است. بنا بر این خاطرات، وضعیت بدان سان نبوده است که سازمانهای اطلاعاتی امریکا در ۲۰۰۷ گزارش کرده اند. بنا بر گزارش این سازمانها، ایران برنامه تولید بمب اتمی را تا اواخر سال ۲۰۰۳، در دست اجرا

داشته است و آن هنگام، آن را رها کرده است. اما نیکولو گفتگوهای خود را حسن روحانی نقل می کند که آن زمان، بعنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، مسئول سیاست اتمی تهران بوده است. روحانی از تحقیق انجام گرفته در طول سالها، در باره تولید بمب اتمی، بی خبر بوده است. این گفتگوها، در ۲۶ ژوئیه، در روزنامه نیویورک تایمز انتشار یافته اند. روحانی به او از مشکلاتی سخن گفته است که، با آنها، در ناگزیر کردن محققان به قطع هرگونه تحقیق، روبرو بوده است.

● تصویری که نیکولو از سیاست اتمی ایران بدست می دهد غیر از آنست که گزارش ۲۰۰۷ سازمانهای اطلاعاتی امریکا ارائه می کند. بنا بر گزارش، رهبری رژیم ایران ترتیب تهیه و اجرای برنامه تولید بمب اتمی را داده اما همین رهبری در اواخر ۲۰۰۳، دستور متوقف کردن آن را داده است. اما نیکولو یک مقام ارشد ایران به او گفته است: در اکتبر ۲۰۰۳، روحانی بخشنامه ای صادر کرد و در آن از همه وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی، لشکری و کشوری، خواست گزارش تفصیلی از فعالیتهای اتمی گذشته و حال خود را به او تسلیم کنند. گفتگوی نیکولو با آن مقام ارشد، بلافاصله بعد از انجام توافق میان روحانی و وزیران خارجه انگلستان و آلمان و فرانسه، انجام گرفته است.

همان مقام توضیح داده است که «مشکل اصلی روحانی و گروه همکار او اطلاع یافتن از آنچه انجام شده است در نظام چنان سری کاری است که چند هفته بعد، سفیر، از زبان یک مسئول دیگر، دوست نزدیک روحانی، آگاه می شود که روحانی دستور داده است اجرای طرحهای مربوط به سلاح هسته ای، متوقف گردد. لحظه لحظه سختی بود. زیرا متقاعد کردن کسانی که این طرحها را اجرا می کردند، به متوقف کردن کاری که سالها بدان مشغول بودند، کار بس مشکلی بود. نیکولو می گوید: او بر این باور نبوده است که دولت ایران برنامه تولید بمب اتمی را تصویب کرده بوده است. روحانی وقتی متصدی برنامه اتمی ایران شد، نخستین چالشی که با آن روبرو شد، بدست آوردن اطلاع دقیق و روشنی بود در باره هرآنچه در زمینه اتم، انجام گرفته بود.

● از سال ۱۹۸۹، روحانی دبیر شورای امنیت ملی بود. او نه تنها می باید اطلاع داشت بلکه در تمامی تصمیم های دولت در باره برنامه اتمی ایران می باید شرکت می داشت. نیکولو بر این نظر است که «اغلب مقامها، از جمله رهبر جمهوری اسلامی ایران، از وسعت فعالیتهای اتمی غافلگیر شدند.»

خاطرات نیکولو منطبق است با داده های منتشر شده که، بنا بر آنها، تحقیق در باره ساختن بمب اتمی، بدون اجازه دولت، آغاز شده اند. برغم سیاست دولت، برخی از مسئولان ایرانی بر این نظر بوده اند که یافتن «قابلیت» تولید سلاح هسته ای، بی آنکه ایران بمب اتمی داشته باشد، دارای اثرات سودمند برای ایران است. اهمیت بدست آوردن چنین قابلیت، موضوع بحث شده است. ناصر هادیان، سیاست شناس استاد دانشگاه تهران، در پایان سال ۲۰۰۳، نوشت: دو مکتب فکری وجود دارد:



یکی طرفدار به دست آوردن «قابلیت تولید بمب اتمی» بدون ساختن آن و دیگری طرفدار تولید تنها اورانیوم غنی شده برای سوخت نیروگاه های برق است.

دبیری شورای عالی امنیت ملی از سوی روحانی، بحث میان دو طرف، سرانجام نجسته بود. و چون یک سیاست روشن وجود نمی داشت، مراکز تحقیق متعلق به وزارت دفاع و نیروهای مسلح، در قسمت اخیر سالهای ۱۹۹۰، طرحهای تحقیقاتی خود را برای تولید اسلحه اتمی، بدون اطلاع شورای عالی امنیت ملی، تهیه کردند و به اجرا گذاشتند.

از قرار، این طرحها زمانی تهیه و به اجرا گذاشته شدند که شورای امنیت ملی سازمان انرژی اتمی ایران و وزارت دفاع و مجموعه صنعتی - نظامی را مهار نمی کرد. در اواسط سالهای ۱۹۹۰، سازمان انرژی اتمی ایران، با استفاده از نبود یک سیاست روشن، بدون اطلاع شورای عالی امنیت ملی، تدابیری را اتخاذ کرد که ایجابات سیاسی مهمی را در بر داشتند.

● سید حسین موسویان، سخنگوی هیأت ایرانی گفتگو کننده در باره پرونده اتمی ایران، در خاطرات خود، آورده است که در ژانویه ۲۰۰۴، روحانی به او گفته است که ۱۹۹۵، سازمان انرژی اتمی شورای امنیت ملی را از امر بلحاظ سیاسی چنین با اهمیت که خرید سانتریفوزهای پ ۲ از شبکه عبدالقادر خان، مطلع نکرده بود. کارکنان سازمان انرژی اتمی او را فریب داده بودند. روحانی باز گفته است: آنها اطلاعاتی را در باره سانتریفوزهای پ ۲ در انترنت یافته اند، آنها را مطالعه کنیم.

● در آغاز اکتبر ۲۰۰۳، وقتی روحانی مسئول هماهنگ کردن سیاست اتمی می شود، آژانس بین المللی انرژی اتمی از ایران خواستار گزارش کاملی از همه فعالیتهای اتمی خود می شود. بخشنامه را او بعد از آن که به آژانس قول داد سیاست اتمی ایران را تغییر می دهد و با آژانس همکاری کامل می کند، به سازمانهای دولتی، از لشکری و کشوری، ابلاغ کرد.

روحانی پیش بینی کرده بود که این دستگاه مشغول به اجرای طرحهای تولید بمب اتمی، در برابر سیاست جدید مقاومت خواهند کرد. او به خاتمی، رئیس جمهوری وقت، گفته بود، مقاومتها شامل «خرابکاری» نیز می شود. او برای خنثی کردن این مقاومتها، فتوای خامنه ای بر تحریم تولید بمب اتمی، دستمایه کرد.

روحانی از همه سازمانها خواست گزارش فعالیتهای اتمی خود را بدهند و تحقیق های خود در باره تولید اسلحه اتمی را متوقف کنند. در اواخر اکتبر، خامنه ای نطق کرد و در آن، گفت: «برخلاف تبلیغات دشمنان ما، از اساس، ما با تولید اسلحه کشتار جمعی، از هر نوع آن، مخالف هستیم». سه روز بعد از آن، به دانشجویان دانشگاه شاهرود گفت: خامنه ای اسلحه اتمی را خلاف شرع می داند.

در همان هفته، حسین شریعتمداری، در مصاحبه با روبرت کلبر، خبرنگار سان فرانسیسکو کرونیکل، گفت: سازمانهای دولتی و محققانی که به بخشنامه روحانی پاسخ نمی دادند و زیر بار سیاست جدید نمی رفتند، می باید برابر فتوای مقام معظم رهبری عمل کنند. این فتوی همه آنها را که روی این طرحها کار می کنند، مکلف می کند، از کار خود دست بکشند. او

«شاخه زیتون»؟

اخطار قوه قضائیه و واواک به هر کس که گرفتار خوش باوری شده باشد

● در ۳۱ تیر ۹۲، به گزارش ندای سبز آزادی، در پی آتش سوزی جنگل ارس در استهبان حمیدرضا فرزانه همراه گروهی از فعالین محیط زیست در جلسه ای با حضور فرماندار، رییس منابع طبیعی و مدیر کل منابع طبیعی استان فارس شرکت کرده بود. اعتراض شدیدی را نسبت به عملکرد و سهل انگاری فرماندار این شهر ابراز کرد که در پی آن شنبه بیست و نه تیرماه با شکایت فرماندار این شهر به دادگاه احضار و به اتهام توهین به فرماندار بازداشت شد.

● در ۳۱ تیر ۹۲، به گزارش ایلنا، حدود ۲۰۰ نفر از ۲۳۵ کارگر اجرایی کارخانه فولاد زاگرس برای پیگیری خواسته های صنفی خود بار دیگر به تهران آمدند و مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

● در ۳۱ تیر ۹۲، به گزارش مهر، غلامحسین محسنی اژه ای، سخنگوی قوه قضائیه و دادستان کل کشور روز دوشنبه ۳۱ تیرماه اظهار داشت کسانی که در ارتباط با حوادث سال ۸۸ از کشور خارج شده اند، ممنوع الورد نیستند اما به محض ورود به کشور تحت تعقیب قضایی قرار خواهند گرفت.

● در ۱ مرداد ۹۲، بنابه گزارشات رسیده به «فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران» زندانی شهرام پورمنصوری در اعتراض به شرایط غیر انسانی و رفتارهای وحشیانه وارد سیزدهمین روز اعتصاب غذای خود شد.

● در ۲ مرداد ۹۲، به گزارش سایت خاصه: رانندگان ماشین های سنگین حمل شن و ماسه در سه راه ورودی شهر جم دست به اعتصاب زدند. مهمترین دلایل اعتصاب این رانندگان دستمزد پایین، ثابت ماندن کرایه حمل شن و ماسه از ابتدای سال ۹۲ تا کنون و همچنین کمبود سوخت (گازوئیل) در شهرستان جم می باشد.

● در ۳ مرداد ۹۲، به گزارش هانا، هاشم صباغیان از اعضای شورای مرکزی و فخرالدین حکیمی و امیر حسین کاظمی و مجتبی خندان از اعضای شاخه جوانان نهضت آزادی ایران به واواک احضار شده و تهدید به بازداشت شدند. بازجویان واواک با توصیف شرایط گذشته فعلی آینده کشور، نهضت آزادی ایران را تشکیلی غیر قانونی خوانده و فعالیت اعضای آن را امری غیر قانونی دانستند.

● در ۴ مرداد ۹۲، به گزارش ندای سبز آزادی، بیش از ۱۳ تن از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز طی یک ماه گذشته به واواک احضار شده اند. این دانشجویان به صورت تلفنی به ساختمان بلاک ۱۰۰ اداره واواک شیراز احضار و پس از چند ساعت بازجویی آزاد شده اند.

● در ۵ مرداد ۹۲، به گزارش هانا، احمد عسگری در تاریخ پنجشنبه ۳۰

خردادماه در پارک فدک تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و در طی یک ماه گذشته نه تنها از حق ملاقات محروم بوده که از وضعیت سلامتی وی نیز خبر دقیقی در دست نیست.

● در ۵ مرداد ۹۲، به گزارش سحام نیوز: مادر ستار بهشتی ضمن انتقاد دوباره از روند رسیدگی به پرونده فرزندش، گفت که حسین رونقی ملکی، از زندانیان سیاسی، به وی گفته که آماده است تا در دادگاه به آنچه بر ستار در بازداشتگاه گذشته، شهادت دهد.

● گوهر عشقی در این مصاحبه در پاسخ به سئوالی مبنی بر آخرین وضعیت پرونده قتل فرزندش، گفت: «ما از پرونده ستار هیچ اطلاعی نداریم، وکیلمان را در روز چهارشنبه به اطلاعات احضار کردند و بعد از ایشان تعهد گرفتند که هیچ جایی مصاحبه نکنند! می خواهیم ببینم برای چه؟ برای اینکه از یک جوان بیگناه دفاع کرد؟»

● در ۵ مرداد ۹۲، به گزارش ندای سبز آزادی، مریم شفیق پور فعال دانشجویی به داسرای شماره ۲ شهید مقدس اوین احضار شده بود که پس از حضور در این دادسرا بازداشت و به سلول انفرادی منتقل شده است.

● در ۵ مرداد ۹۲، به گزارش کلمه، ابوالفضل عابدینی زندانی سیاسی محبوس در بند ۳۵۰ زندان اوین و شاهد شکنجه های ستار بهشتی به زندان اهواز تبعید شد. وی هنگام انتقال اعلام کرده که دست به اعتصاب غذای اعتراضی زده است.

● در ۸ مرداد ۹۲، به گزارش کلمه، ۴۴ زندانی سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین در بیانیه ای به تبعید ابوالفضل عابدینی به زندان اهواز اعتراض کرده و خواستار بازگرداندن وی به زندان اوین شدند.

● در ۸ مرداد ۹۲، به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، حدود ۵۰۰ کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زدند. کارگران نیشکر هفت تپه خواسته های خود را در ۵ بند تنظیم کرده اند و خواهان تحقق آنها هستند.

۱- بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل که از سال ۱۳۸۷ پیگیریهای لازم در این مورد از سوی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه صورت گرفته است. بطوریکه بر اساس این پیگیریها نامه ای از وزارت کار به اداره کار استان و از اداره کار استان به اداره کار شهرستان شوش جهت بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل کارگران هفت تپه ابلاغ شده است اما تاکنون ترتیب اثری به این ابلاغیه داده نشده است.

۲- اخراج اعضای هیات مدیره کارخانه به نامهای حسن عبداللهی، رضا مددی، کاظمینی و برزو احمدی که دو شغله هستند. برزو احمدی رئیس سابق اداره اطلاعات شوشتر بوده و در اخراج کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراضات سالهای ۸۶ و ۸۷ این کارگران نقش موثری داشته است.

۳- ابقا بکار مدیر عامل فعلی کارخانه آقای فرشید مومن غریب که از کار خود تعلیق شده و احتمال اخراج وی در سر زبانه افتاده است. وی از پرسنل قدیمی کارخانه نیشکر هفت تپه می باشد

۴- عدم واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه و منازل سازمانی آن به سپاه

۵- شکسته شدن فضای امنیتی در شرکت نیشکر هفت تپه که بدنبال اعتراضات کارگران از سال ۱۳۸۶ به

این سو بر شرکت حاکم شده است بطوریکه از آن تاریخ به این سو با سیطره افراد امنیتی بر اداره شرکت بسیاری از کارگران معترض منجمله اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نامهای علی نجاتی، فریدون نیکو فر، محمد حیدری، جلیل احمدی، رضا رخشان و قربان علیپور از کار خود اخراج شدند.

● در ۸ مرداد ۹۲، به گزارش سایت ملی - مذهبی، ده ها تن از فعالان مدنی و سیاسی در مورد شرایط فاجعه بار در زندان کارون اهواز بیانیه ای تحت عنوان «فاجعه بزرگ انسانی در زندان کارون اهواز را دریابید» صادر کردند.

● در این بیانیه وضعیت اسف بار رفاهی و بهداشتی و ... این زندان توصیف شده و پس از نامه نگاری های بی حاصل به نهادهای داخلی، از مجامع جهانی تقاضای توجه برای جلوگیری از یک فاجعه انسانی شده است.

● در ۹ مرداد ۹۲، به گزارش انتخاب، نعمت الله بهروز رییس دادگستری شهرستان آبادان از صدور حکم قطع يد برای یکی از متهمان سرقت های باندي در این شهرستان خبر داده است.

● در ۹ مرداد ۹۲، به گزارش خلیج فارس، جمعی از پرستاران و کادر درمانی بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت کامل حقوق و مزایای خود دست به تحصن و اعتراض زدند.

● در ۱۰ مرداد ۹۲، به گزارش هانا، مصطفی بردبار، از شهروندان نوکیش مسیحی ساکن رشت طی حکمی که به وکیل وی، شیمیا قوشه، ابلاغ شده به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

● در ۱۰ مرداد ۹۲، کمیته گزارشگران حقوق بشر، انتقال ناگهانی مجید دری، دانشجوی زندانی محروم از تحصیل، به زندان کارون اهواز خبر داده و گزارش داده است که این انتقال بدون اطلاع مقامات قضایی صورت گرفته است.

● در ۱۱ مرداد ۹۲، به گزارش کلمه، آرش نصیرزاده این دانشجوی کارشناسی فیزیک که در انگلستان تحصیل می کرد به اتهام تبلیغ علیه نظام، توهین به رهبری و اجتماع و تانی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب توسط قاضی پیرعباسی محاکمه شده به ۶ ماه حبس تعزیری و ۲ سال و ۶ ماه حبس تعلیقی محکوم شده است.

● حکم قطعی آرش نصیرزاده در شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر به ریاست قاضی موحد عینا تایید شده است. وی ۲۶ خرداد ۱۳۹۲ با حکم قطعی برای سیری کردن ۶ ماه حبس تعزیری خود روانه بند ۳۵۰ زندان اوین شد.

● در ۱۱ مرداد به گزارش جرس، وحید روح بخش از معترضان انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ است که به دلیل شرکت در راهپیمایی های اعتراضی پس از انتخابات بازداشت شده بود. وحید روح بخش هنگام ورود به ایران در تاریخ بیست و یکم تیرماه امسال در فرودگاه بین المللی امام خمینی بازداشت و به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شده است. هنوز از دلایل بازداشت وی اطلاعی در دست نیست.

● در ۱۲ مرداد ۹۲، به گزارش ایلنا، بیش از ۷۰۰ کارگر کارخانه کیان تایر در اعتراض به متوقف شدن تولید و عدم دریافت مطالبات معوقه خود در مقابل در ورودی کارخانه واقع در شهرک چهار دونگه تجمع کردند.



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و سی و یکمین سالگرد تولد دکتر مصدق»

از خدماتی که شخص ایشان در برانداختن اصول ملوک الطوائفی و از امنیتی که در سرتاسر این مملکت تهیه کرده اند و از مرکزیتی که در قوا داده اند و از کوییدن سر اشرار و اشخاصی که قوای مرکزی را سابقاً نمی شناختند و سایر ترتیبات دیگر که همه اش در موقع خودش واضح و آشکار است همیشه اگر مخالفی داشته اند موافقی که در مقابل آن مخالفت صحبت کرده است در مجلس علنی یا خصوصی به شهادت رفتاری مجلس اگر جلسه خصوصی بوده است و به شهادت ارباب جراند و روزنامه ها در جلسات علنی بنده بوده ام در این تردید نیست» (حسین مکی - تاریخ بیست سال ایران - ج ۴ - صص ۵۲۷-۵۲۶) در این مجلس فرمایشی بنا به اصل سی و ششم «سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت به وسیله مجلس مؤسسان به شخص اعلی حضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسل بعد نسل برقرار خواهد بود» تصویب شد.

در این مجلس از مخالفان بنام و رجل سیاسی مورد اعتماد ملت نظیر مدرس، مصدق، مشیرالدوله، مؤتمن الملک، مستوفی الممالک، بهارو... خبری نبود. حسین مکی می نویسد: «انتخابات مجلس مؤسسان شروع گردید، در تهران و شهرستانها از طرف عمال سردار سپه و مأمورین شهربانی و قشون فعالیت زیادی ابراز می شد. کسانی حق داشتند انتخاب شوند که در "لیست" و صورت اسامی دولت صورت داده شده بودند. این لیست را شهربانی و داور و چند نفر دیگر تهیه کرده بودند، در تهران مأمور انتخاب اشخاص در لیست شهربانی بود ولی در شهرستانها مأمورین انتخاب افراد در صورت مزبور رؤسای قشون بودند.

در تهران که مرکز ایران بود و قاعده با بستی انتخاباتی ولو به صورت ظاهر هم شده آزاد باشد اعمال نفوذ کردند و از انتخاب اشخاصی که واقفا دارای آراء طبیعی بودند جدا جلوگیری نمودند و بهمین لحاظ هم مشیرالدوله، مؤتمن الملک، مستوفی الممالک، مصدق السلطنه، مدرس، قتی زاده و غیره که در موقع تغییر سلطنت روی موافق نشان نداده بودند انتخاب نشدند و در عوض کسانی انتخاب شدند که بطور قطع اگر انتخابات آزاد بود از بیست و چهار نفر شاید دو سه نفر آنها انتخاب می شدند. زیرا منتخبین مجلس مؤسسان غالباً دارای حسن شهرت و سوابق روشن که مورد اعتماد عمومی باشند بوده، مردم آنها را بخوبی نمی شناختند.» (تاریخ بیست ساله ایران - ج ۳ - ص ۲۸۴)

عبدالله مستوفی در این باره تأکید می کند: «در همه جا سعی شده است که اشخاصی انتخاب شوند که موافقت آنها به سلطنت پهلوی مسلم باشد و در حقیقت دولت نام هر کس را می خواست از صندوق بیرون می کشید. مع هذا عده زیادی از اشخاص از مرکز و ولایات انتخاب شده بودند که عده ای از آنها و کلای موافق پهلوی در مجلس شورای ملی بودند، حتی بعضی هم که در روز نهم آبان شاید عمداً غیبت کرده بودند، بعد از آن که دیدند کار گذشته، به داوطلبین عضویت در مجلس مؤسسان عذر مافات خواستند» (مستوفی، ۱۳۷۱: ج ۱/۲۶۸).

نمایندگان فرمایشی مجلس مؤسسان به خوبی از جو رعب و وحشت جلسه ۹ آبان مجلس شورای ملی برای «تغییر سلطنت» آگاه بودند و می دانستند که روند این مجلس غیرقانونی است. فروغی، داور، تیمورتاش، سلیمان میرزا، تدین، سید یعقوب انوار و... حزب تجدد و سوسیالیست ها برپه ری سلیمان میرزا با حمایت انگلیس و روسیه شوروی که صحنه گردان این پروسه ابعثانی و عامل اصلی شکل گیری آن بودند. روحانیت سنی ایران «که عده ای از علمای تهران و سایر شهرستان ها در مجلس مؤسسان حضور داشتند به این روند مشروعیت داده و ستون پایه های استبداد فراگیر رضا خان شدند. در واقع بیش از یک سوم از نمایندگان روحانی بودند که از جمله سیدابوالقاسم کاشانی، آیت الله زاده شیرازی، شیخ محمدعلی قهرانی، شیخ حسین یزدی، میرزا هاشم آشتیانی، سیدمحمد بهبهانی، حاج امام جمعه خونی، حاج آقا جمال اصفهانی، شیخ الاسلام ملاپری، آیت الله زاده خراسانی، سیدعبدالوهاب صالح، قائم مقام الملک رفیع به نمایندگی انتخاب شدند (امیر طهباسب، ۱۳۵۷: ۲۷-۲۸؛ مکی، ۱۳۶۳: ج ۳/۴۹۳-۴۹۴) محسن پریش "علما و انقراض قاجاریه"، در یادداشت های سلیمان بهبودی به ملاقات های آیت الله ابوالقاسم کاشانی با رضا خان در این موقعیت حساس اشاره شده است. ناگفته نماند که آیت الله سید محمد بهبهانی و آیت الله ابوالقاسم کاشانی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر ضد حکومت ملی دکتر مصدق شرکت فعال داشتند. بهر رو، گزارش ها و مقالات و اسناد... در باره مجلس مؤسسان اول را به شرح زیر می آورم:

«انتخابات» فرمایشی مجلس مؤسسان اول:

حسین آبادیان با استناد «اسناد منتشر شده وزارت جنگ» در باره «انتخابات فرمایشی» برای «مجلس مؤسسان» اول اینگونه شرح می دهد: «واپسین گام رضا خان برای تثبیت حکومت خویش، برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان بود تا به شکلی ظاهراً قانونی قدرت را به وی منتقل سازد. طبق آئین نامه ای که روزنامه های آن زمان منتشر کردند، انتخابات مجلس مؤسسان مثل مجلس شورای ملی بود. همه کسانی که می توانستند در انتخابات مجلس شورا شرکت نمایند، مجاز بودند در این انتخابات هم شرکت کنند، تعداد نمایندگان مجلس مؤسسان دو برابر اعضای مجلس بود، به عبارتی هر حوزه انتخابیه می توانست دو برابر تعداد نمایندگان خویش را وارد مجلس مؤسسان کند. نمایندگان مجلس پنجم هم می توانستند در آن مجلس عضویت یابند؛ مشروط به این که شرایط لازم را به دست می آوردند. وقتی دو سوم اعضای مجلس مؤسسان در تهران حضور می یافتند، جلسات آن رسمیت پیدا می کرد، وقتی هم تکلیف رژیم کشور مشخص شد، دوره عمر آن سپری می گردید.

انتخابات این مجلس در آبان ماه برگزار شد. این موضوع نشان می داد از قبل آمادگی لازم برای امر مزبور وجود داشته است. به یاد داشته باشیم مجلس پنجم در اوایل سال ۱۳۰۲ باید تشکیل می شد، اما رضا خان آن

قدر برای برگزاری انتخابات آن کار شکنی کرد تا این که در اواخر بهمن آن سال مجلس تشکیل شد. به عبارتی همان گروه هایی که متخصص تعویق برگزاری انتخابات بودند و مانع تشکیل مجلس چهارم می شدند، این بار برای اخلاص در برگزاری انتخابات سالم و گزینش نمایندگان مردم در موقع مقتضی، کارشکنی می کردند.

لیکن در کمال شگفتی مجلس مؤسسان که هم برای انتخاباتش وقت کافی وجود نداشت و هم تعداد اعضایش دو برابر نمایندگان مجلس بود، به سرعت اعلام موجودیت کرد؛ یعنی درست ده روز بعد از آن که مجلس قدرت را به رضا خان سپرد تا بر مردم فریاد براند.

انتخابات این مجلس هم مثل مجلس پنجم کاملاً فرمایشی بود. قشون در انتخاب نمایندگان به آنها اعمال نظر کردند بلکه بدون این که به واقع انتخابی صورت گرفته باشد، کسانی را به عنوان منتخب مردم روانه تهران کردند. خیلی ساده گزارش می شد، مثلاً حیدرقلی میرزا حسینی و آقا بهاء الدین از خمین، معظم السلطان و میرزا محسن نجم آبادی از گلپایگان «به سمت نمایندگی مجلس مؤسسان انتخاب شده اند» (۱) همان روز اطلاع داده شد نمایندگان کرمانشاه به سوی مرکز حرکت کرده اند. (۲) روز بعد خبر دادند فرج الله میرزا و میرزا علیقلی هان بیگلری هم از حوزه ای دیگر انتخاب شده اند. (۳) از حوزه انتخابیه جهرم میرزا علی اصغر خان حکمت و اسماعیل خان صولت الدوله قشقانی انتخاب شدند. (۴) انتخابات شمال کشور در دست چراغعلی خان، برادر رضا خان قرار داشت، او هم عده ای را از سوی مردم مازندران به عنوان نماینده انتخاب کرد و به تهران فرستاد. (۵) دانش که مردی ثروتمند بود، از مشهد به عنوان یکی از منتخبین به تهران اعزام گردید. (۶) طبق اسناد موجود که ذکر کلیه آن ها عملاً غیر ممکن است، تمام انتخابات سراسر کشور در چند روز از ماه آذر اتفاق افتاد، بعد است چنین هماهنگی ای در شرایط آن روز کشور وجود داشته باشد، اما قشون موظف بود عده ای را دستچین کند و به مرکز گسیل دارد. نکته مهم در کلیه این مراسم شرکت قشون در انتخابات بود و نه وزارت داخله، اگر قلبی در انتخابات نبود، چرا قشون متولی برگزاری آن شد؟

در مکاتبات صریحاً نوشته شده تسریع در انتخابات «برای اجرای امر مطاع» بوده، در نواحی دور دستی مثل بلوچستان در این مدت کم حتی «اعتبارنامه معتبر به امضای کلیه رؤسای طوایف و تصدیق حکومت محل» فراهم گردید تا «روز موعود به مرکز وارد شوند» در تلگراف هایی نظیر این مورد به صراحت آمده بود: «عموم و فرداً فرد قشون در این گونه مواقع که مقصود پیشرفت مقاصد مقدس بندگان اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه است، همه گونه کوشش و جان نثاری صمیمانه را خواهند نمود.» (۷) نماینده مشهد در مجلس مؤسسان از جمله ملک ایرج میرزا پور تیمور یا همان ایرج میرزای مشهور، شاعر هزل سرای بعد از مشروطه بود که «طرف توجه مخصوص مقام محترم امارات جليلة لشکر شرف او دارای وجهه ملی می باشد.» (۸) جالب تر این که از سوی رئیس ارکان حزب قشون به فرمانده لشکر شرق دستور داده شده بود «به جای یک نفر دیگر که با بستی از تون و طیس انتخاب شود دستور دهید عظام التوبله یا امیر کلار تیموری را انتخاب نمایند.» (۹) رئیس ارکان حزب کل قشون هنوز نمی دانست نام واقعی کسی که او توصیه اش را کرده، امیر تیمور کلاهی است نه امیر کلار تیموری! کلیه انتخابات فرمایشی مجلس مؤسسان در دو سه روز دهه نخست آذر ماه ۱۳۰۴ صورت گرفت. این موضوع نمی توانست در شرایط اداری آن روز کشور انجام شود، مگر این که قشون مستقیماً در قضا دخالت می کرد. بسیاری از نمایندگان حتی حوزه انتخابیه خود را ندیده بود، کما اینکه آقا رضا تجدد که به دستور رئیس ارکان حزب باید از لارستان به عنوان نماینده مجلس مؤسسان وارد این مجلس می شد، (۱۰) هرگز حوزه انتخابیه خود را ندیده بود. این در حالی بود که درست یک روز قبل دستور داده شده بود یک نفر از وکلای مازندران از نمایندگی استعفا کند تا رضا تجدد بتواند به عنوان نماینده به مؤسسان معرفی گردد. (۱۱) به برخی از حکام ایالتی مرخصی دو ماهه داده می شد تا به عنوان نماینده مجلس مؤسسان وارد تهران شوند و بعد از خاتمه مأموریت به محل کار خود بازگردند. از این جمله بود احمد خان عمارلویی، کفیل حکومت خوزستان که به عنوان نماینده بهبهان (۱۲) باید وارد تهران می شد. در این بین اشخاص برجسته ای مثل عبدالحسین خان تیمور تاش وجود داشتند که از حوزه انتخابیه نیشابور به عنوان نماینده برگزیده شده بود، در عین حال او نماینده تریش به محسوب می شد. رئیس ارکان حزب لشکر شرق توصیه کرده بود تیمور تاش نماینده نیشابور باشد تا فردی دیگر بتواند از تریش به مجلس راه یابد. (۱۳) شخصی چون رضا خان افشار که از عوامل مهم فرو پاشی جنبش جنگل بود، از ارومیه به نمایندگی انتخاب گردید. (۱۴) دیگر شخصیت مهم سالار سعید سمنجانی است که در اسناد سالار سعید ساوجبلاغی خوانده شده، و از مهاباد کنونی به مجلس راه یافت. از شیراز میرزا ابراهیم خان قوام و حبیب الله آموزگار مهم ترین شخصیت هایی بودند که وارد مجلس مؤسسان شدند. (۱۵) میرزا رضا خان حکمت مشهور به سردار فاخر از حوزه انتخابیه آبداده «به اکثریت ۶۴۹ رأی و میرزا اسماعیل خان نجومی معاون تلگراف خانه مرکزی طهران [با] ۶۳۷ رأی به نمایندگی مجلس مؤسسان منتخب گردیدند.» (۱۶) به عبارتی آراء اخذ شده از حوزه انتخابیه آبداده حتی از یک روستای معمولی هم کمتر بود؛ تازه میدانیم همین آمار هم جعلی است. زیر این تلگراف نوشته شده: «... حکمت برای فضا معین شده بود که با سلطان العلماء انتخاب شوند.» (۱۷) سلطان العلماء نماینده فسا در مجلس پنجم بود؛ دستور داده شده بود او و حکمت از این حوزه انتخابیه برگزیده شوند، (۱۸) اما خبر رسید حکمت از حوزه انتخابیه آبداده برگزیده شده است. سردار فاخر برای تشکیلات رضا خانی چهره ای کلیدی بود، در تلگرام های عابده در ارتباط با مجلس مؤسسان نام او ذکر شده، کما این که در تلگرامی مربوط به انتخابات کرمان هم ذکر شده «چون مشارالیه باید حتماً انتخاب شود مقرر فرمایند اقدامات عاجل» به عمل آورند. (۱۹) هم زمان گزارش می شد «در یزد و کرمان بعضی از پارسیان که سوابق تیره دارند»، در صدد اختلال در انتخاب ارباب کیخسرو و شاهرخ و افلاطون نامی بودند؛ تقاضا شده بود تلگرافی حکومتی

صادر شود و آن ها را از ممانعت در انتخاب نامبردگان بر حذر دارند. (۲۰) از جمله مهم ترین نمایندگان خوزستان می توان از میرزا حسین خان موقر نام برد که به گزارش احمد علوی از جمله کسانی محسوب می شد که «تابع امر» به شمار می آمد. (۲۱) حسین خان موقر از بهائیان شناخته شده این زمان محسوب می شد، او در خدمت انگلیسی های مقیم بوشهر بود و از سوی آن ها «بالیوزی» خوانده می شد. دو تن از مهم ترین برگزیدگان حوزه انتخابیه اصفهان عبارت بودند از میرزا ابوطالب شیروانی و میرزا حسینعلی گلشن. (۲۲) هر دو این افراد پیش تر از بلوا سازان گروه های افراطی در اصفهان شناخته می شدند. عدل الملک دادگر هم از نمایندگان مازندران به شمار می آمد، یکی از جالب ترین موضوعات انتخاباتی این بود که مردی به نام طوسی به دستور قشون باید از خراسان انتخاب می شد، در حالی که متصدی ارکان حزب قشون لشکر شرق حتی از نام او و نام پدرش آگاهی نداشت؛ رئیس ارکان حزب کل قشون دستور داده بود طوسی از بجنورد، محمد علی خان مجد مشهور به فطن السلطنه و میرزا علی اکبر خان رضی از تون به نمایندگی برگزیده شوند. (۲۳) از ارکان حزب لشکر شرق تلگرافی فوری در این باره ارسال گردید. در این تلگرام نوشته شده بود «مستدعی است امر و مقرر فرمایند (۲۴) اسم و اسم پدر طوسی را فوراً اطلاع دهند.» (۲۵) تازه چهار روز بعد بود که معلوم گردید نام کوچک طوسی میرزا داوود خان و نام پدر او امیر اعلم بوده است. (۲۶) به سفارش ارکان حزب کل قشون، شخص امیر اعلم هم می بایست از حوزه انتخابیه دره گز انتخاب می شد و دستور داده شده بود در این زمینه «نهایت سعی و کوشش را مبذول دارید» (۲۷) میرزا شهاب الدین (۲۸) و افضل الملک روحی هم از حوزه انتخابیه رفسنجان برگزیده شدند، (۲۹) این ها از دوره مشروطه به بعد از حزب دمکرات حمایت می کردند. در برخی موارد درست بعد از برگزاری انتخابات فرمایشی، نظر حکومت مرکزی تغییر می کرد. در این شرایط دستور می دادند فردی خاص به نمایندگی انتخاب گردد؛ از جمله این که دستور داده شده بود مردی کاشف نام از حوزه انتخابیه مشهد برگزیده شود. اما نکته این بود که «انتخابات کلیه نقاط شرق خاتمه پیدا کرده به استخراج آراء مشغول هستند، با این حال تصدیق خواهند فرمود که موقع گذشته است، انتخابات و کاندیدش غیر ممکن خواهد بود.» (۳۰)

نامه زیر که بالای آن نوشته است «خیلی فوری است»، خود گویای انتخابات فرمایشی مجلس مؤسسان است. این نامه خطاب به فرمانده لشکر شرق نوشته شده است: «فراز راپورت واصله حاجی احسن آقا ملک که مرکز تعیین شده بود جزو کاندیدهای مشهد نیست، چون با بستی مشارالیه حتماً انتخاب شود اهتمام لازم در این باب به عمل آورید.» (۳۱) پاسخ نامه مزبور از این قرار بود: «فوری است، مقام رفیع ریاست محترم ارکان حزب کل قشون دامت قدامت؛ در جواب امر به مطاع... محترماً خاطر مبارک را مستحضر می دارم به طوری که سابقاً به عرض رسیده انتخابات بعضی نقاط به کلی خاتمه پذیرفته و در برخی نیز به استخراج آراء مشغول هستند و محل خالی نیست، با عرض مراتب معروضه حاجی ملک و آقا شیخ بهار از قبول این امر امتناع ورزیدند، ثانیاً پس از مذاکرات لازم با حاجی ملک مشارالیه متقاعد شده و دستور لازم به فوجان صادر گردید که از فوجان انتخاب شود، راپورت معروض گردید.» (۳۲)

در حوزه انتخابیه کرمان هم وضع به همین منوال بود. دستور داده شده بود فردی عیسی خان نام یکی از حوزه های آن جا به عنوان نماینده مجلس مؤسسان برگزیده شود، محمود آرم امیر لشکر جنوب چنین پاسخ داد: «ریاست محترم ارکان حزب کل قشون... فرمانده قسمت کرمان راپورت نموده است که به واسطه ضیق وقت تعیین کلیه منتخبین و شروع به انتخابات، انتخاب میرزا عیسی خان مشکل است، مهذبا دستور دادم حتی الامکان در انتخاب وی کوشش نماید، اطلاعاً اشعار گردید.» (۳۳) از این بالاتر به امرای لشکر غرب و شرق دستور داده شد «از هر نقطه که ممکن است پیشرفتی دارد قذغن فرماید (نماید)» (۳۴) دکتر احیاء السلطنه برادر دبیر اعظم را انتخاب نمایند. (۳۵) برجسته ترین نمایندگان گیلان عبارت بودند از حسین کی استوان از بندر انزلی که به بندر پهلوی تغییر نام داده شده بود، سیدعبدالوهاب مجتهد زاده از رشت، ناصر الاسلام دامانی از فومن و قائم مقام الملک رفیع از طالش. (۳۶)

در تلگرام های رمز این زمان تکاتی جالب وجود دارد که خود کاشف از تقلبی بودن انتخابات است، به طور مثال امیر لشکر غرب تلگراف کرد: «مطابق راپورت ساخلوی بروجرد بحر الاسلام، بشیر معظم، اعتبار الدوله، مشار اعظم برای نمایندگی مجلس مؤسسان از طرف اهالی بروجرد انتخاب و در ظرف این هفته به طهران رهسپار خواهند شد، راجع به مشار اعظم چون مشار الیه سابقاً نماینده بود، خود اهالی انتخاب کرده اند» (۳۷) یعنی این که بقیه را خود مردم انتخاب کرده اند!

در انتصاب نمایندگان مؤسسان شخص رضا خان دست به کار بود. او به کفیل ایالت خراسان صریحاً دستور داد: «به اعضای کمیسیون انتخابات مشهد فوراً تذکر بدهید که حسین مهدوی و حاجی حسین آقا ملک هر دو طرف توجه من هستند و در این موقع نباید کسی به اعمال نظریات خصوصی توسل نماید. حاجی حسین آقا باید برای مجلس مؤسسان از مشهد انتخاب شود و شخص شما ریاست مرقبت کنید که بر خلاف این نظر به اقداماتی پیش نیاید، نتیجه را هم اطلاع بدهید... رئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس عالی کل قوا.» (۳۸) کفیل ایالت خطاب به رئیس ارکان حزب کل قشون که کلیه مکاتبات قشونی اینک به نام او صورت می گرفت، پاسخ داد: «... حاجی حسین آقا در شهر مشهد کاندید شدند، شاید هم انتخاب شود، انتخاب در همه جا در شرف اتمام است؛ منتها در تون قدری به تأخیر افتاده بود، مهذبا محض امتثال امر به حکومت رمزاً تلگراف شد ایشان را انتخاب نمایند، چون موقع گذشته و چند بار هم در صندوق تصرفات شده.» (۳۹)

در زنجان وضع به این شکل بود که حاکم آن جا اشخاصی را کاندیدا



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و سی و یکمین سالگرد تولد دکتر مصدق»

ماده-ی سوم: مواد ۹ و ۱۰ و ۱۱ قانون انتخابات مجلس شورای ملی نسبت به انتخاب-کنندگان و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مزبور نسبت به انتخاب‌شوندگان مجلس مؤسسان باید مراعات شود.

ماده-ی دهم: پس از آن-که دو ثلث اعضای مجلس مؤسسان در مرکز حاضر شدند مجلس مزبور از طرف رئیس حکومت موقتی مملکت رسماً افتتاح خواهد یافت.

ماده-ی سیزدهم: مجلس مؤسسان که عهده‌دار تقنین قوانین عادی نبوده و فقط وظیفه-دار تعیین حکومت قطعی مملکت می‌باشد پس از انجام این وظیفه منحل خواهد شد. [۲]

از طرف داور و پاره‌ای از دوستانش، لیستی از افرادی که سابقه-ی مخالفتی با رضاخان نداشتند و مورد اعتماد بودند، جهت نمایندگی مجلس مؤسسان در سراسر کشور با وسواس تمام تهیه گردید، زیرا مخالفان در موضعی نبودند که در برابر آن مخالفت مؤثری نشان دهند و در روند پیشرفت برنامه‌های آن مانع یا خللی ایجاد کنند. [۳] همچنین روز پنجشنبه چهاردهم آبان-ماه ۱۳۰۴ در عمارت دارالفنون از بین ۳۶ نفر مدعوین، هیئت قانونی، به اسم نظار اصلی و فرعی انتخاب گردیدند. [۴]

بر اساس برنامه-ی پیش‌بینی شده، کار انتخابات مجلس مؤسسان از اوایل آذرماه ۱۳۰۴ شروع شد. در همه-ی نقاط کشور، عوامل رضاخان، مأموران شهرانی و نظامی، هیأت‌های نظارت و اجرایی تلاش‌های فراوانی کردند تا افراد مورد اعتماد بر اساس فهرستی که داور و شهربانی تهیه کرده بودند، انتخاب شوند. [۵] در تهران مأمور انتخاب اشخاص در دست شهرانی بود ولی در شهرستان‌ها رؤسای قشون مأمور این وظیفه بودند. [۶] در تهران که مرکز کشور بود و قاعدتاً باستانی انتخاباتش ولو به صورت ظاهر هم شده آزاد باشد، عوامل رضاخان اعمال نفوذ کردند و از انتخابات اشخاصی که واقعاً دارای آرای طبیعی بودند جداً جلوگیری نمودند و به همین لحاظ هم افرادی مانند مشیرالدوله، مؤتمن-الملک، مستوفی-الممالک، مصدق-السلطنه، مدرّس و تقی‌زاده که در موقع تغییر سلطنت رأی موافق نداده بودند، انتخاب نشدند. [۷] و در عوض کسانی انتخاب شدند که در صورت آزادی انتخابات از ۲۴ نفر انتخاب شده به طور قطع بیش از ۳ نفر انتخاب نمی‌شدند و اغلب انتخاب-شدگان دارای حسن شهرت و سوابق روشنی که مورد اعتماد عمومی باشند نبوده و مردم اکثر آنها را نمی‌شناختند و بدین سبب اغلب مردم نسبت به انتخابات مجلس مؤسسان بی‌اعتنا بوده و از شرکت در انتخابات خودداری کردند. از لایات نیز وضع بهتر از تهران نبود. به طور کلی کسانی باید انتخاب می‌شدند که حتماً اگر قبلاً وکیل هم بودند در طرح تغییر سلطنت رأی موافق داده بودند. به این کیفیت انتخابات مجلس مؤسسان به جریان افتاد و همان اشخاص را که می‌خواستند از صندوق‌ها بیرون آوردند. [۸]

◀ تشکیل مجلس مؤسسان اول

پس از انتخابات سراسر کشور، مجلس مؤسسان اول در روز یکشنبه پانزدهم آذرماه ۱۳۰۴ در تکیه-ی دولت با حضور ۲۴۵ نفر [۹] نمایندگان حاضر در مرکز، با تشریفات خاصی افتتاح شد. [۱۰] رضاخان (والاحضرت اقدس) [۱۱] رئیس حکومت موقتی نطق افتتاحیه را به شرح زیر ایراد کرد: «البته آقایان محترم از علل و پیش‌آمدهایی که باعث انقراض مجلس مؤسسان گردیده است اطلاع کامل دارند و می‌دانند که مجلس شورای ملی به موجب قانون اساسی نماینده-ی قاطبه-ی اهالی مملکت ایران است بر حسب ضرورت و برای متابعت میل و افکار ملت که در تمام مملکت ابراز و اظهار شده بود برای نبل به استقرار حکومتی که مرام ملی را بهتر تأمین نماید سلطنت را از سلسله-ی قاجاریه منترع نموده ریاست حکومت مملکت را موقتاً به عهده-ی اینجانب محمول ساخته و انعقاد مجلس مؤسسان را برای تعیین تکلیف قطعی امر لازم و مقتضی دانست...» [۱۲]

پس از مراسم افتتاحیه، نخستین جلسه-ی مجلس مؤسسان به ریاست سنی شیخ محمدحسین یزدی و چهار نفر منشی از جوان‌ترین اعضای انتخاب شده تشکیل گردید و موافق نظامنامه-ی داخلی، مجلس مؤسسان به انجام امور مقدماتی پرداخت و اعضای شش-گانه-ی شعب تعیین گردید. [۱۳] منشی‌ها عبارت بودند از: میرزا افلاطون (پسر ارباب کیخسرو شاهرخ)، میرزا عیسی‌خان صدیق، عبدالحمیدخان سنندجی، نصرت-الله-خان قراقرز لو. [۱۴]

در همین جلسه، آقای میرزا صادق‌خان صادق (مستشارالدوله) با ۱۲۰ رأی در ریاست مجلس مؤسسان انتخاب گردید. [۱۵] جلسه-ی دوم در روز دوشنبه ۱۶ آذرماه تشکیل گردید و بقیه-ی اعضای هیئت رئیسه انتخاب شدند که عبارت بودند از: نایب رئیس آقایان عدل-الملک و سهام-السلطنه بیات، منشی‌ها میرزا شهاب، شیروانی، شاهرودی و صدراالتجار، مباشرها ارباب کیخسرو شاهرخ، دستگیر و مدیر گلستان. [۱۶] در همین جلسه اعضای هیئت رئیسه-ی کمیسیون مطالعه انتخاب شدند که عبارت بودند از: رئیس تدبیر، نایب-رئیس حاج امین‌الضرب، منشی-ها میرزا عبدالله‌خان معتمد و افشار، منیر آقای علی-اکبر داور. [۱۷]

جلسه-ی سوم روز جمعه ۲۰ آذرماه تشکیل گردید. در جلسه-ی چهارم روز شنبه ۲۱ آذرماه، گزارش کمیسیون مطالعه مطرح شد و نمایندگان مجلس مؤسسان رسماً وارد دستور اصلی، که بررسی و تغییر اصول ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی بود، شدند. چون در کلیات لایحه مخالفتی نبود اصول مذکور به ترتیب قرائت گردید و پس از مذاکره و اصلاح به هر یک از آنها جداگانه رأی گرفته شد و به تصویب رسید. [۱۸]

در این میان فقط سلیمان-میرزا نسبت به اصل ۳۶، با احتیاط خاصی، موضوع موروثی بودن را با مسلک خود سوسالیسم، مغایر دانست. [۱۹] در اصل ۳۷، سهراب-زاده، اشکالی پیرامون ایرانی‌الاصل بودن مادر ولیعهد، [۲۰] مطرح کرد و فقط تیمورتاش مخالف این اصل بود. [۲۱] نسبت به اصل ۴۰ چون از طرف کمیسیون مطالعه تغییری داده نشده بود، به همان صورت سابق اخذ رأی به عمل آمد و تصویب شد. بعد کلیات آخر

که از سوی انگلیس گرفت و به خوبی با روحیات محافظه کاری که از انگلیسی‌ها سراغ داریم منطبق است. به واقع بریتانیا آرزوی دیرینه و نقشه ای مشخص را که حداقل از اوایل مشروطه تعقیب می‌کرد با به سلطنت رسیدن رضا خان کاملاً محقق ساخت تا منافع خویش را صیانت نماید.

به این شکل با دسایس بریتانیا و با نطق‌های فصیح و بلیغ امثال داور، می رفت تا تاج کیانی «را بر سر مردی بگذارند که مردم ایران جز ستم و ظلم از اتباع او تا کنون ندیده‌اند. مردی که روزنامه نویس را در میدان مشق کتک می‌زند و به چوب می‌بندد، مردی که با شست، دندان‌مدیر جریده ای دیگر را خرد می‌کند. مردی که به امر و فرمان او سرکردگان و رجال کشور مانند سردار معزها و اقبال السلطنه‌ها و امیر عساکر را بیگناه کشته و اموالشان را غارت کرده‌اند، مردی که تحصیلات ندارد، مردی که بی اندازه طماع است، مردی که محمل می‌گوید و فریب می‌دهد.» (۴۶) در شرایط عادی هیچ مرد آزاده ای چنین شخصی را با هو و جنجال بر تخت سلطنت نمی‌کشید، اما این قضیه محقق شد. بر کشیدن رضا خان به تخت سلطنت نقشه بریتانیا بود که همواره بر طبل دموکراسی می‌کوبید، بنابراین امر مزبور «باید» صورت می‌گرفت. تازه یک سالی بعد از تغییر سلطنت بود که کسانی مثل عارف دانستند چه خطی مرتکب شده‌اند، آن زمان که البته دیگر خیلی دیر بود، عارف سرود:

فکنده از چه بی صید مرغ خانه کند؟
شکار کرس و شاهین کن، این شکار نشد!
ز قتل عام لرستان و فتح خوزستان
چو هندی و نادر، اسباب افتخار نشد
نهال مردی و مردانگی چنان خشکید
که سال‌ها شد و یک نادر آشکار نشد
چه ملتی است؟ که ناپود باد تا به ابد
چه دولتی است؟ که خود سر چو او، به کار نشد
نه نام ماند، نه ننگ، زین دو در گیتی
شوند محو که این شهر و شهر یار نشد
ز شاه سازی و دربار بازی این ملت
مگر ندید دو صد بار، بار بار نشد؟
مدار چشم توقع به آن که چشم طمع
به مال دارد، این مملکت مدار نشد
نداشت عارف عیبی جز از نداری و گفت
که گفت این که نداری که عیب و عار نشد! (۴۷)

نهایت این که همان عارفی که به غلط چشم امید به کسی چون رضا خان بسته بود، سال‌ها بعد در ۱۳۰۹ یکی از شدید‌اللحن‌ترین غزلیاتش را علیه او سرود. غزل عارف در این سال وصف اوضاع و احوال کشوری است که زیر همییز قزاقان می‌ناید و راه نجاتی نمی‌یافت:

به عهد ما به جز از هیز و دزد و جانی نیست
به غیر اصل زر و زور و خانجانی نیست
وطن پرست دهد جان خود به راه وطن
به حرف باوه و جان دادن زبانی نیست
به نام خود کنی املاک خلق، شرمت باد
که قدری بود، این طرز قهرمانی نیست
ندیده کس به چپاول به پهلوانی تو
شدی تو راهزن، این رسم پهلوانی نیست
زمانه هر دو سه روزیست با یکی، هشدار
که گفت با تو که این عز و جاه فانی نیست؟
صعود کرده ای اما به دست اجنبیان
که تبت تو به نایب آسمانی نیست
تو جاه و سود کلان برده ای ز اجنبیان
مرا نصیب به جز از فقر و ناتوانی نیست
من از برای وطن لب گشوده ام به سخن
ز بهر مال و منال و زر و اوانی نیست
کسی نگفت تو را، لبیک گویدت عارف
درین زمان چو تو کس زور گوی و جانی نیست! (۴۸)
همان سال عارف سرود:

ای ز وجود تو ره و رسم جنایت
شد بار دگر نو، به دیار کهن من!
تو قائد من، منجی من، نیستی ای دون!
هستی تو همان دشمن من، راهزن من! (۴۹)

محمد علی زندی در باره «انتخابات مجلس مؤسسان اول» نوشته تحقیقی دارد که در اینجا بخشی از آنرا می‌آورم:

پس از تصویب ماده-ی واحده مبنی بر خلع سلسله-ی قاجاریه توسط مجلس پنجم شورای ملی و اعطای ریاست حکومت موقتی به رضاخان، به منظور روشن شدن حکومت آتیه-ی مملکت بلافاصله انتخابات نمایندگان جهت تشکیل مجلس مؤسسان شروع گردید. از همین رو داور، که تشکیل مجلس مؤسسان در پی تدبیر او به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود، به سرعت آیین-نامه-ی اجرایی و حقوقی مجلس مؤسسان را تدوین کرد و مجلس پنجم بی‌درنگ آن را تصویب نمود. [۱] همچنین نظام-نامه-ی انتخابات اعضای مجلس مؤسسان با در نظر گرفتن تمام اصول و موازین نظام-نامه انتخابات مجلس شورای ملی در ۱۴ ماده تنظیم گردید و به امضای رئیس حکومت موقتی (رضاخان) رسید. چند ماده از این نظام-نامه عبارت بود از:

ماده-ی اول: مجلس مؤسسان که برای تعیین حکومت قطعی مملکت منعقد می‌شود مرکب است از نمایندگانی که از طرف مراکز حوزه‌های انتخابیه-ی معینه در جدول ضمیمه-ی قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال ۱۳۲۹ هجری قمری انتخاب می‌شوند.

ماده-ی دوم: هر یک از مراکز حوزه‌های انتخابیه-ی مذکور در ماده-ی قبل [دو] مقابل عده‌ای را که مطابق قانون انتخابات برای عضویت مجلس شورای ملی معین شده است برای مجلس مؤسسان انتخاب خواهند نمود.

کرده بود «که اغلب آنها از روحانیون می‌باشند». فرمانده لشکر شمال‌غرب تلگراف کرد انتخابات آن نواحی آغاز شده است، اما «بنده اساساً به روحانیون اعتماد نمی‌کنم، متمنی است او امر لازم را به مشارالیه صادر فرمایند.» (۴۰) پاسخ داده شد «در این باب مستقیماً با حکومت زنجان داخل مذاکره شوید، دو نفر از روحانیون برای نمایندگی کافی است.» (۴۱)

به هر حال بعد از چنین انتخاباتی، مؤسسان در محل تکیه دولت تشکیل جلسه داد، ترکیب شرکت کنندگان در جلسه متنوع بود: از هیأت دولت گرفته تا نمایندگان این مجلس، از معترّین قوم و اعیان و اشراف کشور که تا سقوط همه جانبه شان گامی پیش نمانده بود گرفته تا هیأت‌های دیپلماتیک کشورهای خارجی، از فرماندهان قشون تا زندانیانی مثل شیخ خزعل همه و همه در این مجلس گرد آمده بودند تا تکلیف را مشخص نمایند. در این بین رضا خان که ساکن کاخ گلستان بود، در میان صدای گلوله‌های توپ این فاصله را تا تکیه دولت طی کرد، و از روی کاغذی که از پیش فراهم شده بود، متنی را خواند. رضا خان آشکارا صدایش می‌لرزید، یا به دلیل این که تحت تأثیر فضای حاکم بر جلسه قرار گرفته بود و یا به این دلیل که سواد خواندن و نوشتن نداشت و بیم داشت در آن جمع خطائی لفظی صورت گیرد. وزیر مختار آمریکا که مهمان جلسه بود، گزارش می‌دهد رضا خان با صدائی کوتاه که فقط نزدیکان به او توانستند صدایش را بشنوند، متن کوتاه را قرائت کرد.

جلسه بسیار خشک بود و بی روح، نه از گستری نواخته شد، نه شور و هیجانی ابراز گردید و نه آن انتظار طولانی حاضرین برای حضور رضا خان، به نحوی مقتضی بر آورده شد. وقتی رضاخان جلسه را ترک کرد، هیأت‌های دیپلماتیک هم خارج شدند و به این شکل کار مجلس مؤسسان رسماً شروع شد. مجلس مؤسسان از پانزدهم آذرماه تا بیست و دوم آن ماه، مشغول بحث و بررسی برای تغییر موادی از قانون اساسی بود. با تغییر مواد ۳۶، ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی سلطنت به رضا خان منتقل گردید که از مدتی پیش نام خانوادگی پهلوی را برای خود برگزیده بود، نام خانوادگی ای که در اصل متعلق بود به محمود علامیر، وقتی این فامیل به رضا خان داده شد، محمود نام فامیل خود را هم محمود نهاد. [۲] اصل نام متعلق به محمود محمود نویسنده مجموعه «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» در ۸ جلد می‌باشد. بنام محمود پهلوی بود پس از آن که رضاخان میرپنج همان نام را برای نام خانوادگی اش انتخاب کرد. وی مجبور گردید نام دیگری انتخاب کند که نام خانوادگی خود را محمود گذاشت! [۳] بر اساس این تغییرات ادامه سلطنت در نسل رضا خان به رسمیت شناخته شد، بزرگترین فرزند ذکور این نسل ولیعهد قانونی به شمار می‌رفت، اگر شاه فرزند ذکور نداشت، تعیین تکلیف این که چه کسی باید جانشین شاه شود، با مجلس مؤسسان بود؛ مادر شاه قانونی هم نباید از خاندان قاجار باشد. به این تغییرات ۳۵۷ نفر رأی موافق و تنها سه تن رأی ممتنع دادند، بیست و چهارم آذر ماه آن سال مراسم تحلیف به جای آمد و روز بیست و پنجم آذر ماه، «رضا خان سردار سپه» رسماً با عنوان «رضا شاه پهلوی» بر تاج و تخت دست یافت. همان روز جرج پنجم پادشاه انگلستان آغاز سلطنت رضا خان را تبریک گفت و رضا خان هم در پاسخ اطمینان داد در دوره حکمرانی او روابط دو کشور بیش از پیش گسترش خواهد یافت. بیست و نهم آذرماه، محمد علی فروغی به عنوان نخستین رئیس الوزرای دوره پهلوی، حکم خویش را از رضا شاه دریافت کرد.

به این شکل، خودکامه مورد نظر ما یعنی رضا خان، با آخرین نبرنگ سیاسی بر نخستین بلکان سلطنت تکیه زد؛ او اکنون به شکلی مملوس تر رو در روی مردم، قرار می‌گرفت. قدرتی که رضا خان با چنگ و دندان به دست آورده بود، حق استفاده از آن را نیز به وی اعطا می‌کرد. رضا خان قدرت خود را با گسترش خوف و وحشت به دست آورد، او نمی‌توانست از این عامل برای ادامه قدرت خود دست بردارد؛ زیرا در این صورت خود از بین می‌رفت. از آن سوی مدارک اداره اسناد عمومی بریتانیا گواهی است بر این موضوع که بریتانیا در صعود قزاق به اریکه سلطنت نقش اساسی داشته است. شخص رضا خان در گفتگویی با لورین در اولین ملاقاتی که بعد از تغییر سلطنت صورت گرفت به صراحت گفت، بریتانیا و نمایندگانش در ایران او را یاری داده‌اند. او حتی گذشته استعماری بریتانیا در ایران را توجیه کرد و گفت کاملاً درک می‌کند که انگلستان در گذشته «مجبور» بوده است در امور ایران دخالت نماید، اما وی بر آن است تا وضعیتی شکل دهد که دیگر مداخله مستقیم لازم نباشد. رضا خان تأکید کرد یک ایران قدرتمند چه بسا بتواند «بخشی از مسئولیت سنگین بریتانیا را که هم اینک در شرق دارد، به دوش گیرد.» (۴۲) لورین هم ابراز احساسات علنی رضا خان را به این شکل جبران کرد که در اوایل دیماه سال ۱۳۰۴ مهمانی ناھاری ترتیب داد و در آن تلاش کرد برخی از مخالفین دیرینه رضا خان را با او آشتی دهد، در این جلسه، صولت الدوله قشقایی و شیخ خزعل در کنار ابراهیم قوام الملک شیرازی حضور داشتند. لورن می‌خواست کدورت دیرین بین صولت الدوله و بریتانیا را از بین ببرد و خزعل و قوام الملک را هم دعوت کرد تا حمایت خود و دولت متبوعش از رضا خان را به رخ آنان بکشاند. پس از صرف ناھار لورن از یکایک سران عساکر حاضر در جلسه خواست سوگند یاد کنند به رضا خان وفادارند و با حکومت بریتانیا «دوستی پایدار» (۴۳) دارند، حکومتی که هر کدام از حاضرین «بزرگی و دانائی اش را ستوده اند.» (۴۴) اینک بریتانیا تا حد زیادی به اهداف بلند مدت خود دست یافته بود، اکنون مردی به سلطنت رسیده بود که حتی نمی‌دانستند با مسئله تاجگذاری او چه کنند.

در دوره قاجار این سنت رایج بود که سالخورده ترین عضو خانواده تاج شاهی را بر سر سلطنت جدید می‌نهاد، اما در خانواده رضا شاه فردی مناسب نبود تا این مهم را انجام دهد و البته به ناگزیر این فکر به کناری نهاده شد. دیگر این که استقرار رضا خان بر تخت طاووس نشانی بود از تطبیق منافع بریتانیا در ایران بر اوضاع و احوال داخلی و جهانی؛ هر چند لورین تحولات ایران این زمان را به سرکردگی رضا خان منطبق می‌دانست با تحولات اوضاع و احوال و نه اجرای نقشه ای مشخص و یا محقق ساختن آرزوی دیرینه؛ (۴۵) اما حقیقت این است که منطبق ساختن اندیشه با اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران، ابتکاری بود



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و سی و یکمین سالگرد تولد دکتر مصدق»

ماده‌ی واحده مطرح گردید و سپس از بیانات و اظهار نظر جمعی از نمایندگان نسبت به کلیه‌ی لایحه (مجموع اصول) با ورقه اخذ رأی شد و با اکثریت ۲۵۷ نفر از ۲۶۱ نفر عده‌ی حاضر به تصویب رسید و تنها سه نفر ایشان متمنع بود. بدین ترتیب با اصلاح سه اصل ۳۶، ۳۷ و ۳۸ متمنع قانون اساسی سلطنت مشروطه ایران به رضاشاه پهلوی تقویض شد و در اعقاب ذکور ایشان نسل بعد نسل برقرار گردید. هم‌چنین پیش‌بینی شد که ولایتعهدی با پسر بزرگ‌تر پادشاه که مادرش ایرانی-الاصل باشد خواهد بود و نیز در موقع انتقال سلطنت، ولیعهد وقتی می‌تواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد. [۲۲] پس از تصویب اصول مذکور بنا به پیشنهاد رئیس (مستشارالدوله) و بر طبق مواد ۶۳ و ۶۴ نظامنامه یک هیئت ۳۶ نفری به حکم قرعه از طرف مجلس مؤسسان برای عرض تبریک و تقدیم یک نسخه از مصوبه‌ی مجلس مؤسسان، خدمت شاه جدید، رضاشاه، انتخاب گردید. [۲۳] نسخه‌ی ثانی نیز برای دولت فرستاده شد. [۲۴] پنجمین و آخرین جلسه‌ی مجلس مؤسسان در روز یکشنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۰۴ تشکیل شد و پس از تصویب صورت جلسه‌ی قبل، پس از نطق‌های تندی (رئیس مجلس شورای ملی) و مستشارالدوله (رئیس مجلس مؤسسان) در مدح و ثنای رضاخان، پایان پذیرفت. [۲۵]

مستشارالدوله در این جلسه گفت: «در این دوره‌ی ترقی و تکامل که دنیا سیر می‌نماید، ملت ایران در تحت تأثیر و فشار مقتضیات وقت قدم بلندی به طرف سعادت خود برداشته و علت-العلل بدیختی خود را از سر تشخیص داد، یعنی فهمید و جهات عقب افتادن از قافله‌ی تمدن دنیا را از سر تشخیص داد و دانست که برای تهیه‌ی آن موجبات ترقی و تعالی مملکت اول باید سر را بلند کرد، یعنی باید برای مملکت پادشاهی انتخاب کند که در فکر اصلاحات و ترقی و سعادت مملکت باشد...» [۲۶]

رضاشاه، پادشاه جدید ایران ۲۴ آذرماه ۱۳۰۴ در مجلس شورای ملی دوره‌ی پنجم حضور یافت و طبق قانون اساسی مراسم تحلیف را به جای آورد. [۲۷]

مصوبه مجلس مؤسسان اول

ماده‌ی واحده: مجلس مؤسسان سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ متمنع قانون اساسی مصوبه‌ی بیست و یکم آذرماه ۱۳۰۴ را به جای سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ سابق متمنع قانون اساسی قرار داده، سه اصل سابق را ملغی می‌داند. اصل سی و ششم مصوب مجلس مؤسسان: سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت به وسیله‌ی مجلس مؤسسان به شخص اعلی-حضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تقویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسل بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی و ششم منسوخه: سلطنت مشروطه ایران در شخص اعلی-حضرت شاهنشاهی السلطان محمدعلی شاه قاجار ادا-الله سلطنت و اعقاب ایشان نسل بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی و هفتم مصوب مجلس مؤسسان: ولایتعهدی با پسر بزرگ‌تر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل باشد خواهد بود در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولایتعهدی بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی به عمل خواهد آمد مشروط بر آن-که آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در هر موقعی که پسر برای پادشاه به وجود آید حق ولایتعهدی با او خواهد بود.

اصل سی و هشتم منسوخه: ولایتعهدی در صورت تعداد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل و شاهزاده باشد می‌رسد و در صورتی که برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت اقرب فالاقرب به رتبه‌ی ولایتعهدی نایل می‌شود و هرگاه در صورت مفروضه‌ی فوق اولاد ذکوری برای پادشاه به وجود آید حق ولایتعهدی به او خواهد رسید.

اصل سی و نهم مصوب مجلس مؤسسان: در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می‌تواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد اگر به این سن نرسیده باشد نایب-السلطنه از غیر خانواده‌ی قاجار از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

اصل سی و دهم منسوخه: در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می‌تواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که سن او به هیجده سال بالغ باشد. چنانچه به این سن نرسیده باشد با تصویب هیات مجتمعه‌ی مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب-السلطنه‌ای برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود.

اصل چهلم که به حالت اول باقی ماند: همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب می‌شود نمی‌تواند متصدی این امر شود مگر این-که قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد. [۲۸] (II)

«محمد قلی مجد در باره «انتخابات مجلس مؤسسان اول» به استناد «اسناد وزارت امور خارجه آمریکا» می‌نویسد: نظامنامه انتخاب اعضاء و وظایف مجلس مؤسسان بدون قوت وقت اعلام شد. روزنامه ستاره ایران در شماره ۲ نوامبرش (۱۹۲۵) خواهان اقدام عاجل جهت خاتمه کار دولت موقت و استقرار رژیم جدید «پادشاهی انتخابی با پادشاهی آقای پهلوی» شد.

اموری می‌افزاید: «ایران (۳ نوامبر) نظامنامه ناظر بر انتخابات اعضاء تشکیل و کارمجلس مؤسسان برای تعیین شکل دائمی حکومت منتشر می‌کند. این روزنامه همچنین دستور آقای پهلوی به وزیر داخله مبنی بر انتشار و اجرای فوری نظامنامه فوق را به چاپ رساند. طبق نظامنامه مزبور انتخاب اعضای مجلس مؤسسان به همان شیوه انتخاب نمایندگان مجلس صورت می‌گیرد، ولی تعداد نمایندگان هر حوزه انتخابیه در مجلس مؤسسان دو برابر تعداد نمایندگان همان حوزه در مجلس شورای ملی خواهد بود، و نامزدی نمایندگان مجلس پنجم (مجلس فعلی) برای عضویت در مجلس مؤسسان بلامانع است. شرایط نامزدهای مجلس مؤسسان و نیز رأی دهندگان همان است که در قانون انتخابات برای نمایندگان و رأی دهندگان پیش بینی شده است. مجلس مؤسسان

به محض اینکه دو سوم اعضایش در تهران حاضر شوند، کار خود را با دستور رئیس دولت موقت آغاز خواهد کرد. مجلس مؤسسان پس از تعیین دولت دائم محل خواهد شد.»

انتخابات مجلس مؤسسان در ماه نوامبر ۱۹۲۵ برگزار شد: «رویدادهای هفته گذشته روندی نسبتاً آرام و بی دردسر داشته است. در واقع از ظواهر امر چنین برآمد که حتی می‌توان گفت که دوره استثنائاً آرامی بوده است. روزنامه‌ها بیشتر صفحات خود را به اخبار انتخابات مجلس مؤسسان اختصاص داده اند، ولی اخبار منتشره کلاً ماهیجی مکانیکی دارند. و صرفاً پیشرفت و نتایج انتخابات را منعکس می‌سازند. به طور کلی هیچ خبری از اخبار مهمتر، یعنی حال و هوای مردم و افکار عمومی، در این صفحات به چشم نمی‌خورد. بدیهی است کسانی که قدرت را در دست دارند می‌کشند تا انتخابات با کمترین تأخیر ممکن انجام شود، درست همانطور که پیش بینی می‌شود پس از تشکیل مجلس مؤسسان نیز همان‌ها برای تسریع هر چه بیشتر اقدامات به اعضای مجلس فشار می‌آورند تا فرصت را از آنها بگریزاند. همانطور که «جنبش ملی» شور و شوقی در مردم نیاکیخته بود، انتخابات مجلس مؤسسان نیز واقعا علاقه‌ای در مردم ایجاد نکرد. بسیاری از واجدین حق رأی پای صندوق‌ها حاضر نشدند و جایی که جهل و فقر ریشه دوانده باشد جز این انتظار نیست، ولی در این مورد خاص بیشتر مردم احساس می‌کنند که نتیجه از پیش تعیین شده و همین مزید بر علت شده است. نتیجه شمارش آراء حوزه انتخابیه تهران تازه دارد اعلام می‌شود. در میان نامزدهایی که بیست و هفت نفر رأی را آورده اند اسامی کسانی به چشم می‌خورد که در داخل و خارج از مجلس حامیان جدی «جنبش ملی» بودند.

پیش بینی می‌شود که بسیاری از وکلای مجلس کنونی به مجلس مؤسسان راه یابند. در کل، به تدریج دارد روشن می‌شود که منتخبین این مجلس معرف طبقه جدیدی در عرصه سیاست ایران هستند، و اینک پهلوی و جنبش او دارند از عناصری استفاده می‌کنند که تاکنون نفوذ چندانی در جامعه نداشتند، که شاید بتوان گفت احتمالاً سیاستمدارانی پراورزی تر هستند، ولی نسبت به کسانی که مردم ایران در حکم طبقه حاکم به آنها عادت کرده اند، شخصیت و اصالت کمتری دارند.» اموری نمونه‌ای از گزارش روزنامه‌ها را در باره انتخابات در گزارش خود ذکر می‌کند: «روزنامه ایران (۱۰ نوامبر): بیانه آقای پهلوی، رئیس دولت موقت، را منتشر می‌کند که تا پایان برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان حکومت نظامی اعلام نخواهد شد. روزنامه شفق سرخ (۱۵ نوامبر): انتخابات مجلس مؤسسان در تهران که از ۱۰ آغاز و تا ۱۴ نوامبر ادامه داشت، دیروز بعد از ظهر پایان یافت، کلاً ۲۷۵۰۱ نفر رأی دادند. (توضیح: این رقم تقریباً یک سوم واجدین حق رأی است...) روزنامه ستاره ایران (۱۶ نوامبر): این روزنامه در سرمقاله خود به دلیل حضور پرشور مردم تهران در انتخابات اعضای مجلس مؤسسان به آنها تبریک گفت. شمار آراء حاکی از علاقی وافر مردم به مسئله حاکمیت ملی است...»

روزهای ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ نوامبر: همه روزنامه‌ها گزارش‌هایی تلگرافی از پیشرفت و نتایج انتخابات مجلس مؤسسان در ایالات مختلف منتشر کردند. لحن این گزارش‌ها به گونه‌ای است که گویی دارند گل‌های سرسبز این مملکت را بر روی امواج شور و اشتیاق مردم ایران به تهران می‌فرستند! اموری در گزارش مطبوعاتی خود به آن اشاره کردم در دو هفته گذشته نیز ادامه داشت. با وجود این، با نزدیک شدن زمان تشکیل مجلس مؤسسان، جریان‌هایی که قبلاً هم تا حدودی قابل تشخیص بودند شکل قطعی تری به خود می‌گیرند... ولی بیش از هر چیز دیگر شاهد انزجار و تفرق روز افزون مردم از شیوه عمل اخیر پهلوی هستیم. ناراضی مردم ولایات مختلف از رفتار خود سرانه، نامعقول و مزورانه بسیاری از افسران ارتش و این احساس روز افزون به پهلوی و ارتش - که معرف قدرت سیاسی و نظامی اوست -

از موفقیت خود برای تأمین هر چه بیشتر منافع شخصی شان استفاده می‌کنند، مزید بر علت شده است میزان وفاداری و حمایت زیر دستان پهلوی از او معلوم خواهد کرد که چنین احساسی چقدر ممکن است به عملی تعیین کننده تبدیل شود. ولی از آنجا که ... ارتش و، از قضا، سرویس اطلاعاتی آن به طور قابل ستایشی سازمان یافته اند، در حال حاضر اجازه هیچگونه نافرمانی و رقابتی را نخواهند داد... اعلامیه‌های اخیر او را مثنی دروغ خوانده اند. اگر قبول می‌کردیم که تیش خیر و بی شائبه است، شاید می‌شد با اغماض بیشتری به شیوه طراحی «جنبش ملی» و برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان نگاه کرد.»

گزارش اموری در باره افتتاح مجلس مؤسسان توسط رضا خان | در تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۲۵ گزارشی کلاسیک است. محل برگزاری جلسه:

تکیه دولت که مجلس مؤسسان جلسات خود را در آن تشکیل داد تالار مدور بسیار بزرگی با دیوارهای آجری و سقفی بزرگی است که شیره‌های ایرانی نقاشی شده روی آن خود نمایی می‌کنند. این مکان یک نسل پیش به دستور ناصرالدین شاه برای اجرای تکیه ساخته شد. اما چنانکه می‌گویند از این مکان بیشتر برای نمایش‌های سبک غیر مذهبی استفاده می‌شد. سکوی بزرگی در مرکز تکیه قرار دارد. اعضای مجلس به شکل نیمدایره ای بزرگ رو به یک سمت سکومی نشستند. مأموران ادارات دولتی نیز سمت دیگر سکومی نشستند. نمایندگان هیات‌های دیپلماتیک نیز درست بالای سراسرای مجلس مؤسسان و روبروی آن قسمت از نسکو می‌نشستند که حکم جلوی سکو را داشت. اشخاصی که در این جلسه شرکت داشتند، معرف طیف وسیعی از اقشار اجتماعی و سیاسی ایران امروز بودند.

افسران ارتش، روحانیون و مقامات دولتی نیز در این جلسه شرکت داشتند. در اطراف سکو، علمای معزز یا همان نمایندگان مرتجع ترین قشر ایران که پهلوی در پیشبرد جنبش خود مصالحه با آنها را لازم دیده بود، با ریشی انبوه و عمامه‌ای به سر و عبا بی بر تن چهارزانو نشسته بودند. سه رئیس الوزرای سابق، فرمانفرما، سپهسالار اعظم و صمصام السلطنه به همراه سفالدوله، صدر اعظم پیشین، به نرده‌های سکو تکیه داده و با روی پله‌ها نشسته بودند. هر کدامشان بالای هشتاد

سال سن داشتند و زمان تصدی شان اتفاقی افتاده بود که حالا بیشتر به تاریخ باستان می‌مانست. ملاهای زیادی در میان اعضای مجلس مؤسسان دیده می‌شدند. شیخ محقره که یکسال پیش در حکم زندانی سیاسی از خلیج فارس به تهران منتقل شده بود در لباس عربی‌اش کاملاً به چشم می‌آمد. نزدیک به هرگز سکو تعداد زیادی از ژنرال‌های ارتش ایستاده بودند. در یک طرف دیگر سکو همه کارمندان خارجی دولت ایران نشسته بودند که تعداد مستشاران مالی آمریکا از همه شان بیشتر بود. همه کلاه به سر داشتند. در آخر، وزرای دولت در لباس‌های رسمی زبان دارشان وارد جلسه شدند و کنار میز وسط سکو قرار گرفتند. سپس همگی قیام کردند. در این هنگام، پهلوی با اونیفورم نظامی و کاملاً تنها وارد تکیه شد. در طول نیم ساعتی که از محل اقامتش راهی تکیه بود، توپ‌ها با شلیک گلوله آمدن او را به همه خبر داده بودند. او به جایگاهی بر روی سکورفت و نطق کوتاهی ایراد کرد که به ضمیمه این گزارش ارسال شده است. شاید به دلیل وضعیت آگوستیک بد محل و شاید هم به دلیل اینکه خودش نمی‌خواست با صدای بلند صحبت کند، حرف‌هایش را فقط آنهایی شنیدند که نزدیک سکو نشسته بودند. پس از اتمام نطق پهلوی، ملاهایی که به منظور تمجید و تحسین پایین سکو نشانداده بودند به هنگام پایین آمدن سکو از پله‌های شروع به تحسین او کردند تا اینکه پهلوی از تکیه بیرون رفت و اعضای کابینه نیز پس از او از محل خارج شدند.

نمایش پهلوی تا حدودی مایوس کننده بود. تالاری با این عظمت، حضور طیف عظیمی از نمایندگان مردم و آن همه انتظار برای ورود او شایسته پادشاهی بسیار تماشایی تر و تأثیر گذار تر بود. یک از کستر نظامی، استقبالی پر شور تر و نطق طولانی تر برای تکمیل این تصویر مناسب تر بود. اما حضار به تحسین و تشویق کوتاه و اندک بسنده کردند. فضا به کلی خالی از شور و هیجان بود. ایرانی‌ها این رویداد را نمایشی بیش تلقی نمی‌کردند. پس از خروج پهلوی از تکیه، نمایندگان دیپلماتیک و سایر تماشاچیان ساختمان را ترک کردند و مجلس مؤسسان کار خود را آغاز کرد.

انتخاب رضا خان به پادشاهی و نقش بریتانیا

مجلس مؤسسان به مدت یک هفته، از ۶ تا ۱۳ دسامبر ۱۹۲۵، تشکیل جلسه داد و سه اصل قانون اساسی را اصلاح کرد و در روز سیزدهم دسامبر محل شد. اصل ۳۶: سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت به وسیله مجلس مؤسسان به شخص اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تقویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسل بعد نسل برقرار خواهد بود... اصل ۳۷: «ولایتعهدی با پسر بزرگ‌تر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل باشد خواهد بود در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولایتعهدی بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی به عمل خواهد آمد مشروط بر آن که آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در هر موقعی که پسر برای پادشاه به وجود آید حق ولایتعهدی با او خواهد بود.» اصل ۳۸: «در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می‌تواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد اگر به این سن نرسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانواده‌ی قاجار نباشد برای او انتخاب خواهد شد.» این تغییرات با ۲۵۷ رأی موافق در مقابل سه رأی متمنع به تصویب رسیدند. «با توجه به شرایط شاید بتوان نتیجه کار [مجلس مؤسسان] را کاملاً رضایت بخش تلقی کرد... مجلس کارش را سریع و منظم به انجام رساند: در واقع، مدیریت و توانایی حوادث اقتدر منظم و سامان یافته بود که دشوار می‌توان شایعات جاری را مبنی بر اینکه مجلس از مشورت‌های دوستانه نماینده دیپلماتیک بریتانیا بی بهره نبوده است باور کرد... تا بحال اخبار هیچ شواهدی که دال بر تأیید مستقیم روس‌ها بر روند رویدادهای اخیر باشد به دست نیامده است. روس‌ها برای براندازی به روش‌هایی متکی هستند که در مقامیسه با روش‌های ماهرانه انگلیسی‌های کار کشته بسیار ناشیانه و بچگانه به نظر می‌رسد.»

رضا خان | در ۱۵ دسامبر ۱۹۲۵ سوگند یاد کرد و ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵ نیز به عنوان تاریخ جلوس رسمی وی بر تخت سلطنت تعیین شد. روزنامه ایران در شماره مورخ ۱۶ دسامبرش می‌نویسد: «تلگرام‌های زیرمیان اعلیحضرت پادشاه جورج و رضا شاه پهلوی رد و بدل شد.» لندن، ۱۴ دسامبر. مناسب میمون جلوس اعلیحضرت به تخت سلطنت را مقتنم شده و تبریکات بی شائبه خود را تقدیم می‌دارم و خالصانه امیدوارم که در دوران سلطنت اعلیحضرت ایران از فواید مواهب صلح و آرامش منتفع گردد و در این دوران پیشرفت و ترقی، احساسات مودت آمیز من و مردم من نسبت به مردم ایران قوت بیشتری پیدا کند. از صمیم قلب آرزومندم که این دوران جدید برای اعلیحضرت و مردم ایران توأم با افتخارات بیشتری باشد. (امضا) جورج، پادشاه و امپراطور.» پاسخ رضا شاه: «تهران. مراتب سپاسگزاری عمیق خود را از احساسات مودت آمیز و تبریکات اعلیحضرت به مناسبت جلوسم به تخت سلطنت به عرض می‌رسانم. اطمینان کامل دارم که در دوران حکمرانی اینجانب روابط حسنه میان دو کشور پیش از پیش قوت و گسترش خواهد یافت. موقع را مغتنم شمرده و از جانب خود و مردم ایران کامیابی اعلیحضرت و خانواده سلطنتی وهمچنین شکوه و بزرگی مردم انگلستان را آرزو می‌کنم. (امضا) رضا شاه.» اموری در ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵ چنین می‌نویسد: «دغدغه بریتانیا برای روی کار آمدن موقت دولت جدید هر روز آشکارتر شده است... می‌توان گفت وزیر مختار بریتانیا برای جلب موافقت سایر سفارتخانه‌ها با روی کار آمدن رژیم پهلوی تلاش زیادی کرده و انصافاً هم موفق بوده است.» او در تاریخ ۳۱ دسامبر نیز می‌نویسد: «دو هفته اخیر سرشار از حوادث بوده است. کار مجلس مؤسسان با روی کار آمدن حاکم جدید به پایان رسید...»

توضیح: بعلت محدود بودن جا در نشریه انقلاب اسلامی، کامل آن در سایت انقلاب اسلامی خواهد آمد.

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵۰ و خارج از اروپا ۳۸۰ ایر و اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸۰ و خارج از اروپا ۲۰۰ ایر و لطفاً کنید و چک نخرید. وجه اشتراک را نقد و یا پست سفارشی یا به حساب بانک وایر فرمایند.

توجه! درج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی و مجری نیست و تنها عنوان بحث آزاد ملتی و صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان و منابع مندرج بوده. این نشریه در مقابل آنها هیچگونه مسئولیت محتوایی و حقوقی را ندارد. توجه! نویسندگان محترمی که مقالاتشان در نشریه چاپ شود، توجه فرمایند که چاپ مقالات آنها در صورتی خواهد بود که تا قبل از انتشار نشریه، در رسانه دیگری صورت الکترونیکی و غیر آن نشر نیافته باشد یا با نشریه اشتراک نداشته باشد.

شماره ۸۳۴ ۲۱ مرداد تا ۳ شهریور ۱۳۹۲ S.16 Nr. 834 12 - 25 August 2013

شورا؟

دموکراسی بر اصل انتخاب نیز، هر چند مجلس ها منتخب هستند و رئیس جمهوری و وزیران (یا نخست وزیر و وزیران در کشورهای دارای رژیم سلطنتی) نیز، از راه انتخابات، مقام و موقعیت می جویند، اما نه جامعه ها باز هستند و نه نظام شورائی است. جای هزار افسوس نیست که داشته خود را که ترجمان حقوق ذاتی هر عضو جامعه و حقوق جمعی اعضای جامعه است، بخاطر توجیه ولایت مطلقه فقیه که حکم زور و انکار خدا است، از دست فرو گذاریم؟ بدین خاطر نیست که جامعه های مسلمان همه استبداد زده و گرفتار استبداد هستند؟

● محمد حمید الله نیز این سان ترجمه کرده است: «کسانی که امرشان موضوع شورا میانشان است». ذیل ترجمه، او توضیح داده است:

«آیه مهمی است که برجسته می کند ویژگی های اسلام را. زیرا اساس جامعه ای که قرآن در نظر دارد شورای جمهور مردم، «دموکراسی است».

۲/۳. سوره که عنوانش شورا است می گوید شورا محلی است که کسانی با صفاتی توانا به اداره نظام شورائی، به شور می نشینند و از رهگذر شور با یکدیگر، امر را پدید می آورند. تفاوت این شورا با مجالسی که کارشان تصدیق و تصویب امر مستبد است، در این است که

الف- ولایت را از غیر خدا سلب می کند و پیامبر را از صفات دیگری میرا می کند که به او امکان می دهند نخست امر را پدید آورد و سپس از شورا بخواهد آن را تصدیق و تصویب کند. (آیه های ۶ و آیه ۱۵ و ۳۱ و ۴۸ و ۵۲ و ۵۳) و

ب- تصمیم در بیرون از شورا را نفی می کند. و

ج- زبانی که در معرفی اعضای جمعی که «امرشان شورا میانشان است» بکار می برد، زبان آزادی است. نه تنها صفات اعضای جمع خالی از زور است، بلکه کسانی هستند که از راه گذشت، عصبانیت را فرو می شانند و از حق دوستی با یکدیگر برخوردارند (آیه های ۱۳ و ۲۳ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۳ و ۴۰).

د- در همین سوره، اعضای جمع دیگری معرفی می شوند که خالی از صفات مؤمن و بر از صفات غیر مؤمن هستند: در زندگی اینان، قدرت (= زور) نقش اول را بازی می کند. چون ولئی غیر خداوند بر خود می گمارند، زندگی آنها خشونت آمیز می شود. از توحید اجتماعی محروم و گرفتار تضاد و تفرقه می گردند (آیه های ۸ و ۱۴) - ه از پیامبر می خواهد از هوی و هوس چنین کسان پیروی نکند و به آنها بگوید مأمور برقراری عدل میان شما هستیم. عمل ما ما را و عمل شما شمارا هستند (آیه ۱۵).

و- دو بیان، یکی بیان حق و عدل بمتابجه میزان و دیگری بیان ناحق و ظلم دو جامعه پدید می آورند: یکی جامعه داد پیشگان که امرشان شورا میان آنها است و دیگری ستم پیشگان با دو فرجام (آیه های ۱۷ و ۲۲ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۴۲ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷) - ز- به انسانها هشدار می دهد که مصیبت را از عمل خود دارند (آیه ۳۰).

۳/۳. برای این که قرآن شفاف و بدون اعوجاج باشد، از جمله، زبان آن می باید زبان آزادی باشد. چرا که زبان قدرت، زبانی است که، در آن، کلمه ها و جمله ها، بار زور دارند و بمیزانی که بار زور دارند، مبهم هستند. هم ترجمه ای که ناقد نقل کرده است و هم توضیح آن، مبهم هستند. هم به این دلیل که بایکدیگر خوانائی ندارند. به شرح بالا، در ترجمه، سخن از جمع و در توضیح آن سخن از فردهایی است که در کارهای خود شور می کنند. و هم به این دلیل که بیان روشن قرآن، در ترجمه مبهم می شود. توضیح این که بوده اند کسانی که گفته اند شور بررسی و غور به قصد رسیدن به حقیقت است. صاحب المیزان قول این کسان را نیز آورده است: «از گفتار بعضی از ایشان برمی آید که کلمه «شورا» مصدر است، و بنا به گفته آنان معنا چنین می شود: کار مؤمنین مشاورت در بین خویش است». اما این معنی علاوه بر این که ناقض شورائی است که در مدینه برقرار بود، مبهم نیز هست. زیرا «کار مؤمنان مشاورت بایکدیگر است»، نیاز به بیان چگونگی این مشاورت و شیوه عمل به نتیجه شور یا تصمیم در باره آن و اجرا دارد. حال آنکه وقتی می گوئیم امرشان شورا میانشان است. هم واجد شور کردن است و هم ترتیب شور کردن معین می شود که تشکیل شورا است و هم در بر می گیرد دو امر بسیار مهم را: یکی این که امر در بیرون شورا ایجاد نمی شود و توسط شورا ایجاد می شود. و دیگر این که تصدی اجرای امر نیز با شورا است.

رفع تناقض های بر شمرده به نفی ولایت فقیه و اثبات شورا و راجع شدن امر در ایجاد و اجرا به شورا است.

۴- ناقد به آیه ۱۱۶ سوره انعام استناد کرده است. ترجمه همچنان ناصحیح است. چرا که سخن از ساکنان «این سرزمین» نیست. سخن از مردم روی زمین است. سخن از ایجاد امر توسط شورا و ولایت شورا نیست، سخن از اندیشه راهنما است. آیه بیانگر حقی از حقوق انسان و آن، استقلال و آزادی در اندیشه راهنما است. فرق است میان مقام داشتن و یا یافتن اندیشه راهنما و عضو شورائی بودن و امری را ایجاد کردن. بنا بر این فرق، در باور، اطاعت نیست. در اجرای امر اطاعت هست. بدین قرار، هرگاه تمامی مردم روی زمین بر یک باور باشند، کسی که بر آن باور نیست، حق دارد، باور دیگری داشته باشد و به آن عمل کند. او را نمی توان و نباید ناگزیر کرد از باور همه دیگر انسانها پیروی کند.

از این مهم غافل ماندن، و به این آیه استناد کردن، هنوز بی محل است. چرا که نزاع بر سر ولایت فقیه از مشروط و مطلق است. آیه به پیامبر می گوید از اهل ظن و گمان، در باورشان، پیروی مکن. اما نمی گوید او بر این مردم و نیز بر مردمی که به دین او ایمان می آورند، ولایت دارد.

هرگاه ناقد به آیه های دیگر قرآن رجوع می کرد، در می یافت که حتی وقتی ولایت مؤمنان و مؤمنان بر یکدیگر (= رابطه حق با حق) تجویز می شود، در عقیده، هرگونه ولایتی سلب می شود. این آیه، همان اصل را باز می گوید.

افزون بر این - طباطبائی در المیزان، در تفسیر این آیه، ظن و تخمین را در امور جزئی زندگی و قلمرو دانش، کاری دانسته است که معمول است. اما در اساس باور، خداوند جز به علم و یقین راضی نمی شود. در پذیرفتن اندیشه راهنما، آدمی نباید از آنچه بدان علم ندارد، پیروی کند. هر چند راست است که نظریه ساختن بخشی از فراگرد دست یافتن به علم است، اما نظریه را علم قطعی انگاشتن و از آن پیروی کردن روا نیست. بجا بود که طباطبائی به این مهم توجه می کرد. چرا که قرن بیستم، قرن بیشترین کشتارها در پیروی از این و آن نظریه ای شد که علم قطعی انگاشته می شدند.

و نظریه را علم قطعی انگاشتن و از آن پیروی کردن، امر واقعی نیست که تنها در قرن بیستم رویه شده باشد. بلکه یک امر واقع مستمر است. از این رو، قرآن، جای جای، به یاد انسان می آورد که از آنچه بدان علم ندارد، پیروی نکند. مهمتر از این، به او می آموزد: کسی که اندیشه راهنمایی را بر حق می داند و علم می پندارد و از آن پیروی می کند، علامت نیک پنداری او اینست که خشونت در کار نیارد. به این دلیل که روش علم است و ترویج علم نیز نیاز به خشونت ندارد. اگر دین دین حق است، پس منزه از ناحق است. بنا بر این، «در دین اگر راه نیست» هم به این معنی است که به زور نباید کسی را به پذیرفتن دین مجبور کرد و هم بدین معنی است که دین وقتی حق و علم است، خالی از زور است. علامت آن نیز این که بکار بردن رهنمودهایش، نیاز به زور ندارد. عمل به حق و علم نیاز به نبود زور دارد. عمل نکردن به حق است که نیاز به زور دارد. هر کس در صدد شود در کار خود تأمل کند، متوجه می شود زمانی زور در کار می آورد که به حق عمل نمی کند. دلیل قول و فعل زور در خود چنین قول و فعلی نیست. آدمی که زور بکار می برد، برای آن توجیه می سازد. حال آنکه دلیل قول و فعل حق در خود نیست. چنانکه آیه را وسیله توجیه ولایت فقیه از سونی و بی اعتبار کردن شورا از سوی دیگر کردن، نیاز به دلیلی دارد که در خود آیه نیست. نزد ناقد است. ناقد است که نظر خویش را حق انگاشته و در پی توجیه آن شده و در رجوع به قرآن به منطق صوری بسنده کرده و آیه را وسیله توجیه نظر خود ساخته است. حال آنکه استقلال و آزادی انسان در عقیده و ضرورت اطمینان از حق و علم بودنش، رهنمود روشن آیه است و دلیل نیز در حقی است که هر انسان، دارد و آیه آن را بیان می کند.

پس بکار بردن زور، چه در مقام عمل به دین و خواه در مقام ترویج دین، گزارش می کند و به فریاد، که دین نه دین حق که قول زور است. از این رو، به پیامبر می آموزد که نمی تواند به زور کسی را به دین بگرداند (یونس، آیه ۹۹) و: اندیشه و قول و فعل ها که موضوع احکام قرآن شده اند، تمامی واجب ها و مستحب ها عمل به حقوق و اندیشه و قول و عمل پسندیده هستند و خشونت زدائی، از پندار و گفتار و کردار، هرآنچه زور در بردارد، یا حرام و یا مکرواست.

۵- ناقد می نویسد:

در مورد فقره اولوا الامر منکم: گفتید که منظور مسؤولین منصوب از طرف خود مردم است در حالیکه این فقره می تواند معنای دیگری هم داشته باشد که بر اساس آن، آیه می فرماید از حاکمان غیر از خدا و رسول که از جنس خود شما هستند اطاعت کنید زیرا تعبیر

"منکم" یعنی «از شما» و دیگر دلالتی ندارد که منظور از «طرف شما» ست یا اینکه «از جنس شما» ست مضافاً به اینکه در آیات دیگر تعبیر "منکم" آمده است و معنایی را که ما گفتیم می دهد مثلاً می فرماید:

کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿البقرة: ۱۵۱﴾

ترجمه: همان طور که در میان شما، فرستاده ای از خودتان روانه کردیم، [که] آیات ما را بر شما می خواند، و شما را پاک می گرداند، و به شما کتاب و حکمت می آموزد، و آنچه را نمی دانستید به شما یاد می دهد.

بنابراین منکم در "فقره اولوا الامر منکم" میتواند معنای دیگری غیر از آنچه که شما گفتید بدهد و ادعای شما را ثابت نکند.

نقد این نقد پیش از این بعمل آمد و خاطر نشان شد که پیامبر خود نیز منتخب مردم بود و خداوند، به بیعت مردم با او رضا داد. این امر که پیامبران از مردم هستند، کجا دلیل می شود که اولوا الامر، بدین خاطر که از مردم هستند، لازم نیست منتخب مردم باشند؟ آیا در قرآن، پیامبر به ولایت منصوب شده است؟ آیا ولی امر دیگری را قرآن نصب کرده است؟ نه. اصرار داشته است که پیامبری جز بلاغ نیست. وقتی نصیبی در کار نیست و در مورد شخص پیامبر، انتخاب در کار است، لاجرم ولی امر می باید منتخب باشد و به ترتیبی که توضیح داده شد، ولی امر وقتی معنی پیدا می کند که امر ایجاد شده باشد و امر را شورا ایجاد می کند و در مرحله عزم بر اجرا، شورا خود می تواند مجری باشد و اعضاء از آن پیروی کند و نیز می تواند مجری برگزینند و در اجرای امر مصوب شورا، اعضاء از او پیروی کنند. با وجود این، ناقد فرصت برای توضیح موضوع بس مهمی را ایجاد کرده است. او می نویسد: منکم ممکن است «از طرف شما» معنی ندهد و از «جنس شما» معنی بدهد. اگر از «جنس شما» معنی دهد، می تواند دلالت بر انتخابی بودن ولی امر نکند. توضیح بس مهم اینست:

۱/۵. در آیه ای که ناقد بدان استناد کرده است، پیامبر را خداوند از خود مردم بر می گزیند برای این که آیات خداوند را بر آنها بخواند و... در این آیه و در هیچ آیه دیگری به پیامبران ولایت نبخشیده است. در آیه، روشن است که پیامبر از مردمی است که بر آنها مبعوث می شود. و روشن تر اینست که امر را خداوند ایجاد می فرماید و پیامبر را مأمور اجرای آن می کند. بدین قرار، ایجاد کننده امر، برگزیننده مجری نیز هست. از آنجا که از حق، جز حق صادر نمی شود، خداوند حقی را که خود بدان عمل می فرماید، آفریده های خود را از آن محروم نمی کند، سهل است آفریده ها را بر آن می خواند که به آن عمل کنند. پس، بر همین اصل، ایجاد کنندگان امر حق دارند برای آن، ولی معین کنند: پس اولوا الامر هم می باید از مردم باشند و هم منتخب آنها.

۲/۵. اما آیا اگر کسی از مردم بود، می تواند با توسل به زور، بر مردم حاکم شود و مردم موظف هستند از او اطاعت کنند؟ نه. زیرا، زور ناحق است و ایجاد حق نمی کند. چنین کسی در زمره طاغوت است و قرآن به صراحت، انسانها را به ترک اطاعت از طاغوت می خواند. تجویز چنین ولی امری، سلطه قدرت (= زور) بر حق و انکار کرامت انسان است.

۳/۵. آیا موافقت مردم با حاکم مستبد، او را ولی امر می کند؟ نه. زیرا مردمی که از حقوق شهروندی خویش غافل می شوند و از مستبد پیروی می کنند، بعنوان اندیشه راهنما، بیان قدرت در سر دارند و از این واقعیت که قدرت از ویرانی پدید می آید و ویرانی بر گذشته است. زمان ما و همه زمانهای پیش از ما، مستبدهائی که با موافقت مردم روی کار آمده و دمار از روزگار مردم بدر آورده اند، را بسیار به خود دیده اند. از این رو، عقل را مستقل و آزاد کردن و بیان استقلال و آزادی را اندیشه راهنما کردن کار اولی است که هر انسان در خور این عنوان می باید بدان بپردازد. زندگی را عمل به حقوق ذاتی خویش و دفاع از حقوق یکدیگر کردن، از رهگذر بیان استقلال و آزادی را اندیشه راهنما کردن میسر است. از این رو، پیامبران را خداوند به این مهم برمی گزیند و روا نیست مقام آنها را تا یک مستبد به رای فرو کاهیم. کار به جایی برسد که در ایران امروز رسیده است: پنداری تصدی اندیشه راهنمای ایرانیان نیز از اختیارات ولی امر مطلقه ای است که اختیار مطلقش جز در زور گرفتن کاربرد ندارد. بدتر از این، پنداری زور کفایت می کند و دیگر نیازی به اندیشه راهنما نیست. وقتی زور در همه قلمرو زندگی آدمیان نقش اول را یافت، همگان گرفتار بیماری مهلک ولایت مطلقه می شوند. در حال حاضر، هیچ مهمتر از مجاهدت در رها شدن و کردن از این بیماری نیست.